



۴

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۲ | شماره پی در پی ۳۵۸ |
دی‌ماه ۱۴۰۲ | ۴۸ صفحه

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir



دریای خزر

خلیج فارس

دریای عمان

شهید مصطفی احمدی روشن

شهید محسن فخری زاده

شهید سردار قاسم سلیمانی

شهید عبدالعلی خوارزمی



۱۳ دی ماه

ولادت حضرت فاطمه الزهرا (س)،
بر عموم مسلمانان جهان تهنیت باد.



۴

رشد

معلم

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، دانشجو معلمان و
کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۲ | شماره پیاپی ۳۵۸ |
دی‌ماه ۱۴۰۲ | ۴۸ صفحه

ISSN: 1606-9129

www.roshdmag.ir

دریای خزر



شهبید مصطفی احمدی روشن



شهبید محسن فخری زاده



شهبید سردار قاسم سلیمانی



شهبید عبدالعلی خوارزمی

خلیج فارس

دریای عمان



۱۳ دی ماه

ولادت حضرت فاطمه الزهرا (س)،
بر عموم مسلمانان جهان تهنیت باد.

مجله روشد

۴

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان،
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ۴۲ | شماره پی در پی ۳۵۸ | دی ماه ۱۴۰۲

www.roshdmag.ir

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجلات
در دسترس عموم جامعه تربیتی کشور قرار گیرد و همه مخاطبان در
میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی
سردبیر: دکتر عظیم مجبی
شورای برنامه ریزی:
دکتر محمد نیرو
دکتر حامد عباسی
دکتر لیلا میرزائی
حجت الاسلام سجاد کریمی
مونس یازگی
مدیر داخلی: الهام فراستی
ویراستار: کبری محمودی
مدیر هنری: کوروش پارسائزاد
طراح گرافیک: مجتبی زند
دبیر عکس: اعظم لاریجانی

نشانی دفتر مجله:

تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۶
تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۲
نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
پایمک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۲۰
وبگاه: www.roshdmag.ir
رایانامه: moallem@roshdmag.ir
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
امور مشترکین:
۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پایم نگار: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۲۳۳
چاپ و توزیع: شرکت افست



نشانی کانال مجله رشد
معلم در پیام رسان ها:
@roshid_moallem



وبگاه نظر سنجی
مجلات رشد

مدرسه بستر تحول و خانه امید است / دکتر حیدر نورانی * ۲

الفتا: خاستگاه خلاقیت و نوآوری / الهام فراستی * ۴

مدرسه های زندگی در قاب جشنواره الفتا / دکتر علی قربانی * ۶

مشق زندگی در مدرسه روستا / ام لیلا صمدی * ۸

پیش نیازهای مدرسه باشخصیت / ام لیلا صمدی * ۱۱

از رازا فکنی تا رمزگشایی / دکتر محمدرضا سنگری * ۱۴

کاوهای مسابقه! / مریم عسکریان چایجان * ۱۶

ره رستگاری / سعیده جلالی فرد، حکیمه بخرد، زهرا موالات، طیبه امیدوریان * ۱۹

معلم روان شناس / دکتر محمد نیرو * ۲۲

معلم و دانش آموز در آینه ادب فارسی / فاطمه حسینی فرد * ۲۵

قابلیت رشد هوش / اعظم ملایی نژاد * ۲۶

گوش هایم را با چی تیز کنم؟ / لیلا پورآزادی * ۳۰

تأملی بر اوقات تحصیلی / هلیا بدریان * ۳۲

مقاومت و شهادت، رمز پایداری / دکتر لیلا میرزائی * ۳۴

در بند جزئیات، غافل از کلیات / دکتر زهرا ابوالحسنی * ۳۶

آینده آموزش به افق هوش مصنوعی / دکتر حامد عباسی، حمیده عباسی * ۳۸

تربیت کل نگر، راهی برای آموزش سواد اقتصادی / محسن کیالاشکی * ۴۲

مدرسه و تهدیدهای زیستی / دکتر اعظم گودرزی * ۴۴

شفقت در کلاس درس / دکتر مرتضی فاضل * ۴۶

به سوی مدرسه فردا / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان

مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشند. مقاله های
ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. حجم مطالب ارسالی حداکثر
۱۰۰۰ کلمه باشد. اثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. محل فرار دادن جدول ها، شکل ها و
عکس هادر متن مشخص شود. شماره تماس و نشانی الکترونیکی نویسنده حتماً نوشته شود. مجله در رد، قبول، و ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. برای
مندرج در مقاله حاضر و در همین دفتر انتشارات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان یا خود نویسندگان با مترجم است.



برای اشتراک مجلات رشد
پوش کنید

مدرسه بستری

خانۀ امید

است

دکتر حیدر تورانی

استاد مدیریت آموزشی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

اشاره

مدرسه خانه و کشتزار اصلی تغییر و تحول است. رویشگاه علم و دانش است. مَرغزار کاشت و کشت است. اگر در مَرغزار کشت کنیم، موجودات درون آن عطسه زنان به پرواز در خواهند آمد و اگر در شوره زار کشت کنیم، خمیازه کشان از پرواز می افتند. مدرسه خانۀ امید آیندگان است. امید به آینده را باید در مدرسه جست و جو کرد. برنامه های تحولی باید به مثابۀ بذرهایی اصلاح شده و بوجار کرده، به اقتضا در کشتزار مدرسه افشانده شوند و مدرسه نیز آمادگی و قابلیت رویاندن این بذرها را داشته باشد. در غیر این صورت، مدرسه به انباری از انباشته ها، نه کشتزار و بستر حاصلخیز و رویانندۀ بذرها، تبدیل می شود و به طور طبیعی زیر خروارها انباشته، بی رمق و پژمرده، به سوگ می نشیند:

برای عزیمت از وضع موجود به وضعیت مورد انتظار، لازم است سفره ای گسترانده شود و هر مدرسه بنا به اقتضائات و مقدمات خویش از آن خوان خوشه برچیند. از آنجا که مدرسه به مثابۀ نهادی اجتماعی و رویشگاه یادگیری، نظامی است هوشمند که قابلیت و ظرفیت تربیت آیندگان را دارد، این سؤال مطرح می شود که: «کدام مدرسه بستر تحول و خانۀ امید است»؟

پاسخ: مدرسه ای که ابتدا باید:

۱. احیا شود، بعد مهیا: مدرسه ای که آبیستن تحول و خانۀ امید است، زنده و پویاست. واجد شرایط یادگیری است. دانش آموزان آن فاعل (سوژه) اند نه منفعل (ابژه). عاملیت دارند و موجد عمل اند. اگر قرار است مدرسه در اجرای آموزه های سند موفق و کارآمد باشد، لازم است ابتدا «احیا» شود. یعنی بافتار آن (معلم و دقت پداگوژیک، شجاعت اخلاقی، شفافیت، سبک رهبری و نیز فرایند ارزیابی) پشتیبان یادگیری شود. مهیا کردن هر نوع ابزار و امکانات آمادی (لجستیکی) و مادی برای مدرسه ای که در شرایط احیا نیست، ناکار و غیراثربخش و به سان نفس دادن به غریقی است که زبان در کام است.
۲. بیدار شود، بعد تیمار: درجه هایی از هوشیاری موجود کفایت نمی کند تا اقدامات آموزشی و تربیتی به سرانجام نیک نزدیک شوند. به طور مثال، تازمانی که معلم با تشویق مادی و کارت های صد آفرین و تنبیه های انگیزه گش در پی تیمار سگ پاولف است و به جای آتش زدن سطل، در پی پرکردن آن است، همچنان خمیازه ها (که برآمده از هوای تکراری اند) امان می برند و سرفه ها (که محصول هوای تازه اند) در پیچ و خم های بینادیوانی (بوروکراتیک) و مکانیک وار مدرسه، زمان می خردند تا سر برافرازند.

عکاس: حمیده شفیعی ها



۳. متغیر شود، سپس تعمیر: ساختار و بافتار (شاکله) مدرسه امروز در شرایطی است که لازم است برای تعمیر، تغییر یابد. لازمه تغییر ارتقای شایستگی های معلمان و مدیران است تا با بهره گیری از مفاد اسناد تحولی، زمینه تحول مدرسه را فراهم آورند.

۴. تشنه شود، آنگاه سیراب: در شرایط امروز بیشتر مدرسه ها، هم از حیث سازه های نرم (عوامل انگیزشی و بهداشتی کارکنان و ذی نفعان مدرسه) و هم سخت (امکانات آمادی و به اصطلاح مادی و مالی) شرایط مطلوبی ندارند. در حالی که مدرسه باید از ابعاد گوناگون در آرزو و تمنای بهتر شدن و در طلب آب باشد تا تشنگی آرد به دست. احساس کاذب سیراب بودن گمراهی است. در شوق و در تمنای یادگیری بودن و داشتن نگرش مثبت و روحیه امید و تلاش برای روزهای بهتر، از علائم و نشانه های مدرسه های تشنه و طالب یادگیری است.

۵. کاسته شود، تا انباشته: تصور می شود تنها با تزریق منابع، خروجی مطلوب حاصل می شود، حال آنکه کاسته شدن از موانع (موانع نگرشی، ساختاری، قانونی، اطلاعاتی و ...) در کنار تزریق منابع و اصلاح و بهبود فرایندها، بسیار کمک خواهد کرد تا مدرسه بهتر و آسان تر به اهداف خویش نایل آید.

۶. قابل شود، سپس قادر: با وجود داشتن منابع و اختیار، چنانچه مدرسه و اهالی آن، به ویژه مدیر مدرسه، از قابلیت های لازم برخوردار نباشند، راه مقصد دشوار و رسیدن به آن نشدنی است. از جمله شاخص ها و نشانه های قابلیت اعتماد به نفس، مشارکت جویی، کنجکاوی، هوشیاری و هوشمندی، نگاه نظام دار و عزم و اراده است. قابلیت که از ویژگی های سقراط حکیم است، از قابلیت ناشی می شود و قدرت زایاندن دارد. قابلیت از مهارت متفاوت است. قابلیت می تواند به افراد و نظام یاری دهد که رخدادهای جدید را با توجه به ظرفیت بالقوه، دریافت و فهم و آن را به عمل تبدیل کنند، اما مهارت توانایی انجام فعالیت های جاری است و کمک می کند کارهای جاری درست انجام گیرند. البته کامل تر شدن در گر و هم زیستی توأمان قابل بودن و قادر بودن است.

۷. یادگیرنده شود، بعد یاددهنده: همه مدرسه ها در چه هایی از یادگیرندگی دارند و به اصطلاح ساز مان یادگیرنده هستند. اما بیشتر خود را در موضع و موقعیت یاددهنده تصور می کنند. همین نگرش، مانع یادگیری و توسعه آن ها می شود. تصور نشود که وظیفه و رسالت اصلی مدرسه صرفاً یاد دادن است. با هم آموختن و از هم آموختن و یادگیرنده بودن، رهیافتی است که یاددهندگی را با خود به همراه دارد. مدرسه باید این مفهوم را در حافظه سازمانی خود ذخیره کند که: وقتی یاد می گیریم، دیگران هم یاد می گیرند. وقتی یاد می دهیم، دیگران بیشتر در وضعیت امتناع و مقاومت قرار می گیرند، در حالی که ما بیشتر از همیشه نیاز مند بودن در شرایط پذیرش هستیم تا امتناع.

۸. ارگانیک شود، نه مکانیک: مدرسه های ما از مکانیکی بودن رنج می برند. شاکله و ساختار مدرسه باید پویا، چابک، دانش محور، شبکه ای و هوشمند شود. منظور از تغییر در شاکله و ساختار مدرسه، صرفاً تغییر ساختار (چارت) سازمانی و تقسیم وظایف نیست، بلکه طراحی جدید بر خروج از تمرکز، پویایی مستمر

و تغییر و اصلاح فرایندها و روش ها و رویه ها، ارتقای سامانه عامل و ضریب یادگیرندگی و هوشمندی مدرسه، افزایش مشارکت جویی و مشارکت پذیری معلمان، رهبری اثر بخش، همراهی ذی نفعان، اعتماد جمعی، دانش آموز محوری، مدرسه محوری، صاحب اختیاری بیشتر، دقت پد آگوزیک، خطر پذیری شجاعت اخلاقی، شفافیت و نوآوری مبتنی است.

۹. آشوبناک شود، آنگاه تابناک: توجه به جزئیات، نانوکاری به جای گیکاکاری، کوچک را بزرگ دیدن، کم را زیاد به حساب آوردن، بدیهیات را جدی گرفتن، صدای دانش آموز و والدین را شنیدن، از قدم های کوچک، پیوسته و آهسته بهره بردن، خود را دست کم نگرفتن و قدر داشته ها را دانستن، از الزامات آشوبناکی است. آنچه مهم تر است، حرکت سلسله دار (دومینوار) و «گلوله برفی» گونه است. آب را پشت سد نگهداشتن و نگرانی را به دل کشیدن، ره به مقصود نمی برد. آب اگر رها شود، خود بلد است چگونه راهش را بیابد. مدرسه ها را با توجه به مقتضیاتشان به حرکت تشویق کنید و به خود واگذارید. خود بلدند چگونه از ایستایی در آیند و راه نرفته را به درستی ببینند. اطمینان داشته باشید، آنچه اتفاق خواهد افتاد، بسیار بهتر است از آنچه امروز وارث آن هستیم.

۱۰. گشاده روی شود، تا گشوده در: ضرب المثل معروفی است که مهمان به روی گشاده می آید، نه در گشوده! اگر قرار است فرزندان ما باشوق و حال خوب به مدرسه بشتابند و والدین ایشان نیز با ذوق و اشتیاق به صله رحم اهالی مدرسه نایل آیند، جو آرام و فرح بخش مدرسه که بیشتر در چهره گشاده مدیر و کارکنان مدرسه متبلور است، بسیار کار ساز است و به هیچ تأمین اعتباری، الا دقت و درک اهالی مدرسه، نیاز مند نیست. رمز گشاده رویی در این است که ساکنان مدرسه در چهره دانش آموزان، چهره فرزندان خویش را و در سیمای والدین، سیمای برادران و خواهران خویش را ببینند. *

اشاره

شناسایی و معرفی تجربه‌های نوآورانه مبتنی بر اسناد تحولی مدرسه‌ها، یکی از رسالت‌های ستاد آموزش و پرورش تلقی می‌شود. براساس این رسالت سترگ، قرارگاه اجرایی سازی سند تحول رویدادی را با عنوان «الف تا» طراحی و اجرا کرده است. برای آشنایی با رویکرد، اهداف و فرایندهای اجرایی این رویداد با جناب آقای دکتر علی پارسانیا، مشاور وزیر و دبیر اجرایی سازی سند تحول، گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که با هم بی می‌گیریم:

رویکرد و اهداف اصلی رویداد الف تا روشن فرمایید.

جای الف تا از چند نظر در آموزش و پرورش خالی بود: اول اینکه ما رویدادی نداشتیم که تجربه‌های نوآورانه آموزشی، مدیریتی و پرورشی یک مدرسه در تراز برنامه‌های تربیتی، توانمندسازی نیروی انسانی و سازوکارهای مدیریتی مبتنی بر مفاد اسناد تحولی به اشتراک گذاشته شود.

یکی دیگر از اهداف اصلی این رویداد، امیدآفرینی بود تا اینکه نشان دهیم تحول در مدرسه‌های دولتی و عادی شدنی است. مدرسه‌هایی در مناطق محروم داشتیم که کارهای شاخصی انجام داده بودند. این مدرسه‌ها ثابت کردند با همین شرایط هم می‌توان کارهای بزرگی کرد و این امید به تحول چیزی است که ما در این سال‌ها به آن توجه نداشته‌ایم. ما باید نمونه‌های خوب را در رویدادی آیینی به صحنه بیاوریم.

هدف دیگر عینیت‌بخشی به مفاهیم انتزاعی سند تحول است. مفاهیم سند تحول به دلیل خاصیت سند نویسی، انتزاعی هستند. برای اینکه تحول رقم بخورد و همه بدنه آموزش و پرورش فهم مشترکی از سند داشته باشند، باید مفاهیم انتزاعی را به مفاهیم انضمامی، عینی و ملموس تبدیل کنیم. هدف دیگر شکل‌گیری شبکه روابط انسانی است. این شبکه روابط انسانی در تحول جوامع انسانی به ما خیلی کمک می‌کند و ما از آن غفلت کرده‌ایم. تحول در جامعه به اراده وابسته است، اما نه اراده فردی،

خاستگاه

خلاقیت

نوآوری

الف تا؛

الهام فراستی



بلکه اراده جمعی. اراده جمعی در پیوند خوردن افراد به همدیگر معنا پیدا می‌کند. ما تا الان این زمینه پیوند را برای معلمان و مدیران مدرسه‌ها فراهم نکرده‌ایم.

نکته مهم در این زمینه آن است که رویداد الف تا جشنواره نوآوری‌های آموزشی نیست، اگرچه لوازم و اقتضاناتش نوآوری است، اما رویدادی است برای شکل‌گیری شبکه‌های انسانی دارای عزم و اراده تحول، با جهت‌گیری مدنظر سند تحول. یعنی آن مدرسه‌ای که انقلاب اسلامی آن را می‌پسندد. این جهت‌گیری دورکن خیلی جدی دارد: یکی فرایندها و سازوکارها و دیگری هدف است. در فرایندها سازوکارها شکل‌گیری شبکه‌ای انسانی مدنظر است که عزم و اراده تحول دارند. این شبکه باید خودش را گسترش دهد تا در کل آموزش و پرورش گسترش یابد. دوم غایت و جهتی است که این شبکه باید به سمت آن حرکت کند که همان تربیت انسان تعالی یافته است. چنان نشود که مادر سطح فن بمانیم. این اتفاق بزرگی نیست. ما می‌خواهیم انسان تعالی یافته تربیت کنیم. غایت ما و مدنظر سند تحول همین است.

به نظر می‌رسد برای پیاده‌سازی این رویکرد و اهداف به استقرار تفکر راهبردی نیازمندیم؟

اول اینکه خود این رویداد ظرفیت دارد که جریان‌ساز باشد. یکی از کارکردهای جشنواره‌های بزرگ دنیا



عکاس: مریم نضی سلطانی



دانش آموزان هویت و شخصیت داده شود. مثلاً در بخش فنی حرفه‌ای بازیابی کنیم و نوآوری‌های اختراعی یکی از شاخص‌های ارزیابی باشند. آنچه باید برای ما مهم باشد، خود هنرستان است. در بخش مدرسه‌ها هم همچنین. لذا اولین کار محورهای رویداد سال آینده، شاخص‌ها و سازوکار احراز آن شاخص تعیین می‌شود، با کمک خود مدرسه‌ها. دومین تغییر سال، اجرای رویداد در سطح استان‌هاست. چون استان‌ها بیشتر مدرسه‌ها می‌شناسند.

با توجه به نقشه اجرایی سند تحول، این فعالیت‌ها چگونه می‌خواهند در نقشه اجرایی سند تحول مدرسه‌های خودشان را نشان دهند؟ در نقشه راه اجرایی سند تحول، یکی از پیوست‌ها، پیوست گفتمان‌سازی است. هم گفتمان‌سازی کلیت سند تحول و هم گفتمان‌سازی ذیل هر پروژه‌ای که برای سند تحول وجود دارد. یکی از این کلان‌پروژه‌ها که به گفتمان‌سازی نیاز دارد، الگوی مفهومی مدرسه بر اساس سند تحول است. برای این کار به یک بسته آموزشی چندرسانه‌ای نیاز داریم. یک بخش این بسته الفت‌است. یعنی الفت‌ها می‌تواند بخشی از بسته گفتمان‌سازی سند تحول در پروژه مدرسه تراز سند تحول بنیادین باشد. لذا اگر تلقی ما این باشد که الفت‌ها می‌تواند کل تحول را رقم بزند، این تلقی واقع‌بینانه نیست. البته می‌تواند خیلی مؤثر باشد، اما در جای خودش. ❁

۳ هزار اثر انتخاب شد. در نهایت ۲۷۰ واحد آموزشی حضور داشتند و دوستان معاونت متوسطه داوری را انجام دادند. در بخش تجربه‌ها ۱۶ هزار اثر داشتیم که ۱۰۰ نفر داوری کردند. ۱۵۰ اثر در بخش تأکیدها و تجربه‌های محصولات تربیتی بود. یک بخش بین‌الملل هم داشتیم که مجموعه‌های تربیتی حدود ۱۷ کشور دنیا اثر فرستاده بودند. ۱۰۰ اثر آمده بود که داوران ۹ اثر را برای حضور در نمایشگاه انتخاب کردند. در بخش مدرسه‌ها ۳۰ مدرسه دولتی وارد نمایشگاه شدند، ۲۵ مدرسه غیردولتی و ۳۰ مؤسسه نوآور آموزشی. مدرسه‌ها از حیث‌های متفاوت برگزیده شدند. مثلاً یک مدرسه از نظر توجه به هویت روستایی دختران برگزیده شد. یک مدرسه از نظر هویت‌سازی خود مدرسه برای دانش‌آموزانش و پیوند خوردن مدرسه با خانه. یک هنرستان هم از نظر اتصال به کسب‌وکار و بازار کار برگزیده شد.

در طراحی و برنامه‌ریزی برای آینده الفت‌ها چه تدابیر کلی‌ای دارید؟

اولین تغییر، تدبیر اصلاح فرایند داوری است. ما باید رویداد امسال را بازیابی و بازاندیشی کنیم و ببینیم بخش‌های بین‌الملل یا مؤسسات همچنان باشند یا نباشند. هنرستان‌ها اگر می‌خواهند بمانند، باید به سبک ساخت ایران باشند (شاید یک یا چند هنر جو کاری انجام داده باشند)، یا هنرستان به مثابه یک مجموعه آموزشی تربیتی باشد، به این معنی که در مجموعه دانش‌آموزانش شوق کارآفرینی ایجاد کند و به خود

این است که هنجارسازی می‌کنند. یعنی ارزش‌های حاکم بر جامعه مخاطب را تغییر می‌دهند. وقتی شما استانداردها و معیارهای خاصی برای داوری دارید، بدنه را به طور طبیعی به آن سمت جهت می‌دهید. وقتی شما تربیت شش‌ساحتی را ملاک قرار می‌دهید و همه آن‌ها را ذیل ساحت غنی‌تر، یعنی ساحت اعتقادی، معنا می‌کنید، این هم به کار جهت می‌دهد. ما باید سازوکارها را در خود رویداد طوری طراحی کنیم که بگوییم این ساحت اعتقادی برای من شاخص اصلی است و بقیه را ذیل آن می‌بینم. مثلاً در مدرسه‌ای از بوشهر، مطالبه‌گری دانش‌آموزان و کنش سیاسی آنان موضوعیت داشت. حال اگر عوامل آموزشی این کنشگری اجتماعی را به سمتی سوق بدهند که بچه‌ها ذیل یک تکلیف یا مسئولیت الهی کار را انجام دهند، این ارزشمند است. اگر نباشد، ارزشش کمتر یا حداقل خنثا می‌شود. لذا می‌توانیم این تفکر را با استانداردهای کلان و کلی بسازیم.

در رویداد الفت‌ها فرایند جمع‌آوری ایده‌ها و ارزیابی آن‌ها چگونه انجام شده است؟

یک بخش مجموعه مدرسه‌ها بود و بخش دیگر تجربه‌ها. یک بخش هنرستان‌ها بود که ایده ساخت ایران را داشتند و یک بخش هم مؤسسات بودند. در بخش هنرستان‌ها، در ابتدا بیش از ۳۰ هزار اثر بررسی کردند. در مرحله کشوری

مدرسه‌های زندگی

در قاب

دکتر علی قربانی
دکترای فلسفه تعلیم و تربیت

جشنواره الف‌تایا

وفنی حرفه‌ای)، یکی از شاخص‌ترین مدرسه‌های رویداد بود. مدیر مبتکر این مدرسه با پالایش همه رشته‌های فنی و کار دانش، رشته‌های درآمدزای دختران در منطقه خودشان را شناسایی و با ایجاد اشتغال و درآمد، سعی کرده بود مشکلات و آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان را هم برطرف کند. مدیر این مدرسه، همچون مدرسه صبح‌رویش تهران، پیش‌شرط ایده‌کرامت نفس دانش‌آموزی و تربیتی اخلاقی و اعتقادی آنان را در توانمندسازی مهارتی و استقلال‌شخصیتی هنرآموزان می‌دید. در حال حاضر، این مدرسه اکثر محصولات خود را در حوزه‌های هنری، صنایع دستی و مواد غذایی به مرحله فروش رسانده و نه تنها از سراسر ایران، بلکه از هشت کشور خارجی از جمله کانادا و سوئد، برای دم‌نوش‌ها و پودرهای مکمل غذایی خود مشتریانی یافته است. وجه جالب توجه کار خانم کاویان، مدیر هنرستان پروین و مانده، یادگیرنده بودن و ترویج این روحیه در کارکنان مدرسه است. نه تنها خودش به روزترین دوره‌های مرتبط با حوزه کاری را گذرانده و هر روز باید در زمینه تخصصی خودش مطالعه روزانه داشته باشد، بلکه تمام کارکنان مدرسه‌اش هم باید در زمینه کارشان دوره‌های تخصصی و نوین را بگذرانند.

مدرسه یاس‌نی، مدرسه برتر در زمینه هویت‌سازی بود. شاید کارهای این مدرسه را برخی از مدرسه‌های غیردولتی هم برای هویت‌سازی و رقابت با سایر مدرسه‌ها انجام داده باشند، اما نکته اصلی در باره این مدرسه، اعتقاد مدیر آن به کار در مدرسه دولتی، آن هم در محدوده کم‌برخوردار پرند بود. مدیر مدرسه ضمن آشنایی با فضای برندسازی و هویت‌سازمانی

اولین دوره رویداد ملی الف‌تادیر تیرماه ۱۴۰۲ با تقدیر از طرح‌های برتر به کار خود خاتمه داد. در این رویداد، در بخش‌های گوناگون مدرسه‌ای، تک‌ایده‌ها، ساخت ایران (هنرستان‌ها)، پژوهش‌سراها و... ۵۰ هزار طرح و ایده متفاوت شرکت کرده و پس از داوری اولیه، تعدادی از منتخبان در نمایشگاهی که از ۱۸ تا ۲۱ تیرماه در مصالای بزرگ تهران برگزار شد، شرکت کردند. در بخش مدرسه‌ها و هنرستان‌های دولتی، ۳۰ الگوی برگزیده، هر یک در غرفه‌های خود، فعالیت‌ها و الگوی مدرسه‌داری خویش را به نمایش و گفت‌وگو گذاشتند. در میان مدرسه‌های حاضر در رویداد الف‌تا ۱۰ مدرسه به‌عنوان مدرسه‌های شایسته تقدیر برگزیده شدند. هر یک از این مدرسه‌ها روایت خاص خود را داشتند و توقع می‌رود آموزش و پرورش و برگزارکنندگان این رویداد، در زمینه ثبت این تجربه‌ها، الگوپردازی و همچنین نحوه تکثیر این الگوها در سایر مدرسه‌ها، برنامه‌ای منسجم و اندیشه‌شده را در پیش گیرند. اما به نظر می‌آید شاید بد نباشد مقدمه این امر، ثبت کوتاه‌برخی از این تجربه‌ها باشد. از این رو روایت پنج مدرسه خاص را که در زمینه ایجاد مشارکت، اشتغال‌زایی و ایجاد هویت سازمانی و مدرسه‌ای بوده‌اند، در این یادداشت نقل خواهیم کرد. اولین مدرسه که قصد روایتش را دارم، هنرستان دخترانه‌ای در شهر ساحلی بندرگز از توابع استان گلستان است. هنرستان پروین و مانده (کاروانش



اما برای من که به مردم‌شناسی علاقه دارم، مدرسهٔ ریحانه در روستای مسجدین، یکی از جذاب‌ترین مدرسه‌ها بود. مدیر آموزگار مدرسه، خانم زارعی، دانشجوی دکتری فلسفهٔ تربیتی شاهد است و در کار خود با استادان رشته‌های جامعه‌شناسی و علوم تربیتی ارتباط تنگاتنگ دارد. او مشکل اصلی دختران روستایی را ضعف هویتی می‌داند؛ هم هویت زنانگی و هم هویت روستایی بودن. خواهران زارعی که تنها کارکنان مدرسه محسوب می‌شوند، احیای هویت دختران مدرسهٔ خود و احیای هویت روستایی آنان را در برنامهٔ خود قرار دادند. با مطالعهٔ جامعه‌شناختی و به ویژه آثار استاد مرتضی فرهادی، همچون «اواره» و فرهنگ یاریگری در ایران، نقش مولد زنان روستایی، فرهنگ کار جمعی، نقش روستا در امنیت غذایی کشور» و مواردی از این دست را به عنوان نشان‌های راهبردی خود برگزیده‌اند. در مرحلهٔ بعد، از طریق پیدا کردن مستندها و محتواهای مکتوب، تعریف کارهای پژوهشی و از همه مهم‌تر طرح درس‌های گفت‌وگویی به سبک سؤال و جواب سقراطی، دانش‌آموزان را در یافتن این جوهرهٔ هویتی یاری رساندند. خانم زارعی در استفاده از بخش مستندهای روستایی ساخته‌شده توسط گروه‌های مستندساز مطرح کشور، و استفاده از خدمات برخی از دانشگاه‌ها در حوزهٔ رسالت اجتماعی‌شان، تجربه‌های قابل توجهی دارد. به نظر می‌رسد، ثبت و ضبط این تجربه‌ها، الگوپردازی، ایجاد قواعد تسهیلگر، و ترویج و نشر این الگوها، رسالتی است که هم پرورش مدیران توانمند این مدرسه‌ها و هم پرورش مسئولان آموزش و پرورش و الف تایی‌ها باشد.

بود که مدیر این مدرسهٔ سمپاد، برخلاف سایر مدیران سمپادی که معمولاً برنامه‌های آموزشی و پژوهشی خود را در ارائهٔ خود شاخص می‌کنند، تمام تأکید خود را روی مشارکت دانش‌آموزی قرار داده بود. از این نظر می‌توان تصور کرد چنین الگویی چقدر می‌تواند برای سازمان ملی پرورش استعدادها در خشان ارزشمند و قابل بررسی‌های اشاعه‌محور باشد. مورد دوم مشارکتی، مدرسهٔ دکتر حسابی در استان مرکزی بود. این مدرسه ۱۳۰ دانش‌آموز در پایه‌های اول تا ششم ابتدایی دارد و در عین حال دخترانه پسرانه است. به هر حال، موضوع تحولی اصلی این مدرسه این بود که واحد تحلیل و برنامه‌ریزی خود را کلاس درس یا مدرسه نمی‌دانست، بلکه واحد اصلی را جامعهٔ محلی و خانواده‌ها قرار داده بود. تا به حال مدرسه‌ای ندیده بودم که در پی آن باشد که تمام مدرسه‌های محلهٔ خود را در برنامه‌های شریک بانداند! انجمن اولیای مدرسه‌ها را دور هم جمع کند، نهادهای شهر را برای برگزاری اردوها و برنامه‌های خود سرخط کند و اردویش را نه صرفاً دانش‌آموزی، بلکه با حضور خانواده‌ها برگزار کند! این مدرسه به واقع مدرسه‌ای بدون دیوار بود که برای رفع مشکلات دخترانه پسرانه بودن مدرسه، چتر خانواده‌ها و جامعهٔ محلی را در ساعت‌های مدرسه‌ای بر سر دانش‌آموزان گسترده بود.

و تحصیل در این حوزه، توانسته بود تصویری منسجم و با هویت از مدرسهٔ خود برای والدین ایجاد کند. رادیو مدرسه، طراحی نشان‌واره (لوگو) و سرود ویژهٔ مدرسه، آموزش گویندگی به بچه‌ها و آموزش نیمه حرفه‌ای ضبط و صدابرداری به کارکنان مدرسه، تهیهٔ تجهیزات مورد نیاز و ایجاد استودیو، ضبط و تدوین و رسانه‌ای‌سازی تمام برنامه‌ها در مدرسه‌ای دولتی در پرند، واقعاً ایده و الگویی متفاوت بود. از نظر ایده‌های مشارکتی، دو مدرسه به واقع شاخص‌تر از سایرین بودند: مدرسهٔ سمپاد شهید بهشتی تربت جام و مدرسهٔ دولتی مختلط دکتر حسابی در شهر جدید امیرکبیر استان مرکزی. مدیر مدرسهٔ سمپاد تربت جام، آقای مردانشاهی، برای ادارهٔ مدرسه و کلاس‌ها الگوی هیئت مدیرهٔ دانش‌آموزی راه‌اندازی کرده است. هر کلاس به انتخاب بچه‌ها هیئت مدیره‌ای برای خود دارد و نمایندگان هر کلاس، هیئت مدیرهٔ کل را که تمام تصمیم‌های مدرسه زیر نظر آنان صورت می‌گیرد، ایجاد می‌کنند. برای اینکه اعضای جدید هم امکان ورود به هیئت مدیره را داشته باشند، سه بار در سال دربارهٔ هیئت مدیره نظرسنجی می‌شود. در مدرسه کاری نیست که زیر نظر تصمیم‌گیری و ارزیابی و اجرایی هیئت مدیره نباشد. حتی تصمیم‌های شورای مدرسه هم باید در این هیئت مورد بحث و نظر قرار گیرند و مصوبهٔ دانش‌آموزان را برای اجرایی شدن داشته باشند. از نظر ایجاد مشارکت دانش‌آموزی، این الگو (هر چند مشابه‌های بسیاری دارد) نسبت به سایر مدرسه‌های حاضر در رویداد، موفق‌تر به نظر می‌رسید. البته این هم جالب توجه

اشاره

پرنوش بهمنی، مدیر دبیرستان و هنرستان کوثر در روستای باصدی شهرستان رامهرمز در استان خوزستان است. وی همه ۲۷ سال سابقه کاری خود را در مدرسه‌های این روستا گذرانده است. بهمنی یک سال معاون آموزشی بود و در ادامه مدیر متوسطه اول و اکنون نیز مدیر متوسطه دوم نظری باضمیمه هنرستان است. دوره کارشناسی را در رشته دبیری مطالعات اجتماعی و دوره کارشناسی ارشد را در رشته مدیریت دولتی گذرانده است. صاحب رتبه برتر استانی و کشوری در اقدام پژوهی است و به عنوان مدرس سند تحول بنیادین و ارزیاب کشوری برنامه‌تعالی مدیریت آموزشی نیز فعالیت‌های ارزنده‌ای داشته است. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه گفت‌وگوی تلفنی ما با پرنوش بهمنی پیرامون تجربه زیسته‌ی وی در یک مدرسه دخترانه روستایی است:

برای توسعه و ارتقای مهارت‌های آموزشی دانش آموزان دختر روستایی چه اقداماتی انجام داده‌اید؟

زمانی که مدرسه روستای باصدی به من تحویل داده شد، دو سال از ساخت آن گذشته بود. این مدرسه در متوسطه دوم در رشته تجربی و انسانی داشت. بچه‌ها از ۱۳ روستای اطراف برای تحصیل به این مدرسه می‌آمدند. بسیاری از دختران روستایی به این دلیل که نمی‌توانستند در رشته تجربی به پیشرفت خوبی برسند، از ادامه تحصیل ناامید می‌شدند. به همین خاطر با مشورت مشاوران و اداره آموزش و پرورش شهرستان رامهرمز تصمیم گرفتیم رشته تجربی را حذف کنیم. به جای آن هنرستان رارهاندازی

ام لیلا صمدی

در مدرسه روستا زندگی حقیق





بچه‌های دبیرستان و هنرستان کوثر در «مدرسه زندگی» درس می‌خوانند



نگاه شما به دانش‌آموزان روستا و شهر و روش تدریسشان به هر کدام از آن‌ها باید با هم متفاوت باشد

کردیم و دو هنرآموز به مدرسه ما اختصاص داده شد. رشته خیاطی لباس زنانه را انتخاب کردیم تا بتوانیم تمام‌ساختی با دانش‌آموزان کار کنیم.

ضمن بررسی، متوجه شدیم روستاییان برای کارهای خیاطی به شهر می‌روند و در روستاهای اطراف خیاط‌ها را خیلی کم دیده می‌شود. دانش‌آموزان دختر می‌توانستند با یادگیری مهارت خیاطی درآمد داشته باشند. از ۱۳۱ راهکار سند تحول بنیادین، ۵۱ راهکار آن را که به درد مدرسه ما می‌خورد، برای عملیاتی کردن بررسی کردم. در این فرایند از ظرفیت برنامه‌تعالی مدیریت مدرسه نیز بهره گرفتیم.

یک سال بعد، با کمک وزارتخانه، شش چرخ خیاطی برای کارگاه مدرسه خریدیم که اکنون آن‌ها را به یازده چرخ رسانده‌ایم. با انجام مشاوره، به تدریج تعداد دانش‌آموزانمان در این رشته بیشتر شد. اکنون دانش‌آموزان مادر رشته خیاطی دانشکده‌های فنی خرم‌آباد و اهواز دانشجو هستند. به رشته خیاطی در هنرستان بسنده نکردم. چندسالی است رشته مدیریت خانواده را به هنرستانمان اضافه کرده‌ام. دانش‌آموزان دختر در این رشته مهارت‌هایی چون پخت و پز، تزئین منزل، بافتنی، گل‌آرایی، خیاطی و گلدوزی را می‌آموزند و کدبانو بار می‌آیند. اکنون ۴۳ دانش‌آموز در رشته علوم انسانی و ۵۶ هنر وجود در هنرستان داریم.

سند تحول بنیادین می‌گوید، دیوارها را بشکنید و با سایر سازمان‌ها ارتباط برقرار کنید. ما طرح باشگاه کتاب‌خوانی را با همکاری وزارت ارشاد اجرا کردیم. بچه‌ها در گروه‌های شش نفره قرار گرفتند و متناسب با سن آنان، برنامه کتاب‌خوانی و نقد و بررسی کتاب را اجرا کردیم. بچه‌ها در برنامه نذر کتاب، کتاب‌ها را به‌عنوان نذر در روستا توزیع می‌کردند.

برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و جلب مشارکت آنان چه روش‌های مبتکرانه‌ای به کار برده‌اید؟

در مدرسه بازارچه راه‌انداختیم تا بچه‌ها محصولاتشان را بفروشند. این کار بچه‌ها را به مدرسه علاقه‌مندتر کرد و انگیزه‌شان برای مهارت‌آموزی بیشتر شد. بچه‌ها با گیاه لگجی که مخصوص بوشهر و خوزستان است، تشریح درست کردند و فروختند. مرغ و خروس‌هایی را که خودشان پرورش می‌دادند، به همراه تخم مرغ و انواع آش و غذاهای سنتی در بازارچه فروختند. مادران هم می‌توانستند کنار دخترانشان در غرفه‌ها باشند و در فروش به هم کمک کنند. با اداره آموزش و پرورش شهرستان صحبت کردم و آن‌ها زمان برگزاری بازارچه را با بخش نامه به سایر مدرسه‌ها اطلاع دادند. بچه‌های مدرسه‌های شهری در قالب اردو به مدرسه ما می‌آمدند و از بچه‌ها خرید می‌کردند.

برای تغییر محیط یادگیری از بچه‌ها خواسته بودم کارگاه مدرسه را با وسایل قدیمی به سبک سنتی تزئین کنند. دانش‌آموزان شهری که به بازارچه آمده بودند، با لباس‌های محلی این کارگاه که آرایه سنتی داشت عکس می‌گرفتند و بچه‌ها از این طریق درآمد کسب می‌کردند. این بازارچه‌ها مشارکت بچه‌ها را در سایر برنامه‌های مدرسه نیز جلب کرد. هدفمان این بود که بچه‌ها به مهارت‌آموزی

علاقه‌مند شوند و روحیه کارآفرینی در آن‌ها تقویت شود. سعی می‌کنیم مدرسه ما ویژگی‌های «مدرسه در عصر مفهوم» را داشته باشد. بچه‌های دبیرستان و هنرستان کوثر در «مدرسه زندگی» درس می‌خوانند. در مدرسه زندگی می‌کنند و خسته نمی‌شوند. بچه‌ها مدرسه را خیلی دوست دارند.

از دانش‌آموزان دختر روستایی، برای تضمین موفقیت آن‌ها در کلاس درس، چطور حمایت کرده‌اید؟

به علت کمبود نیروی انسانی شهرستان، مادر هنرستان، به جای سه هنرآموز، دو هنرآموز داریم. اما دو هنرآموز مدرسه همکاری خوبی با من دارند. بیشتر از ساعت موظفی خود در مدرسه حضور دارند و به‌عنوان خبیر، با هزینه شخصی، در خرید پارچه و سایر لوازم کار بچه‌ها کمک می‌کنند و کنارم هستند. با کمک این هنرآموزان و سایر خیرین بود که توانستیم رشته خیاطی را در مدرسه گسترش دهیم، چرا که اگر وسایل موردنیاز بچه‌ها را تهیه نکنیم، آن‌ها از این رشته فرار می‌کنند. بچه‌های روستا توان خرید پارچه و سایر لوازم کارشان در خیاطی را ندارند.

لذا تصمیم گرفتم هفته‌ای یک بار آن‌ها را به شهر ببرم. با هم به خرازی‌ها و تولیدی‌های شهر می‌رفتیم. از بچه‌ها می‌خواستیم پارچه‌ها را ببینند و لمس کنند. در مانتو فروشی از آن‌ها می‌خواستیم به مدل‌های مانتوها نگاه کنند و از مانتوی موردعلاقه‌شان عکس بگیرند. عکسشان را چاپ می‌کردم و سه ماه به آن‌ها فرصت می‌دادم با آموزش‌هایی که در یافت می‌کنند، آن مانتو را برای خودشان بدوزند. با این کار با هزینه کمتر صاحب مانتو می‌شدند و در ساحت اقتصادی آموزش می‌دیدند. با ارتباط با خرازی‌ها در ساحت اجتماعی تقویت می‌شدند. وقتی دانش‌آموز بتواند خودش در کشورش مانتو تولید کند و به لباس‌های تولیدی سایر کشورها وابسته نباشد، تلاش او در جهت ساحت سیاسی نیز هست.

چه اقداماتی انجام دادید تا دانش‌آموزان دختر روستایی از آموزشی باکیفیت مشابه همسالان شهری خود برخوردار شوند؟

یکی از بندهای سند تحول در ارتباط با تفاوت‌های برخورد با دانش‌آموز شهری و روستایی است. من به معلمان مدرسه گفتم، نگاه شما به دانش‌آموزان روستا و شهر و روش تدریسشان به هر کدام از آن‌ها باید با هم متفاوت باشد. شاید دانش‌آموزان روستایی به اندازه شهری‌ها غذای خوب نخورند. دانش‌آموزان روستایی مانند دانش‌آموزان شهری به کلاس‌های تقویتی آزاد دسترسی ندارند. دانش‌آموزان مدرسه ما تنها تدریسی



است که بعضی از اولیای دانش آموزانمان سواد ندارند و ما باید وقت زیادی برای توجیه آن‌ها بگذرانیم. برای تجهیز کارگاه و آشپزخانه هنرستان محدودیت مالی داریم. همه این‌ها را با کمک خیرین و با کمک همکارانم جلو می‌بریم. سعی کردیم با شورا و دهیاری روستا ارتباط بگیریم. با کمک آن‌ها توانستیم کابینت دست دوم تهیه کنیم و اعضای شورا و دهیاری کابینت‌ها را برپایمان نصب کردند. خودمان کارگاه را رنگ آمیزی کردیم.

در آخر نفر مایید به همکاران چه پیشنهادی دارید؟
به مدیران مدرسه پیشنهاد می‌کنم سند تحول بنیادین و راهکارهای آن را مطالعه و عملیاتی کنند. ما این کار را در مدرسه مان انجام دادیم و نتایج آن را دیدیم. با کمک راهکارهای سند تحول توانستیم بر مهارت دانش آموزانمان بیفزاییم و از میزان ترک تحصیل در مدرسه محروم روستایی بکاهیم. سند تحول می‌تواند راهنمایی خوب در رفع چالش‌های مدرسه باشد. مدیرانی که در مدرسه روستایی خوب می‌درخشند و موفقیت کسب می‌کنند، سریع به مدرسه شهر نروند. در مدرسه روستایی بمانند و آن را رشد دهند. این جابه‌جایی‌ها به مدرسه آسیب می‌زنند. من ۲۷ سال در این مدرسه ماندم و بچه‌های مدرسه ما رشد کردند.



مدیرانی که در مدرسه روستایی خوب می‌درخشند و موفقیت کسب می‌کنند، سریع به مدرسه‌های شهر نروند. در مدرسه روستایی بمانند و آن را رشد دهند

که دریافت می‌کنند، تدریس معلم مدرسه است. از این رو، معلمان در نوع برخوردشان با دانش آموزان روستایی مدرسه و در شیوه تدریسان تجدیدنظر کردند. در طراحی سوالات درس‌های پودمانی هنرستان سخت‌گیری نکردند. انرژی و زمان بیشتری به بچه‌ها اختصاص دادند، چراکه احساس کردند آن‌ها به آموزش و توجه بیشتری نیاز دارند. با این کار معلمان از خودشان و همین‌طور از بچه‌ها احساس رضایت بیشتری داشتند.

در جشنواره «الف تا» چگونه ظاهر شدید؟
در جشنواره «الف تا» دلم می‌خواست همه کارهای مدرسه و بچه‌ها دیده شوند. به همین خاطر، در بخش مدرسه تحول آفرین و تمدن ساز شرکت کردیم. همه کارهایی را که در مدرسه انجام دادیم، ارائه کردیم و توانستیم برای حضور در نمایشگاه برگزیده شویم. در غرفه مان کارهای دستی و انواع ترشی‌ها را که از محصولات بچه‌های مدرسه بود به نمایش گذاشتیم. اقدامات و دستاوردهای مدرسه از جمله چگونگی راه‌اندازی هنرستان و نتایج اقدام پژوهی‌ها را در قالب کتاب ارائه کردیم.

آیا در مدرسه خود اقدام پژوهی داشته‌اید؟ و چه نتایجی گرفته‌اید؟

در چند حیطة اقدام پژوهی انجام دادیم. یکی از اقدام پژوهی‌ها در حیطة توسعه حرفه‌ای کارکنان و نظارت بالینی بود. پژوهش بعدی ما در حیطة مهارت آموزی و تأثیر آن در کاهش ترک تحصیل دانش آموزان بود. سومین اقدام پژوهی در حیطة تولید محتوای الکترونیکی در هنرستان بار ویکرد تمام‌ساختی بود که از تجربه‌های کیفیت بخشی در دوران کروناست. چهارمین اقدام پژوهی ما کار «کافیه‌های گمشده» بود. در ایام کرونا که بچه‌ها نمی‌توانستند به سفر رهایان نور بروند، با کمک بچه‌ها یادمان هویزه را در یکی از اتاق‌های مدرسه طراحی کردیم که بسیار زیبا شده بود. اقدام پژوهی، که همان پژوهش در عمل است، به ما کمک کرد چالش‌هایمان را شناسایی کنیم، برای مواجه شدن با چالش‌ها راهکار ارائه دهیم، نقاط قوتمان را بشناسیم و تقویت کنیم، نقاط ضعفمان را بشناسیم و با راهکارهایمان آن‌ها را کاهش دهیم.

در ارائه آموزش با کیفیت به دانش آموزان دختر روستایی با چه چالش‌هایی مواجه بودید و چگونه به آن‌ها رسیدگی کردید؟

سعی کردیم اولیا را در کارمان مشارکت دهیم. اما یکی از چالش‌هایمان این



پیش نیازهای مدرسه

باشخصیت

اشاره

دبستان دخترانه یاس نبی شهرپرنده در شهرستان رباط کریم یکی از سه مدرسه برگزیده تحول در رویداد الف تاست. به این بهانه با لیلا حیدری که مدیریت این دبستان را بر عهده دارد گفت و گو کردیم تا از نوآوری های این مدرسه و چرایی برگزیده شدن آن برایمان بگوید. لیلا حیدری که ۲۰ سال از حضورش در آموزش و پرورش می گذرد، مدرک کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی، کارشناسی الهیات و معارف اسلامی و فوق دیپلم امور تربیتی دارد. وی سابقه فعالیت به عنوان مربی پرورشی، تدریس در دوره های گوناگون تحصیلی و فعالیت اداری در سمت کارشناس مسئول قرآن و عترت رانیز در کارنامه کاری خود دارد. حیدری از سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ مدیر مدرسه ۱۴ کلاسه یاس نبی با ۴۸۰ دانش آموز در دوره های اول و دوم ابتدایی است. خلاصه گفت و گو را در ادامه می خوانید:

از فرایند حضورتان در جشنواره الف تا برایمان بگویید.

بعد از سال ها فعالیت در بخش های گوناگون آموزش و پرورش، به این نتیجه رسیدم که می توان در مدرسه با همین امکانات کم موجود تغییر و تحول ایجاد کرد. با این نیت، کارم را به عنوان مدیر مدرسه شروع کردم که تمام تجربه هایم را برای رشد مدرسه به کار بگیرم تا حداقل الگویی برای مدرسه منطقه خودم درست کنم. برنامه هایی را در طول دو سال اجرا کردیم و چراغ راهنما در این مسیر سند تحول بنیادین بود. ما ایده کلان مدرسه را به جشنواره الف تا ارائه دادیم. البته در تک ایده ها هم شرکت کردیم. در مرحله اول انتخاب شدیم که غرفه داشته باشیم و در نهایت به عنوان سه مدرسه برگزیده کشوری انتخاب شدیم.

ام لیلا صمدی



در روش های آموزشی و تربیتی تان در مدرسه چه نوآوری هایی داشتید که مورد توجه داوران جشنواره الف تا قرار گرفت؟

برای اینکه بتوانیم همراهی و همدلی را در مدرسه داشته باشیم، نیاز داریم کارکنان مدرسه، دانش آموزان و اولیا که عناصر تأثیرگذار مدرسه هستند، نسبت به مدرسه احساس تعلق خاطر داشته باشند. احساس تعلق خاطر می تواند مشارکت جمعی را در مدرسه به وجود آورد. ما نیاز داشتیم برای ایجاد حس تعلق خاطر یک هویت و شخصیت مشخص، مستقل و جذاب برای مدرسه به وجود آوریم. پس ایده مرکزی ما هویت بخشی و شخصیت بخشی به دبستان یاس نبی بود. بر اساس این ایده مرکزی، ۲۷ طرح را طراحی و طی دو سال اجرا کردیم که ۱۲ تای آن ها را به رویداد الف تا ارائه دادیم. همه این طرح ها، علاوه بر نقش اثرگذار خود، در هویت بخشی و شخصیت سازی برای مدرسه، به عنوان ایده مرکزی ما نقش مهم تری داشت که مورد توجه داوران جشنواره قرار گرفت. هر کدام از این طرح های خلاقانه، بدیع و نو، پایه ای بودند برای اجرای طرح بعدی.

برای هویت بخشی به مدرسه چه طرح هایی را اجرا کردید؟

از جمله طرح هایی که برای نمانام (برند) سازی انجام دادیم، «قصه های یاس نبی»، «رادیو مدرسه»، «باشگاه مجریان یاس دخت»، «شنبه های بدون استرس»، «گفت و گوی صوتی ۶۰۹۰ (شصت. نود)»، «مسابقه درسی ۱/۲/۳ (یک، دو، سه)»، «رویداد قد قامت یاس»،

«کلاس های کل گرا»، «کافه مشاور»، «شهر کتاب قصه های یاس نبی»، «تزیین تماتیک دبستان»، «عروسک های نمایشی»، «سرود دختران یاس نبی»، «سرود دبستان یاس نبی»، «جام یاس»، «کافه بازی»، «دیوارنگار مشاهیر ایران»، «یاس نگار و دیوارنگار مصباح الهدی» بودند. اجرای تکی هر کدام از این طرح ها شاید نتواند خیلی کمک کننده باشد، اما اگر هر مدرسه، با توجه به ظرفیتش ایده مرکزی خود را داشته باشد، می تواند آن را بر آن اساس طرح های خلاقانه ارائه دهد. هدفمان از اجرای تمام این طرح ها این بود که بچه ها مدرسه را دوست داشته باشند. اکنون دبستان یاس نبی به مدرسه ای بنام در شهر پرند تبدیل شده است تا جایی که اولیا تمایل دارند فرزندشان را از کلاس های ۱۵ نفره مدرسه های غیر انتفاعی به کلاس های ۳۴ تا ۴۲ نفره مدرسه یاس نبی بیاورند.

در مورد تجربه اجرای تعدادی از این طرح ها بر ایمان بیشتر توضیح دهید.

اولین گام در هویت بخشی به مدرسه، ساخت سرودهای اختصاصی برای مدرسه بود که کمک کرد بچه ها حس تعلق خاطر بیشتری به مدرسه داشته باشند. این سرود را که اسم مدرسه و محله مادر آن آمده است، شاعران بومی و محلی سروده اند. ماسفارش آهنگ سازی را دادیم و گروه گران را خواند. ما این سرود دبستان یاس نبی را به عنوان اثری هنری در روز دانش آموز به همه بچه ها هدیه دادیم که بسیار مورد توجه و استقبال قرار گرفت. در سال بعد نیز دومین سرود اختصاصی مدرسه را با نام دختران یاس نبی ساختیم و در روز دانش آموز به بچه ها تقدیم کردیم.

طرح «رادیو مدرسه» را در ایام کرونا شروع کردیم تا بچه ها را پرانرژی به کلاس های مجازی بفرستیم. این برنامه تصویری به مدت نیم ساعت در قالب پخش زنده (لایو) در کانال شاد مدرسه اجرا می شد. با حضوری شدن مدرسه این برنامه را در سالن مدرسه اجرا می کردیم و از معلمان و دانش آموزان کلاس ها می خواستیم با برنامه همراهی کنند. رادیو مدرسه شامل فعالیت هایی چون قرائت قرآن، نرمش صبحگاهی، سرود ملی و شعر خوانی بود. از آنجا که سال ها قبل که برنامه صبحگاهی در حیاط مدرسه برگزار می شد، صدای بلندگو اعتراض همسایه ها را به دنبال داشت، با اجرای برنامه رادیو مدرسه در سالن، بچه ها دیگر در حیاط صف نمی ایستادند و همسایه ها اذیت نمی شدند.

از آنجا که معمولاً بچه ها روزهای شنبه با فشار روانی به مدرسه می آیند، ما طرح «شنبه های بدون استرس» را اجرا کردیم. در این برنامه، به معلمان پیشنهاد دادیم روز شنبه ارزشیابی نداشته باشند و با خلاقیت خود برنامه هایی مثل «صبحانه سالم، بازی در کلاس، کاردستی و نقاشی» اجرا کنند. اگر تکلیف سنگینی برای تعطیلات آخر هفته به بچه ها محول

احساس تعلق خاطر می تواند در مدرسه مشارکت جمعی به وجود آورد

اگر هر مدرسه با توجه به ظرفیتش ایده مرکزی خود را داشته باشد، می تواند بر آن اساس طرح های خلاقانه ارائه دهد



دیرینه دارد. ما از این عروسک‌ها در کلاس‌های درس و برای تولید محتوا و نیز در جشن‌ها و مناسبت‌ها استفاده می‌کنیم. در واقع این عروسک‌ها هم به آموزش و هم به ایجاد نشاط در مدرسه کمک می‌کنند. عروسک‌های دوقلوهای پرندی با نام‌های پرند و سپند را هم به پیشنهاد شهرداری پرند برای آن‌ها ساختیم که در اختیار مدرسه هستند. شخصیت پردازی این عروسک‌ها با ماست و ساخت آن را یک عروسک‌ساز حرفه‌ای انجام می‌دهد. صدایشه و عروسک‌گردان هم از دانش‌آموزان قبلی خودم هستند که دبیرستانی‌اند. داستان آن را در مدرسه می‌سازیم. بچه‌ها ارتباط خیلی خوبی با این عروسک‌ها برقرار کرده‌اند. وقتی در مدرسه جشنی داریم، سراغ این عروسک‌ها را می‌گیرند.

با طرح «سیب زرین یاس نبی» هم سعی کردیم بابت زحمت‌های معلمان به آن‌ها ادای احترام و از آنان سپاسگزاری کنیم. سیب زرین جایزه تقدی نداشت، بلکه یک طراحی ساده و یک عنوان بود. چهارشنبه هر هفته عنوان سیب زرین را به یکی از آموزگاران که در آن هفته علاوه بر وظایف معمول خود کار ویژه و خلاقانه انجام می‌داد اختصاص می‌دادیم و در کانال و گروه‌های مدرسه اطلاع‌رسانی می‌کردیم. سعی کردیم به این ترتیب بستری برای فعالیتهای خلاقانه ایجاد کنیم. در چند مورد، سیب زرین به دانش‌آموز، اولیا و فردی که در شهر کار ویژه‌ای انجام داده بود نیز اختصاص پیدا کرد.

مهم‌ترین ارزش‌ها و مهارت‌هایی که به نظر شما باید در دانش‌آموزان دوره ابتدایی ایجاد شوند چیست؟

دانش‌آموزان ما باید زندگی کردن را در مدرسه تجربه کنند و خوب زندگی کردن را یاد بگیرند. بچه‌ها درست فکر کردن را یاد بگیرند تا مسائلشان را حل کنند و انتخاب‌های بهتری داشته باشند.

در آخر هر نکته و پیشنهادی را که علاقه‌مندید با مادر میان بگذارید، بفرمایید.

بچه‌های ما مدرسه را دوست دارند و وقتی تعطیل می‌شود، نازاقت‌اند. اولیا مدرسه را مثل خانه خودشان و تمام بچه‌ها را مثل بچه‌های خودشان می‌دانند و در انجام کارهای مدرسه کمک می‌کنند. آن‌ها موفقیت مدرسه را مال خودشان می‌دانند و موفقیت مدرسه را به هم تبریک می‌گویند. معلمان، دانش‌آموزان و اولیا نسبت به مدرسه حس تعلق خاطر دارند. ایده مرکزی ما باعث شده است به این برسیم. مدرسه باید تلاش کند صاحب هویت و شخصیت شود. اگر ما توانستیم از تمام امکانات و ظرفیت‌های فعلی مان نهایت استفاده را ببریم، آن وقت باید دنبال امکانات بهتر باشیم. مادر مدرسه یاس نبی ثابت کردیم که با همین امکانات کم می‌شود تحول ایجاد کرد. ❁



اولین گام برای هویت بخشی به مدرسه، ساخت سرودهای اختصاصی برای مدرسه بود که کمک کرد بچه‌ها حس تعلق خاطر بیشتری به مدرسه داشته باشند

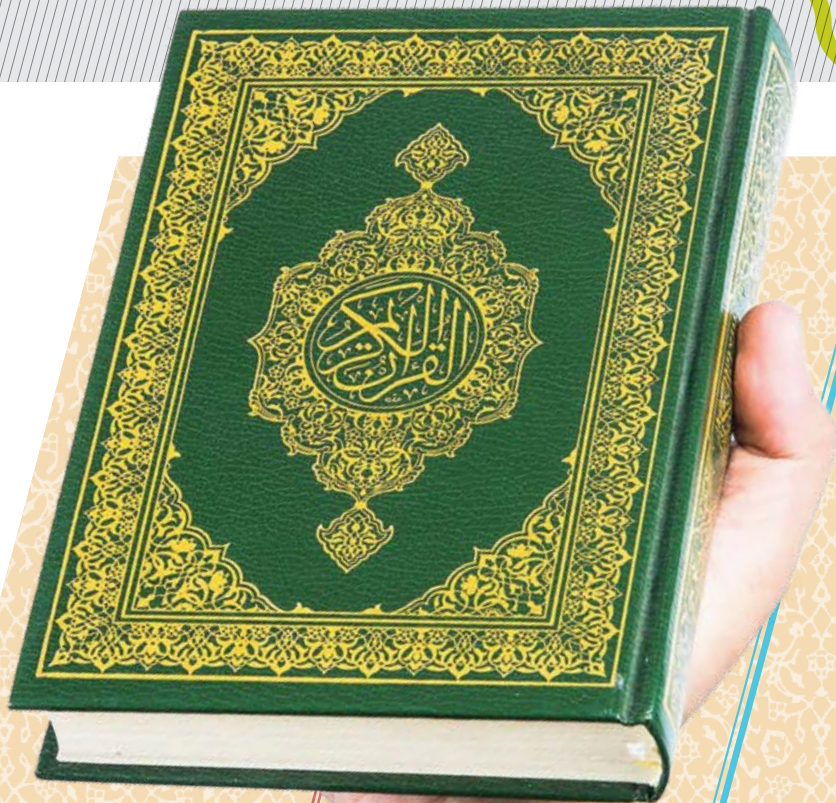
کردند، روز شنبه آن را نخواهند. از اولیا هم خواستیم در این خصوص با برنامه‌های معلم همراه باشند. برای اینکه بچه‌ها در فضای شاد و رقابت سالم قرار بگیرند، مسابقه آموزشی «یک، دو، سه» را طراحی کردیم. سؤالات این مسابقه که آن را در سه مرحله از بهمن ماه تا اردیبهشت ماه اجرا کردیم، از محتوای کتاب‌های درسی بودند. مسابقه را با به اشتراک گذاری یک آگهی (تیزر) تبلیغاتی جذاب در کانال و گروه‌های مجازی مدرسه شروع کردیم. این مسابقه اختیاری بود و در ارزشیابی و کارنامه بچه‌ها تأثیری نداشت. بنابراین، بچه‌ها علاقه‌مندانه و بدون نگرانی در آن شرکت کردند. در مرحله اول، معلمان سؤالات استاندارد برای چهار درس پایه‌های چهارم، پنجم و ششم طراحی کردند. مراحل بعدی مسابقه نیز چالشی و جذاب بود و به نحوی طراحی شده بود که همه دانش‌آموزان را فعال نگه داریم تا مطالعه کنند. در نهایت، کلاس قهرمان را با هزینه مدرسه به اردوی تفریحی یک‌روزه بردیم. به این ترتیب بچه‌ها بدون ترس از نمره برای یادگیری تلاش کردند. بچه‌ها این مسابقه را در جشنواره الف‌تا نیز اجرا کردند.

ساخت عروسک‌های نمایشی از دیگر طرح‌های ما در هویت‌سازی برای مدرسه بود. با پشتیبانی شهرداری، دو عروسک نمایشی کاملاً حرفه‌ای با نام‌های بابا کریم و سمنورا که شخصیت‌های بومی هستند، برای مدرسه ساختیم. این عروسک‌ها در اختیار مدرسه هستند و از آن‌ها برای آموزش‌های شهروندی در شهر نیز استفاده می‌شود. بابا کریم پیرمردی است که نامش را از اسم شهرستان رباط کریم گرفته‌ایم و نشانه قدمت شهرستانمان است. سمنو هم نوه بابا کریم است که دانش‌آموز کلاس اولی مدرسه ماست. نام سمنو به آیین سمنو پزان اشاره دارد که در شهرستان رباط کریم قدمتی



مادر مدرسه یاس نبی نشان دادیم با همین امکانات کم می‌شود تحول ایجاد کرد





دکتر محمد رضا سنگری
دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی

اشاره

قرآن تنها دانش نیست، روش نیز هست. هندسه ویژه سوره‌ها، چینش و سامان ویژه و منحصر به فرد آیات و سوره‌ها، بهره‌گیری از روش‌های متنوع و متکثر برای القای بهتر و ژرف‌تر مفاهیم در گستره قرآن، الگو و چراغ راه «روش» برای تدریس بهتر، جذاب‌تر و شیرین‌تر می‌تواند باشد. بر اساس این منطق کلی، برخی از دستاوردهای قرآن در مجله رشد معلم تبیین خواهند شد. در این شماره روش رازافکنی و آشنایی زدایی را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

رازافکنی و آشنایی زدایی

روش رازافکنی در آموزش، نوعی غافلگیری در تدریس و خروج از موقعیت معمول، عادی، متعارف و آشنا، برای خلق شگفتی و در نتیجه «تمرکز» است. معلوم است که نبود تمرکز، هرز دادن تلاش آموزشگر است و ایجاد اعجاب و بهره‌گیری از روش ناآشنا، زمینه‌ساز تمرکز.

رازافکنی و آشنایی زدایی

اصطلاح آشنایی زدایی را نخستین بار در سال ۱۹۱۷ ویکتور شکلوفسکی در مقاله‌ای با عنوان «هنر به مثابه فن» به کار گرفت. منظور شکلوفسکی از مفهوم آشنایی زدایی کشف وجه تمایز زبان ادبی با زبان مقرون به صرفه و ساده روز مره بود. بیگانه‌سازی یا آشنایی زدایی شیوه بیانی جلب‌کننده و غیر متعارف است که گاه از آن به‌غریبه‌کنندگی نیز یاد می‌کنند (تری، ۱۳۸۰: ۷). در ادبیات عرب از این آیه با عنوان «عدول» یاد می‌شود و در علم بیان سنتی برای آن اصطلاح «غیر مأوَّضَع له» وضع شده است. «غیر مأوَّضَع له» یعنی معنای غیراصولی، غیر متعارف و خارج از قرارداد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۶).

یکی از چالش‌های فراروی مدرسان و آموزشگران، نبود تمرکز مخاطبان در هنگام تدریس است. رازافکنی و آشنایی زدایی شیوه مناسبی برای میخکوب کردن، تمرکز و اعجاب و همراه‌سازی مخاطب با خویش است. بهره‌گیری از این روش، به‌خصوص «در آغاز»، نوعی هنر مندی در تدریس محسوب می‌شود.

در قرآن کریم، رازافکنی و آشنایی زدایی به شیوه‌های گوناگون مانند آوردن حروف مقطعه در آغاز سوره‌ها، آغاز سوره با پرسش، و آغاز سوره با سوگند به کار گرفته شده است.

✳️ حروف مقطعه

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در اینجا سخن از این نیست که حروف مقطعه تفسیر پذیرند یا تفسیر ناپذیر، یا آن‌گونه که برخی مفسران انگاشته‌اند، راز و رمزی میان پیام‌دهنده و پیام‌گیر، یعنی خداوند و رسول خدا (ص)، بلکه سخن آن است که روش آوردن حروف مقطعه در آغاز ۲۷ سوره قرآن، در تدریس و آموزش چه پیام روشی‌ای برای ما دارد؟

نکته مهم در باب حروف مقطعه آن است که این شیوه ویژه قرآن است و در دیگر کتاب‌های آسمانی مانند زبور، تورات و انجیل و حتی کتاب‌های مقدس ملل دیگر دیده نمی‌شود. دوم آنکه هم در سوره‌های مکی و هم مدنی، به‌کار گرفته شده است. سوم آنکه «در ابتدای همه سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز می‌شوند، به‌استثنای سوره‌های چهارگانه مریم، عنکبوت، روم و قلم، واژه «کتاب» یا «قرآن» آمده است و در آغاز یا متن آن‌ها سخن از وحی و عظمت قرآن است. لیکن با بررسی بیشتر معلوم می‌شود که در آن چهار سوره نیز سخن از وحی و رسالت و قرآن مطرح است»^۱.
در حقیقت خود قرآن، رابطه میان حروف مقطعه و «کتاب» را مطرح کرده است و کتاب به‌عنوان «متن» با حروف مقطعه پیوند می‌یابد.

وقتی حروف مقطعه و رودگاه متن باشند و باشکستن فضای متعارف و آشنای سخن گفتن، با تعدادی حروف که گاه یک حرف مانند ق، گاه دو حرف «حم» و گاه پنج حرف «کهیعیص» و گاه دو پاره حروف مانند حم عسق است، زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا خواننده (مخاطب) از خویش بی‌رسد: «یعنی چه» و همین یعنی چه، تمهید «تمرکز» و البته تأمل و اشتیاق برای فهم و کشف و استغراق در بقیه متن را سبب می‌شود.

نکته روشی ظریفی که در کاربرد حروف مقطعه می‌یابیم، رابطه میان این حروف و محتوای سوره و معارف و آموزه‌های محوری سوره است. در بهره‌گیری از این روش قرآنی، رازافکنی در آغاز تدریس نباید از محتوای تدریس گسسته باشد. مثلاً اگر قرار است موضوعی و محور درس در باب مباحث طبیعی باشد، مناسب است سخن راز و ابهام و غریبه‌کنندگی، پیوندی با موضوع درس بیاید و نه جزوی «منفک و مجزا»، بلکه جز و پیوسته به متن درس باشد. روشن است که چنین کاربردی مستلزم هوشمندی، ظرافت و فطانت و اشراف کامل نسبت به موضوع است.

برای مثال، اگر محور تدریس دینی، معاد باشد، رازافکنی ابتدایی باید با این موضوع هم‌خوان باشد و اگر موضوع «نماز» باشد، آشنایی زدایی و ابهام‌افکنی متناسب با آن.

شکفتا که در آغاز سوره مریم که پیوند نزدیک با مسائل تاریخی، اعتقادی و فرهنگی مسیحیت دارد، نغمه حروف و آهنگ حروف مقطع «کهیعیص» موسیقی کلیسا و زمزمه‌های مراسم کلیسا را تداعی می‌کند.

حروف مقطعه با ضرب‌آهنگ خاص خویش پنجره‌ای برای ورود و تنفس در فضای متن هستند و این شیوه ورود ناگهانی، غیر متعارف و اعجاب‌انگیز و تمرکز آفرین، ذهن و ضمیر مخاطب را آماده دریافت پیام‌های متن می‌کند. حروف مقطعه، همان‌گونه که از نامشان پیداست، جدا جدا خوانده می‌شوند: مانند الف، لام، میم. این جداخوانی با کشش و موسیقی خاص، جای درنگ و مجال تأمل بیشتر را نیز فراهم می‌کند. اگر معلم و گوینده بحث خود را با بسته‌ای راز آمیز که همراه خویش دارد، با «درنگ» آغاز کند، ذهن پویا، جست‌وجوگر و پرسنده مخاطب برای فهم و کشف راز بسته، بر معلم و بسته (راز) متمرکز خواهد شد و معلم با شکیب و آرامش، مخاطب «مشتااق و منتظر» را با خود همراه خواهد کرد و «کشف راز»، بخشی از آموزش و البته تکیه‌گاه آموزش خواهد شد.

از روش رازافکنی و آشنایی زدایی در تمام سطح‌های تحصیلی، حتی دانشگاهی، می‌توان بهره گرفت. امروزه در آغاز فیلم‌های سینمایی، برنامه‌های نمایشی و به‌ویژه در ادبیات داستانی، از این روش استفاده می‌شود. در مجالس سخنرانی و خطابه این روش می‌تواند بسیار کارا و مؤثر باشد.

ابهام‌آفرینی تنها در آغاز کلاس درس کارایی ندارد، گاه در میانه درس و گاه در پایان درس می‌تواند «تمرکز»، «تأمل» و «همراهی» با متن و معلم را فراهم آورد. ✳️

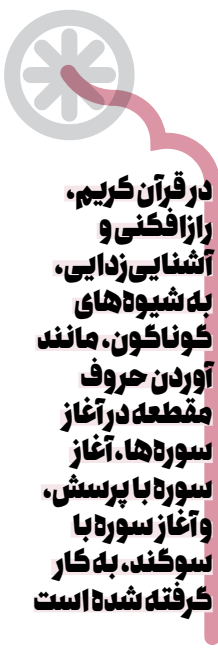
پی‌نوشت‌ها

1. estranging

۲. در این زمینه مراجعه شود به رساله دکترای حسین فعال عراقی در دانشگاه آزاد اسلامی که در سال ۱۳۹۹ دفاع شده است.

منابع

۱. ایکلتون تری، پی در آمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۸۰. تهران.
۲. سیروس شمیس، بیان و معانی، انتشارات فرهان، چاپ هشتم، ۱۳۷۴. تهران.
۳. عبدالله جوادی آملی، علی اسلامی (۱۳۹۱). تسنیم: تفسیر قرآن کریم (ج ۲). اسرا. قم.



**در قرآن کریم،
رازافکنی و
آشنایی زدایی،
به شیوه‌های
گوناگون، مانند
آوردن حروف
مقطعه در آغاز
سوره‌ها، آغاز
سوره با پرسش،
و آغاز سوره با
سوگند، به کار
گرفته شده است**

آسمان آبی و بی لک بود. صدای پرندگان به وضوح شنیده می شد و گاهی صدای پارس سگی از دور می آمد. روستا در سکوتی آرامش بخش خوابیده بود. دور از هیاهوی بوق ماشین ها، دور از نگرانی تنه زدن به هم برای در آوردن یک لقمه نان. روستا آرام بود، مثل کودکی که هوس کنی چهره اش را در خواب ناز تماشا کنی و به گونه های لطیفش دست بکشی و ببوی اش و بعد بوسی اش و سعی کنی این لحظه را تا پایان روز در خاطر بسپاری.

صبح سرد پاییزی روستا خیلی زود دلم را به کوچه پس کوچه های گلی کودکی ام برد؛ به چاله چوله های کوچکی که صبح ها لایه نازکی از آب گل آلودشان یخ می بست و من و برادرم چقدر دوست داشتیم با آن چکمه های کوچک آبی، هیچان شکستن یخ ها را زودتر از دیگری از آن خود کنیم و با این حال خوش به مدرسه برسیم.

هنوز هم بعد از گذشت سال ها، پاییز که می آید، حالم خوش است. قلبم می تپد و کودک می شوم. حالا معلمم. به این روستا آمده ام تا با شادی کودکانش شاد و باغمشان غمگین شوم. من معلم بودن را از کودکی دوست داشتم. از همان کوچه های گلی که به عشق دیدن معلم کلاس سومم می دیدم تا به مدرسه بروم. امسال دومین سال تدریس بود که از شرق استان به غرب منتقل شدم. بعد از گذشت سه ماه، کم کم به اینجا عادت کرده بودم. وقتی به روستای آرامم نگاه می کردم، حس تعلق در خود می دیدم. اوایل مهر از دوری راه ناراحت بودم. بار اول که روستا را دیدم، تا چشم کار می کرد شالی بود. می رفتم و به مدرسه نمی رسیدم. روستا هفت کیلومتر از جاده اصلی فاصله داشت. جمعیت کم بود و خانه ها شخصی بودند و جایی برای اجاره نبود. به سختی توانستم یک خانه قدیمی پیدا کنم که بی استفاده و متعلق به مادر بزرگ پیری بود که برای نوه هایش به ارث گذاشته بود. خانه دو طبقه بزرگی که به تمیزکاری

تصویرگر: محمد هادی دانش

گاوهای

مسابقه!

مریم عسکریان چایجان
نفر اول ششمین جشنواره
خاطره های معلمی



زیادی نیاز داشت، ولی منظره طبقه بالا همان منظره‌ای بود که همیشه آرزوی من را داشتیم. انگار برایم آشنا بود! رو به زمین‌های وسیع شمالی، جایی ساکت و دنج که اواخر بهار تنها صدای قورباغه‌ها و گاهی صدای گاوها از طویله شنیده می‌شد و از تراس مادر بزرگ از دست‌رفته، نسیم دل‌انگیزی، همراه با عطر برنجی که تازه رسیده بود، به مشام می‌رسید. طفل خوابیده‌ی نازم امکانات نداشت، اما سکوت و آرامشش یک دنیا می‌ارزید.

برای تدریس بهتر، ابتدای سال سعی کردم با بچه‌ها ارتباط خوبی بگیرم تا به من اعتماد کنند. پسرهای پایه ششم چندان به فکر درس نبودند. مدرسه در انتهای روستا رو به روی رودخانه قرار داشت. من از صدای آب رودخانه لذت می‌بردم و قبل از رفتن به کلاس، خودم را همیشه کمی دم در مدرسه معطل می‌کردم تا صدای آب را بشنوم. یک روز سرد پاییزی، زمین‌های خالی از برنج که هنوز برای کشت سال بعد آماده نشده بودند، پر از علف بودند و بایر. حس غریبی داشتم. چند گاو بزرگ در دورترها دیده می‌شدند که با طناب کنفی پهن و بلندی دور گردنشان، در مزرعه می‌چریدند. آن روز انگار تعدادشان بیشتر شده بود. یاد نقاشی دیروز سجاد افضلی و مهدی شافعی افتادم که چه دعوایی بر سر شاخ گاوهایشان راه انداخته بودند! آن‌ها را با هزار مکافات از هم جدا کردیم و آشتی دادیم. مدیر می‌گفت: «دیگه از دست این دو تا پسر خاله خسته شدم. همیشه دعوا راه می‌ندازن، اونم سر چی؟ سر گاو!»

بچه‌ها کم‌کم وارد حیاط مدرسه می‌شدند، از دور به من سلام می‌کردند و دست تکان می‌دادند. وای! امروز هم نقاشی داشتند. من از این همه نقاشی تکراری بعد از سه

ماه، خسته شده بودم. همیشه در نقاشی‌هایشان گاو حرف اول و آخر را می‌زد. باز هم در زنگ نقاشی سر گاوهای طویله خودشان جنگ و نزاع راه می‌انداختند و گری می‌خواندند و همیشه بینشان رقابتی عجیب بر سر گاو برقرار بود و به قدرت و تیزی شاخ و وزای خود افتخار می‌کردند.

در این افکار غرق بودم که تصمیم گرفتم پایه آن مزرعه خشک بگذارم و چند عکس هنری از گاوها بگیرم. می‌نشستم و بلند می‌شدم. چپ می‌رفتم و راست می‌رفتم تا عکس جذاب‌تری گرفته باشم. گاوهای جالبی بودند. تا آن زمان گاوهایی به آن بزرگی ندیده بودم. برآمدگی بزرگی مثل کوهان شتر، روی شانها داشتند. بعدها فهمیدم به زبان محلی به آن‌ها کول می‌گویند. شاخ‌هایی تیز و موهایی روی پیشانی، مثل گاو میش. خلاصه، محو گاوها شده بودم که مستخدم مدرسه از دم در داد زد: «بیاتوی حیاط مدرسه آقایان! داره حمله می‌کنه!»

من که غرق در افکار خود بودم و مشغول عکاسی مزرعه و گوش سپردن به صدای آب، ابتدا متوجه نشدم که از مزرعه کناری، گاو نری عظیم‌الجثه و عصبانی، با شاخ‌هایی بلند، به سمت من می‌آید. طناب کنفی از درختی که گاو به آن متصل بود، کنده شده بود و گاو نر که آزادی خود را مسلم دیده بود، مستقیم با آن شاخ‌های تیز به سمت من دوید. خشکم زد و با شنیدن صدای مستخدم، به سرعت از مزرعه بیرون پریدم. از خیابان گذشتم و به سمت در دویدم. مستخدم جلوی در ایستاده بود. به محض ورود من به حیاط مدرسه، از پشت در راست.

به خیر گذشت. نفسم بند آمده بود. در عمرم فکر نمی‌کردم گاو که موجودی آرام و سودمند است، تا این حد گاو باشد! این رفتار عجیب گاو مرا به وحشت انداخت. مدیر برایم یک لیوان آب ریخت و خندید و گفت: «تو از گاو هیچی نمی‌دونی پسر؟!» گفتم: «من که مثل ماتادورهای اسپانیایی قرمز نیوشیده بودم!» خندید و گفت: «اصلاً این زبون بسته‌ها رنگ قرمز رو تشخیص نمی‌دن. اینا با حرکت تحریر می‌شن، اینا گاوهایی هستن که برای مسابقه امروز آوردندشون اینجا! همه اهالی می‌دونن!»




تابه خودم بچنیم و در ذهنم تصمیمی جدی برای رفتن به ورزش‌جنگ بگیرم، بچه‌ها هم با سجاد به هوا پریدند و برای من کف زدند. ماندم چه بگویم ایادم آمد که بچه‌ها امتحان ریاضی دارند. خیلی جدی و با اخم به آن‌ها گفتم: «شما چرا خوش حال شدید؟ مگه آن جای بچه‌هاست؟ اصلاً مگه شما فردا امتحان ریاضی ندارید؟» ضد حال بدی خورده بودند. سگر مه‌هایشان در هم رفت و ذوقشان کور شد. به ذهنم رسید، حالا بهترین فرصت برای کمی حرف زدن با آن‌هاست، و پرسش و پاسخ و تعامل دو جانبه و بی طرفی و ناآگاهی من در این زمینه می‌تواند بچه‌ها را برای صحبت بیشتر به وجد بیاورد. شاید هم در لفافه بتوانم قانعشان کنم به جان هم انداختن حیوانات کار درستی نیست! گفتم: «بچه‌ها صندلی صمیمیت^۲ امروز را به جای ساعت سوم، الان برگزار می‌کنیم و ساعت سوم ریاضی کار می‌کنیم. موضوع امروز صندلی صمیمیت: ورزش‌جنگ.»

دوباره جیغ و هورا به هوارفت. گفتم: «خب حالا کی می‌آد خاطره‌ای از ورزش‌جنگ تعریف کنه؟»

چه زنگی شد زنگ اول! آن روز به شناخت خوبی از بچه‌ها و طرز فکر پدران و برادرانشان رسیدم. در طول این سه ماه تا این حد خودشان را رونکرده بودند. طفلکی‌ها حق داشتند همیشه گاو نر نقاشی کنند! تمام ذهنیت خانه‌هایشان در یک کلمه «گاو» خلاصه می‌شد. پدرها و برادرها گاوهای نازنینشان را به مسابقه می‌بردند تا شاید در مسابقه برنده شوند. حالا اگر زبان بسته‌ها کور یا چلاق می‌شدند، فرقی نمی‌کرد، مهم پولی بود که دست و بال خانواده را باز می‌کرد.

آن روز عصر به ورزش‌جنگ رفتم. بدون استثنا تمام شاگردانم را در میان آن جمعیت دیدم که به همراهی پدر و برادرانشان و گاوی که به مسابقه آورده بودند، افتخار می‌کردند. گاوها را قبل مسابقه، مثل اسب‌های دهنده، تیمار می‌کردند و با چاقویی تیز شاخ‌هایشان را می‌تراشیدند تا تیزتر شوند. مردم این روستا برای روستای مجاور گری می‌خواندند. متأسفانه بچه‌ها همه این صحنه‌ها را می‌دیدند.

بعد از زخمی شدن اولین گاو در مانده، طاقت نیاوردم و به بهار خواب امن مادر بزرگ بازگشتم و به این اندیشیدم که حرف‌های در لفافه یک معلم، در یک جلسه، برای تغییر یک رسم فرهنگی آبا و اجدادی چقدر می‌تواند کارساز باشد؟! 

حالم که جا آمد، به کلاس رفتم. همین که در را باز کردم، سجاد با هیجان گفت: «امروز روستای ما ورزش‌جنگه؟ شما هم می‌آیین ببینین؟»
با تردید و دودلی و البته کمی ترس به سجاد گفتم: «فرصت کنم می‌آم.»
در این سه ماه بسته و گریخته از اهالی محله و همکاران چیزهایی شنیده بودم، ولی جدی نگرفته بودم و فکر نمی‌کردم این بازی در واقع یک جشنواره محلی در آن منطقه است که هر سال در یکی از روستاهای غرب گیلان برگزار می‌شود! پیش خود می‌گفتم، چرا دو حیوان بیچاره را به جان هم می‌اندازند؟ یعنی این جماعت تفریح دیگری ندارند؟ کار مزرعه تنها کار و البته سخت‌ترین کاری بود که از اوایل بهار شروع می‌شد و تا اواسط مرداد ادامه داشت و اهالی منطقه کشت دومی نداشتند. یعنی در عمل در سایر ماه‌های سال بیکار بودند. مردها را همیشه عصرها در قهوه‌خانه‌ها می‌دیدم و زن‌ها هم در کوچه روی بلوک‌هایی می‌نشستند و تمام عصر را تا شب حرف می‌زدند! همان رویه تکراری پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایشان! برق چشمان سجاد، بعد از اینکه گفتم اگر فرصت کنم شاید بیایم، بسیار دیدنی بود. دستانش را به هوا می‌برد و بچه‌ها می‌پرید و می‌گفت: «آخ جون! بچه‌ها خانم می‌آد!»

پی‌نوشت‌ها
۱. ورزش: گاو نر
۲. صندلی صمیمیت یکی از بخش‌های کتاب فارسی است که در آن بچه‌ها در مورد موضوعی خاطره‌بازی می‌کنند.



ماه

راستکار

* اشاره

در رویکرد سنتی مدرسه‌ای، درس قرآن مانند درس‌های دیگر تدریس می‌شود، اما سؤال کلیدی آن است که آیا آموزش قرآن در این حد کفایت می‌کند؟ آیا مدرسه‌ها نباید برای آموزش و تربیت قرآنی برنامه‌ای ویژه تدارک ببینند؟ به نظر می‌رسد، مدرسه‌ها باید مأموریت خود را تربیت قرآنی قرار دهند و باروش‌های متنوع بکوشند زمینه تربیت قرآنی فراهم شود. در فرایند تربیت قرآنی باید تلاش کرد زمینه انس با قرآن فراهم شود. به این منظور، از اصول زیبایی‌شناسی و هنری هم کمک گرفت تا زمینه شکوفایی فطرت الهی دانش‌آموزان برای یادگیری همراه با ایمنان فراهم شود. بر اساس این منطق، همکاران مدرسه دکتر عادل‌ی در شهرستان بهبهان، برنامه‌ای را طراحی و اجرا کرده‌اند که باهم درباره‌اش می‌خوانیم.

سعیده جلالی فرد

دبیر، دکترای زبان و ادبیات عربی

حکیمه بخرد

مدیر، کارشناس ارشد مدیریت آموزش

زهرا موالات

معاون فناوری، دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی

طیبه امیدواریان

معاون پرورشی، کارشناس آموزش ابتدایی



* بیان مسئله

مدرسه متوسطه اول فرزنانگان دکتر عادلای با بیش از ۱۳۰ دانش آموز در شهرستان بهبهان در استان خوزستان قرار دارد. دانش آموزان این مدرسه، همچون بقیه دانش آموزان، با توجه به شرایط موجود در فضای جامعه، دستخوش تغییر ذائقه شده‌اند و از ابتلا و هجمه‌های فرهنگی دور نمانده‌اند. مریدان دغدغه‌مند مدرسه در هر فرصتی، هر چند اندک، به دنبال راهکار و جبران هستند. یکی از بهترین راهکارها، انس و بهبود ارتباط با قرآن است؛ همان چیزی که باعث شد در سراسر دنیا، انسان‌های آزاداندیش زیادی تاکنون به اسلام و بندگی خداوند گرایش پیدا کنند. با عنایت به این موضوع، این مدرسه در ایام رمضان محفلی قرآنی در محیط مدرسه و فضای مجازی برگزار کرد.

در زمینه آموزش قرآن کریم و مفاهیم آن، در هر مرحله‌ای، اعم از آموزش روخوانی و روان خوانی یا مفاهیم و مانند آن‌ها، باید سعی شود علاقه دانش آموزان به این موضوع افزایش یابد و شور و شوقی در آن‌ها به وجود آید. این اشتیاق باید با راهکارهایی که معلم خلاق در کلاس و مدرسه پیش می‌گیرد و روش‌هایی که به اجرا درمی‌آورد، به‌طور مرتب فزونی یابد و دانش آموزان را تا پایان درس و کلاس پویاتر کند. برای این کار، علاوه بر روش‌ها و مهارت‌هایی که در کتاب‌های روش تدریس نگاشته شده‌اند، گاه تجربه‌های یک معلم هم می‌تواند کارساز و مشکل‌گشا باشد تا همکاران دیگر، در حد امکانات و توان خود، در کلاسشان آن‌ها را اجرا کنند.

بدین منظور، در سوم فروردین ۱۴۰۲ در مدرسه دکتر عادلای، در بستر شادگروهی مجازی تشکیل شد. اعضای این گروه در ابتدا مدیر مدرسه، معاون پرورشی، معاون فناوری و تعدادی از دانش آموزانی بودند که به نوعی در زمینه‌های فرهنگی فعالیت داشتند یا علاقه‌مند بودند.

بخشی از محتوای ارسالی این گروه عبارت بود از پیام‌های کوتاه قرآنی تحت عنوان «ره‌ستگاری» بود که از جزء مربوط به همان روز استخراج شده بودند و دیگری دعاهای ایام ماه مبارک رمضان، فرازهایی از دعای افتتاح به زبان انگلیسی با گرافیکی جذاب و سخنانی گران‌مایه از معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دین در باره این ماه. در ادامه تصمیم گرفته شد از محتوای موجود در گروه مسابقه‌هایی برگزار شود. اولین مسابقه به اضافه شدن تعداد اعضا اختصاص داده شد. بدین صورت که هر دانش آموزی که بیشترین تعداد دانش آموزان مدرسه را به گروه اضافه کند، برنده محسوب شود. چند روزی گذشت و هیچ تحرک و

اشتیاقی از دانش آموزان دیده نشد؛ نه به گروه عضوی افزوده و نه نسبت به محتوا واکنشی نشان داده شد.

معاون فناوری مصمم شد با دبیر عربی صحبت کند و وی را به گروه اضافه کند تا با کمک همدیگر به دنبال راه‌حلی تازه برای مشارکت دادن دانش آموزان باشند.

تقسیم وظایف صورت گرفت. معاونان بیشتر محتوای نوشتاری می‌فرستادند و دبیر عربی هر از گاهی قطعه فیلم‌هایی از جوانان و نوجوانان ایرانی و خارجی می‌آورد که موضوع آن‌ها به قرآن و جذابیت‌های قرآنی مربوط بود. همچنین، قرار شد چند مسابقه با موضوع‌های متفاوت، به مناسبت‌های پیش‌رو، برگزار شوند. موضوع اولین مسابقه اعلام شد. از دانش آموزان خواسته شد در زمانی مقرر، از قرائت جزء ششم، بخشی را ضبط کنند و آن را به صورت فایل صوتی در گروه ارسال کنند. چند روز گذشت، اما باز هم بیخ دانش آموزان آب نشد و همچنان مدیر و معاونان و دبیر صحنه‌گردان گروه بودند.

تصمیم جدیدی گرفته شد و نه تنها اعضای گروه، بلکه کل مدرسه را به فعالیت قرآنی، ولو به مقدار اندک، واداشت. دبیر عربی تصمیم گرفت در کنار جایزه‌ای که مدرسه برای نفرات برتر در نظر گرفته بود، از نمره شفاهی به‌عنوان نمره تشویقی و امتیاز برای شرکت‌کنندگان استفاده کند.

* تدبیرها و اقدام‌ها

در ادامه در باره تدابیر و راهکارهایی که برای این مسابقه اتخاذ شده بود، جزئیات بیشتری می‌آوریم:

۱. برگزاری مسابقه و رقابت

حد اقل سه مسابقه برگزار شدند: ۱. صحیح خوانی قرآن؛ ۲. تولید محتوا به مناسبت میلاد امام حسن مجتبی علیه‌السلام، شب‌های قدر و فایده‌های روزه‌داری؛ ۳. مفاهیم قرآنی «ره‌ستگاری».



محفله‌های دانش آموزی، با توجه به تأثیر نورانی قرآن کریم بر سیرت پاک نوجوانان، باید مورد توجه بسیار قرار گیرند و در آن‌ها تلاش شود زمینه‌های انس و قرائت قرآن برای این نسل فراهم شوند



۲. تنوع در قالب ارائه

برای اینکه دانش آموزان بیشتری قادر به شرکت در مسابقه باشند، قالب‌های متنوعی همچون وب‌آوا (پادکست)، قطعه فیلم (کلیپ)، پویانمایی، پوستر و اطلاع‌نگاشت (اینفوگرافی) برای مسابقه پیشنهاد شدند. هر دانش آموز با توجه به توانمندی‌های خود قالبی را انتخاب کرد. البته این کار به تولید محتوای الکترونیکی توسط خود دانش آموز مشروط بود.

۳. برقراری ارتباط عاطفی و استفاده از ادبیات و شیوه بیان متناسب با سن دانش آموزان

برقراری ارتباط عاطفی از طریق گفتار یا رفتار فرد را به رفتار نیک دلگرم می‌کند. در برقراری ارتباط، سخن و کلام قوی‌ترین ابزار است. قرآن کریم از این شیوه تشویقی به‌طور گسترده برای تربیت انسان‌ها بهره برده است: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.» (۸۳/بقره). شاعرانی همچون مولانا نیز به این مهم پرداخته‌اند. از بی تعلیم آن بسته‌دهن از زبان خود برون باید شدن در زبان او بیاید آمدن تا بیاموزد ز تو او علم و فن

یا در جایی دیگر چنین سروده است:
چون که با کودک سرو و کارت فتاد هم زبان کودکی باید گشاد.

۴. اختصاص جایزه

فن‌های تشویقی برای به وجود آوردن رفتارهای مثبت به کار می‌روند. در اولویت قرار دادن تشویق، تأسی به روش خدای متعال در قرآن کریم و بهترین روش تربیتی است (دل‌افکار و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱). بسیاری از افراد با پاداش‌های مادی بیشتر ترغیب و تشویق می‌شوند. حتی قرآن کریم، نه تنها در این دنیا، بلکه برای سرای آخرت نیز وعده پاداش‌های مادی می‌دهد تا افراد را به کردار نیک گرایش دهد. چنانچه در سوره اعراف آیه ۹۶ آمده است، اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

با عنایت به اهمیت موضوع، مدیر مدرسه برای این مسابقه جوایزی در نظر گرفت تا در مراسم ضیافت افطاری و محفل انس با قرآن، که با حضور همه دانش آموزان مدرسه، معاونان، معلمان و گروهی از مسئولان اداره آموزش و پرورش برگزار شد، دانش آموزان برتر جوایزی به رسم یادبود دریافت کنند.

دانش آموزان را باید در جمع و در حضور هم‌سالان و دوستانشان تشویق کرد، زیرا تشویق در جمع بهتر از تشویق در تنهایی است و دیگران را هم به انجام کارهای مطلوب بر می‌انگیزد (برزآبادی فراهانی و عراقیه، ۱۳۹۴: ۴۸).

۵. اختصاص امتیاز و نمره تشویقی درس عربی

وعده نیکو وسیله‌ای است برای تشویق فراگیرنده به رفتار مورد نظر. اختصاص امتیاز به انجام کار می‌تواند انگیزه و حس تلاش را برای رسیدن به هدف بالا ببرد. در واقع، با تشویق می‌توان بهترین استعدادها را خفته را بیدار کرد. اگر به فعالیت دانش آموزان در آموزش مفاهیم

قرآنی اهمیت داده شود و به این فعالیت‌ها نمره یا امتیازی اختصاص یابد، انجام آن بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. با عنایت به این مهم، علاوه بر جایزه‌های مدرسه، بخشی از پنج نمره شفاهی مستمر و پایانی درس عربی، یا کل نمره، به گروه اول دانش آموزان اختصاص داده شد که از برندگان یا مشارکت‌کنندگان مسابقه بهار در بهار بودند.

پس از اتمام تعطیلات نوروز و برگزاری مسابقه، کم‌کم سایر دانش آموزان از شرایط اختصاصی مسابقه آگاه شدند و به عضویت در گروه تمایل پیدا کردند. تعدادی دیگر که تمایلی به شرکت در مسابقه نداشتند، از پیشنهاد دبیر عربی استقبال کردند و تقریباً در تمام کلاس‌های درس عربی، به جای روخوانی شفاهی درس، ترجیح دادند صفحه‌ای از قرآن را به دلخواه قرائت کنند.

نمره این گروه به دو بخش مجزا تفکیک شد: یکی به قرائت صفحه‌ای از قرآن و دیگری تولید محتوای الکترونیکی درباره فایده‌های علمی روزه‌داری. به دانش آموزان فرصت داده شد در هر بخش از مسابقه که تمایل دارند شرکت کنند؛ البته به دانش آموزانی که هر دو گزینه را انتخاب کردند، کل نمره شفاهی تعلق گرفت.

۶. نشر فعالیت دانش آموزان

تشویق و توجه به فعالیت دانش آموزان، تنها در قالب نمره و امتیاز کلاسی نیست، بلکه می‌توان در این باره از راه‌های دیگری نیز بهره گرفت. اشتراک محتوای الکترونیکی جذاب و برتر دانش آموزان یکی از این راه‌هاست که انگیزه و رضایت خاطر ایجاد کند. بدین منظور، معاون پرورشی که به واسطه این گروه بیش از پیش به توانمندی و استعداد دانش آموزان واقف شده بود، از فرصت نهایت بهره برد و تعدادی از آثار تولیدی را برای شرکت در مسابقات هنری شهرستانی و استانی فرستاد. با این اقدام دانش آموزان تشویق شدند. این در حالی بود که پیش از این، بسیاری از دانش آموزان به شرکت در مسابقه‌ها تمایلی نداشتند. در واقع، علاوه بر اینکه گروه بهار در بهار به اهداف خود رسیده بود، آثار برتر به خارج از فضای مدرسه نیز نشر داده شد. ❁

منابع

۱. قرآن کریم

۲. دل افکار، علیرضا؛ جوادی، نصیرالدین و همکاران. اولویت رویکرد تشویق در تعلیم و تربیت بر اساس تقدیم و تأخیرهای لفظی قرآن و ارائه روش‌های قرآنی برای تحقق در آموزش و پرورش رسمی و عمومی کشور. فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلام، سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶.

۳. برزآبادی فراهانی، نرگس؛ عراقیه، علیرضا. «بررسی اثر تشویق بر افزایش احساس تعلق به مدرسه در دانش آموزان مقطع متوسطه منطقه ۱۴ تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴». فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴.



معلم

روان‌شناس

دکتر محمد نیرو
استادیار گروه مدرسه و نوآوری‌های تربیتی

* مقدمه

هر معلم، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم، بر زندگی دانش‌آموزان خود تأثیری عمیق دارد؛ از ترس‌های روزمره تا افزایش انگیزه برای یادگیری. روان‌شناسی می‌تواند در بهبود تجربه آموزشی دانش‌آموزان، ابزار معلمان باشد. معلمان می‌توانند با برقراری ارتباط اثربخش با فراگیرندگان و درک بهتر ترس‌ها و نیازهای آن‌ها، محیطی پویا و انگیزشی برای یادگیری ایجاد کنند. در این یادداشت، با نگاهی روان‌شناختی بر روابط اثربخش بین شاگردان و معلمان، راه‌هایی را ارائه خواهیم داد که معلمان بتوانند به‌عنوان راهنمایانی مؤثر و انگیزه‌دهنده در زندگی دانش‌آموزان حضور داشته باشند.

* هنر تدریس با احترام به عاطفه دانش آموزان

معلم آگاهانه تنها مطالب درسی را به دانش آموزان انتقال می دهد، بلکه زمینه ای فراهم می کند که بچه ها به شناخت و درک عمیق تری از احساسات خود برسند و آن ها را محترم بشمارند. او به دانش آموزی که رنج می برد، توصیه نمی کند «بخند»، یا دانش آموز خجول را نصیحت نمی کند «کمرو نباش!» به جای اینکه به دانش آموز عصبانی بگوید «چیزی نیست که توبه خاطرش عصبانی باشی»، یا به کسی که ترس دارد بگوید «چیزی نیست که از آن بترسی»، دانش آموز را تشویق می کند احساسش را با احترام بشناسد و تجربه کند. وقتی ما به کودکی می گوئیم «چیزی نیست که از آن بترسی»، ترس او به شدت افزایش می یابد. چرا که علاوه بر ترس اصلی خودش، بر ترس از ترسیدن و نیز ترس از ناتوانی در پنهان کردن ترسش هم افزوده می شود. ترس، با منع یا انکار از بین نمی رود. بهترین راهکار این است که ترس او را با احترام باز شناسیم و تصدیق کنیم. دانش آموزی با مشکلی مواجه شده و به معلم خود مراجعه می کند تا در حل آن کمکش کند. معلم در تعامل با دانش آموزان تجربه ای دقیق دارد و می داند بهتر است به دانش آموز فرصت داده شود تا خود را در حل مشکلش امتحان کند. او از اهمیت ایجاد فرصت برای یادگیری و رشد دانش آموزان آگاه است. بنابراین بلافاصله راه حل ارائه نمی دهد. او به مسئله دانش آموز گوش می دهد، آن را دوباره بیان می کند و توضیح می دهد. او به دانش آموز اعتماد دارد که قادر به حل مسئله اش خواهد بود و او می پرسد چه راه و چاره هایی در نظر دارد. در این موقعیت، دانش آموز فرصت دارد راه حل های خود را پیدا کند و بداند که می تواند به کفایت خود اعتماد کند. این کار، علاوه بر افزایش توانمندی دانش آموز در حل مسئله، اعتماد به نفس او را نیز تقویت می کند.

* تأثیرگذاری بیشتر با کلمات کمتر

وقتی دانش آموزان با معلمی مواجه می شوند که زیاد حرف می زند، ذهن خود را می بندند. گاهی می شنویم برخی به اعتراض می گویند: «چرا مثل معلمان حرف می زنی؟!». زیرا گروهی از معلمان مشهورند به اینکه موضوعی را کش می دهند یا به توضیح واضحی و وضوح می پردازند. این مورد در بیشتر شنوندگان این واکنش را ایجاد می کند که: «خب، دیگر بس است.»

علی مدادش را گم کرد. معلم به او گفت:

۱. مدادت را پیدا کردی؟

۲. دوست دارم بدانم آن مداد را چه کار کردی؟

۳. آن را خوردی...؟

۴. چه بلایی سرش آمد؟

۵. چه رنگی بود؟

۶. بدون آن که نمی توانی کارت را انجام بدهی.

سپس معلم در حالی که دنبال مدادی دیگر می گشت، گفت:

۷. الان برای مدادی پیدا می کنم.

۸. این مداد حتماً باید فردا اینجا باشد.

۹. در ضمن نشنوم این یکی را هم گم کنی.

۱۰. نونگهش دار و همیشه هم تیزش کن!

هیچ یک از این ده جمله لازم نبود بر زبان بیاید. معلم می توانست از سر لطف مدادی را به علی بدهد، بدون اینکه کلمه ای بر زبان آورد، بدون اینکه موعظه کند یا دنبال مداد بگردد، و بدون اینکه وقت تلف کند و باعث آزار شاگردان کلاس شود.

مدیری به معلم پر حرف نصیحتی کرد و گفت: «همان طور حرف بزنی که یک گزارشگر می نویسد؛ عنوان ها، نکات اصلی و جزئیات خاص. هدفان مختصرگویی باشد تا شما را کسی نپندارند که همه اش حرف می زند. هر بار که ممکن باشد، آخر از همه صحبتتان را شروع کنید.»

* صدای سحرآمیز کلاس:

تکان دهنده ترین آثار حرف های معلم بر دانش آموزان

معلمان اغلب مواقع از تأثیر چشمگیر حرف های خود بر زندگی دانش آموزان آگاه نیستند. آیا شیوه های ارتباط تفاوتی ایجاد می کنند؟ آیا دانش آموزان قادرند پیام های بی خطر و مخرب را از هم جدا کنند؟ آیا آن ها به این پیام ها پاسخ های متفاوتی می دهند؟ پاسخ های برخی از دانش آموزان پایه ششم به این سوالات:

• بعضی از بچه هایی که در کلاس خانم الف رو حیة همکاری دارند، در کلاس خانم ب مانند فشفشه از جا می پرند. رفتار دانش آموزان به مرئی آن ها بستگی دارد. برای مثال، وقتی سارا پس از یک هفته غیبت به مدرسه بازگشت، خانم الف به او گفت: «خوش آمدی، دلما» برای تنگ شده بود. «سارا خوش حال شد و خوب رفتار کرد. اما خانم ب گفت: «تعمیبی ندارد که هفته پیش آن قدر آرام بود. سارا اینجا نبود!» و در نتیجه سارا در بقیة ساعت مدام سر و صدا ایجاد کرد.

* هنر سازگاری در ارتباط: کلید موفقیت در تعلیم و تربیت

سازگاری در ارتباط تنها از گرفتاری های تدریس کم می کند، بلکه به طور جدی بر یادگیری تأثیر مثبت می گذارد. معلمان، بر خلاف خلبان ها، معمارها،

یا جراحان، در مهارت های حرفه ای شان آموزش فشرده ای ندیده اند. از آنان انتظار می رود وقتی وارد کلاس می شوند، در مورد مسائل پیچیده روابط بشری تجربه و مهارت داشته باشند. از معلمان خواسته می شود در جریان فعالیت روزانه شان:

- انگیزه یادگیری ایجاد کنند.
- مشوق خودمختاری باشند.
- عزت نفس را تقویت کنند.
- اعتماد به نفس پدید آورند.
- از اضطراب بکاهند.
- ترس را از بین ببرند.
- یأس را کم کنند.
- خشم را فرو بنشانند.
- از تعارض ها و کشمکش ها بکاهند.

معلمان، مثل والدین، در ارتباط به کفایت و کاردانی زیادی محتاج هستند. معلمی که ذهن روشن و آگاه دارد، نسبت به معنا و مفهوم واژه ها حساسیت نشان می دهد. او می داند، موضوع درسی ای که دانش آموز یاد می گیرد، غالباً به سبک کار معلم بستگی دارد. او نسبت به احساسات هشیار است و گفتار مناسبی دارد که از طریق آن درک و تفاهم را به دانش آموز منتقل می کند. نسبت به ارتباطی که دانش آموز را خراب می کند، حساسیت دارد. از سرزنش و سر مساز کردن دانش آموز می پرهیزد و از اهانت و تشرزدن به او نفرت دارد. گفتار او خالی از هرگونه مکالمه مخرب است.

سازگاری در ارتباط نوعی موفقیت و مستلزم یادگیری و تمرین و انضباط شخصی است. این ادعا که در هر رابطه خوب، آدم می تواند هر چه دلش خواست بگوید، بدون اینکه به کسی زیانی برسد، ادعایی تسلی بخش، اما غلط است. به این باور می ماند که آدم وقتی سلامت و تندرست است، می تواند هر چیزی، حتی سم را، ببلعد، بدون اینکه زیان ببیند.

معلم نمی تواند در آن واحد رفتار مصنوعی و کارآمد داشته باشد. تظاهر مهم ترین عامل شکست معلم است. هر کس به احترام و ملاحظه تظاهر کند، مصنوعی بودن رفتارش قطعاً آشکار خواهد شد. مهارت جدا از صداقت، فوری از پرده بیرون می افتد. *

پی نوشت

۱. بالهام از:

Kounin, J. S. (1970). Discipline and Group Management in Classrooms. Holt, Rinehart and Winston.

اشاره

ادبیات فارسی گنجینه‌ای از نکات اخلاقی را در خود نهفته دارد که در آن به جزئی‌ترین مسائل در روابط انسانی دقت شده است. یکی از مهم‌ترین دستورالعمل‌های اخلاقی، به مسائلی مربوط است که در حوزه روابط آموزگار و دانش‌آموز مطرح هستند. وقتی از شعر اخلاق‌محور در فارسی سخن به میان می‌آید، یکی از اولین شاعرانی که به ذهن می‌آید، سعدی است. سعدی در بخش‌هایی از بوستان و گلستان و دیگر آثارش به این موضوع نیز توجه کرده است. در این یادداشت، به نمونه‌هایی از موارد جالبی که سعدی به عنوان آداب اخلاقی در فضای تعلیم و تربیت مطرح کرده است اشاره می‌کنیم:

ابتدا حکایتی زیبا از بوستان را می‌آوریم که در آن سعدی در قالب بیان خاطره، حکایتی را مطرح کرده است. او خاطره‌ای تعریف می‌کند از دوران تحصیلش در مدرسه نظامیه بغداد (که یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی دوران خود به حساب می‌آمد). در بیت آغازین حکایت، سعدی از تمرین و تکرار و تلاش مستمر خود در آموختن و در بیت‌های بعد از حسادت یکی از دانش‌آموزان نسبت به خودش حرف زده است. بعد هم شکایتی که سعدی از حسادت این هم‌کلاسی به استاد مطرح می‌کند و از همه مهم‌تر واکنش زیبای استاد به شکایت او. با هم می‌خوانیم:

مرادر نظامیه ادرار بود
شب و روز تلقین و تکرار بود
مراستاد را گفتم ای پرخرد
فلان یار بر من حسد می‌برد
چو من داد معنی دهم در حدیث
برآید به هم اندرون خبیث
شنید این سخن پیشوای ادب
به تندی برآشف و گفت ای عجب!
حسودی پسندت نیامد ز دوست
که معلوم کردت که غیبت نکوست
گر او راه دوزخ گرفت از خسی
از این راه دیگر تو در وی رسی

پاسخ استاد به دانش‌آموز برترش این است: همین که پشت سر هم کلاسی ات حرف می‌زنی و عیب او را پیش من آورده‌ای، همچون حسادت او ناپسند است.

شاید در طول سال‌ها تدریس با چنین وضعیتی فراوان روبه‌رو شویم که دانش‌آموزی بخواهد به حق یا به ناحق از هم‌کلاسی خود بد بگوید. حتی متأسفانه گاهی دیده می‌شود که خود معلم یا مدیر و ناظم سعی دارند دانش‌آموزی را به عنوان خبرچین انتخاب کنند.

اگر با این دیدگاه سعدی به امر اخلاقی بخواهیم با این موضوع مواجه شویم، حتماً از این کار دوری خواهیم کرد. آموزگار داستان سعدی کوشیده است ناخوشایندی خبرچینی و غیبت را به شاگردش بفهماند و در این حرکت حکیمانه، به جای افتادن در دام جنگ و دعواهای کودکانه، دانش‌آموز را از امری اخلاقی آگاه کند.

نکته دیگر اینکه معمولاً در روابط استاد و شاگردی، عشق و علاقه‌ای میان معلم و شاگردی که درس خواند و از دیگران برتر است، شکل می‌گیرد که ممکن است مانع دیدن خیلی از نقص‌ها شود. همین پیش فرض مثبت

دانش آموزان در کلاس

فاطمه حسینی فرد
دانشجوی دکتری ادبیات فارسی و معلم

شاید یکی از دلایلی که از دیرباز توصیه شده است پدر و مادر خودشان آموزگار فرزندشان نشوند، به همین دلیل بوده است و این مثل عربی از دیرباز معروف بوده است که «المرء مفتون بآبنة و شعره»: یعنی آدمی مفتون فرزند خود و شعر خود است. در صورتی که برای اصلاح ابتدا لازم است عیب‌های یک چیز را ببینیم و عیب هر کس را دشمنان بهتر می‌بینند و به زبان می‌آورند تا دوستان. به همین سبب، صائب در یکی از ابیات زیبایش می‌گوید:

خواهی که عیب‌های تو روشن شود تو را
یک دم معاندانه نشین در کمین خویش

عشق و علاقه پدر و مادر مانعی است که نمی‌گذارد عیب‌های فرزند در نگاه ایشان نمود پیدا کنند. در قابوس نامه نیز به نحوی به این موضوع اشاره شده است و گفته شده که سعی کن عیب‌های خود را از گفته‌های دشمنان بفهمی. می‌گوید: «اسکندر گفت که نه من منفعت همه از دوستان یابم، بل که نیز از دشمنان یابم. اگر در من فعلی زشت بود، دوستان بر موجب شفقت بیوشانند تا من ندانم و دشمن بر موجب دشمنی بگوید تا مرا معلوم شود. آن فعل بد از خویشتن دور کنم، پس آن منفعت از دشمن یافته باشم نه از دوست و تو نیز آن دانش از نادان آموخته باشی، نه از دانا.»

امایکی دیگر از صفاتی که در ادبیات فارسی برای دانش آموز بیان شده است، و بزرگی «میل به پرسیدن» است. دانش آموز باید در یادگرفتن حریص باشد و هر چه را نمی‌داند، بدون هیچ گونه خجالت، پرسد. سعدی می‌گوید:

پرس آنچه ندانی که دل پرسیدن راه تو باشد به
عزّ دانایی

قابوس بن وشمگیر در قابوس نامه و بزرگی‌هایی را برای دانش آموز برتر نام برده است که با ذکر آن‌ها این یادداشت را به پایان می‌بریم:

«پس اگر از پیش‌ها چنین که گفتم، طالب علمی باشی، پرهیزگار و قانع باش و علم دوست و دنیادشمن و بردبار و خفیف روح و دیر خواب و زودخیز و حریص به کتابت و متواضع و ناملول از کار و حافظ و مکرر کلام و متفحص سیر و متجسس اسرار و عالم دوست و باحرمت و اندر آموختن حریص و بی شرم و حق شناس استاد خود، باید که کتاب‌ها و اجزای قلم و قلمدان و محبره و کارد قلم تراش و مانند این چیزها با تو بود و جز از این دیگر دل توبه چیزی نباشد و هر چه بشنوی یادگرفتن و بازگفتن. و کم سخن و دوراندیش باش. به تقلید راضی مشو. هر طالب علمی که بدین صفت بود، زود یگانه روزگار گردد.»

پرده‌ای می‌شود که مانع از دیدن اشتباه‌ها و غلط‌های آن دانش آموز است. عکس همین حالت ممکن است نسبت به دانش آموز ضعیف و کم‌کوش و هوش تر رخ بدهد؛ یعنی معلم نسبت به دانش آموز ضعیفی نگاه منفی پیدا کند و این پیش فرض منفی موجب شود او نتواند و وجه مثبت کار دانش آموز را به درستی، آن طور که باید، ببیند و تحسین کند. در حکایتی که از بوستان نقل کردیم، استاد در این دام نیفتاده است و پیش فرض او مانع دیدن نقص ماجرا نشده است. سعدی در گلستان حکایتی دارد که در آن به همین موضوع نیز اشاره کرده است. حکایت جالبی است که در آن آموزگاری نسبت به شاگردش عشق و علاقه‌ای وافر دارد و زمانی که دانش آموز از آموزگارش طلب می‌کند نقص‌های او را گوشزد کند، معلم به این موضوع آگاه است و به همین دلیل دانش آموزش را برای این منظور به معلمانی دیگر ارجاع می‌دهد؛ معلمانی که به او عشق و علاقه ندارند، تا با عینک بهتری او را ببینند و قضاوت کنند:

«... باری پرس گفتم: آن چنان که در آداب درس من نظری می‌فرمایی، در آداب نفسم نیز تأمل فرمای تا اگر در اخلاق من ناپسندی بینی که مرا آن‌ها پسند نمی‌نماید، بر آنم اطلاع فرمایی تا به تبدیل آن سعی کنم. گفت: ای پسر! این سخن از دیگری پرس که آن نظر که مرا با توست، جز هنر نمی‌بینم. چشم بداندیش که برکنده باد عیب نماید هنرش در نظر و هنری داری و هفتاد عیب دوست نبیند به جز آن یک هنر»

عکاس: انعام‌الرحمانی

اعظم ملایی نژاد
دکترای مدیریت آموزشی

* مقدمه

سال‌هاست که بسیاری از آدم‌ها کنار گذاشته شده‌اند، چرا که دنیا بین آن‌هایی که «با استعداد» و «بی استعداد» هستند، تقسیم شده است. آگاهی از آخرین یافته‌های علمی در مورد امکاناتی که همه ما برای به کار بردن هوش و تقویت استعدادها و توانایی‌های ذهنی مان داریم، به ما کمک می‌کند اعتماد به نفس لازم را برای تمرکز بر تمرین، سخت‌کوشی و پذیرفتن چالش‌های جدید به دست آوریم.

نظر مثبت دانش‌آموزان درباره امکان تقویت توانایی‌هایشان، بر اعتماد به نفسشان می‌افزاید و آن‌ها را قادر می‌سازد آنچه را به رشد هوششان کمک می‌کند، شناسایی کنند.

کلاس‌های درس ما معلمان می‌توانند به فرصت‌هایی برای توسعه و تقویت هوش دانش‌آموزان تبدیل شوند. باید به این موضوع توجه داشته باشیم که همه ما می‌توانیم توانایی‌های خود را در تمامی درس‌ها مانند ریاضیات، علوم، علوم اجتماعی و غیره تقویت کنیم. پس کلاس‌ها را به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که به فرصتی برای تمرین این توانایی‌ها تبدیل شوند. به همین دلیل، لازم است بر کلیشه‌ها و باورهایی که ما را به توجه و تمرکز بر دانش‌آموزان با توانایی‌های بیشتر در زمینه‌ای خاص غلبه و تلاش کنیم به همه دانش‌آموزان به گونه‌ای متفاوت نگاه کنیم. مثلاً اگر ما باور داشته باشیم هر یک از دانش‌آموزان توانایی‌ها و استعدادها متفاوتی دارند، به گونه‌ای در برنامه‌های تدریس خود برنامه‌ریزی و رفتار می‌کنیم که این باور به آنان هم منتقل شود که با استعداد هستند و می‌توانند توانایی خود را توسعه دهند.

مفهوم خودکارآمدی چیست؟

چگونه می‌توانیم خودکارآمدی

دانش‌آموزانمان را تقویت کنیم؟

بندورا خودکارآمدی را باور به ظرفیت‌های خود برای کار بست رفتارهایی توصیف می‌کند که برای ایجاد دستاوردهای عملکردی خاصی لازم‌اند. به عبارت دیگر،

قابلیت

رشد

میزان اعتماد به توانایی خود برای موفقیت در شرایط خاص (Bandura, 1977).

بنابراین، باور به اینکه پایه‌ای‌ترین توانایی‌هایمان را می‌توان با صرف وقت و سخت‌کوشی توسعه و تقویت کرد، می‌تواند خودکارآمدی ما را تقویت کند. هنگامی که درباره هوش و استعداد دانش‌آموزانمان صحبت می‌کنیم، خوب است این نکته مهم و کلیدی را بدانیم که:

* هوش انسان با تمرین تقویت می‌شود

تحقیقات اخیر در مورد یادگیری و مغز نشان داده‌اند، وقتی افراد مهارت‌های جدید را تمرین می‌کنند و یاد می‌گیرند، مغز قوی‌تر می‌شود (فعال‌تر، بزرگ‌تر و با بافت عصبی متراکم‌تر). این بدان معنی است که هوش، آن‌طور که قبلاً تصور می‌شد، ثابت نیست و می‌تواند با تمرین، یادگیری و تجربه رشد کند. مغز و استعداد فقط نقطه شروع هستند؛ باور به اینکه اگر سخت کار کنیم و پشتکار داشته باشیم می‌توانیم بیشتر بیاموزیم یا باهوش‌تر شویم (Dweck, 2006; 2012).

هوش توانایی یادگیری یا درک چیزها و یاریابی با موقعیت‌های جدید یا دشوار تعریف می‌شود (مریام وبستر، ۲۰۱۵). بنابراین، برای تقویت خودکارآمدی دانش‌آموزان مهم است درک کنیم هوش می‌تواند رشد کند. در این زمینه به معلمان توصیه می‌شود درباره یافته‌های علمی جدید هوش مطالعه کنند تا بتوانند تمرین‌های بیشتری در کلاس درس تدارک ببینند و معلومات دانش‌آموزان و والدین آنان را نیز به روز کنند. به کلاس درس برویم و نمونه‌ای را با هم اجرا کنیم:

* عنوان درس: امروز یاد می‌گیریم که هوشم را با تمرین افزایش دهیم

بچه‌ها به این سؤالات فکر کنید: هوش برای شما چه معنایی دارد؟ آیا همه ما هوش یکسانی داریم؟

اجازه دهید دانش‌آموزان صحبت کنند. به نظرات آنان گوش کنید، نکات را با کمک آنان روی تخته بنویسید و جمع‌بندی کنید.

توضیح معلم: هوش مجموعه‌ای از ظرفیت‌های شناختی است که به ما امکان می‌دهد یاد بگیریم، استدلال کنیم، فکر کنیم و اطلاعات را تجزیه و تحلیل کنیم، مهارت‌های جدید را گسترش دهیم، مفاهیم را شکل دهیم، تصمیم بگیریم، مسائلمان را حل کنیم و ایده‌های جدید را صورت‌بندی کنیم. هوش ما را قادر می‌کند مسائلی را که در زندگی روزمره با آن‌ها روبرو هستیم حل کنیم و با موقعیت‌های جدید سازگار شویم یا تا حد کافی مدیریشان کنیم.

نظر مثبت دانش‌آموزان درباره امکان تقویت توانایی‌هایشان، بر اعتماد به نفسشان می‌افزاید و آن‌ها را قادر می‌سازد آنچه را به رشد هوششان کمک می‌کند، شناسایی کنند

هوش

سؤال: آیا همه ما برای رشد و گسترش هوش خود امکان یکسانی داریم؟ ممکن است هر یک از مادر سطح متفاوتی از رشد باشیم. آیا می توانیم هوش خود را تقویت کنیم؟

پاسخ‌های دانش آموزان را روی تخته بنویسید.

سؤال: آیا دوست دارید یاد بگیرید چگونه هوش خود را افزایش دهید؟

دانش آموزان را به موضوع حساس کنید.

امروز می خواهیم با هم در مورد تحقیقات جدیدی بخوانیم که به ما می آموزند چگونه هوش خود را افزایش دهیم. در این زمینه برای دانش آموزان مطالبی مانند این متن را آماده کنید.

به دانش آموزان بگویید متن را بخوانند و پس از خواندن هر قسمت نقاشی بکشند. کشیدن نقاشی به مغز آنان کمک می کند اطلاعات جدید را به حافظه بلندمدتشان اضافه کنند. چرا که مغز مادر به خاطر سپردن تصویر توانایی های شگفت انگیزی دارد.

* عنوان درس: شما می توانید هوشتان را افزایش دهید

متن ۱. تحقیقات جدید نشان می دهند که مغز می تواند مانند ماهیچه رشد کند

بسیاری از مردم مغز را معمایی راز آلود می دانند. آنان چیز زیادی از هوش و اینکه چگونه کار می کند، نمی دانند. خیلی ها وقتی به هوش و چستی آن فکر می کنند، این گونه می پندارند که یک فرد یا باهوش زیاد به دنیا می آید یا متوسط یا کم، و تا آخر عمر هم همین طور باقی می ماند. اما تحقیقات جدید نشان می دهند، مغز بیشتر شبیه ماهیچه است. یعنی تغییر می کند و وقتی از آن استفاده می کنید، قوی تر می شود. دانشمندان به تازگی توانسته اند نشان دهند که مغز وقتی چیز یاد می گیرید، چگونه رشد می کند و قوی تر می شود. وقتی وزنه می زنید، ماهیچه های تان بزرگ تر می شوند و شما قوی تر می شوید. فردی که می تواند با شروع ورزش وزنه ای ۱۰ کیلویی را بلند کند،



غیر ممکن بود، به نظر آسان می‌شوند. نتیجه یادگیری چیزهای جدید، داشتن مغزی قوی‌تر و باهوش‌تر است.

تمرین: از دانش آموزان بخواهید:

۱. نوروں‌های عصبی رادر دو حالت نقاشی کنند.
۲. بحث کنند.
۳. جمع‌بندی و یادداشت کنند.

متن ۳. مغز کودکان رشد می‌کند

دیگر چیزی که دانشمندان رادر مورد رشد و تغییر مغز به فکر انداخت، نوزادان بودند. همه می‌دانند، نوزادان بدون توانایی صحبت کردن یادکردن زبان به دنیا می‌آیند، اما تقریباً همه نوزادان در سال‌های اول زندگی یاد می‌گیرند به زبان والدین خود صحبت کنند. آنان چگونه می‌توانند چنین کاری انجام دهند؟

نوزادان از اولین روزی که به دنیا می‌آیند صحبت‌های اطرافیان خود را می‌شنوند. آنان باید تلاش کنند این صداها را عجیب و غریب را معنا کنند و معنی‌شان را بفهمند. به این ترتیب، نوزادان با گوش دادن مغز خود را ساخت تمرین می‌دهند. بعداً، وقتی نیاز دارند به والدینشان بگویند چه می‌خواهند، شروع به تمرین صحبت کردن می‌کنند. در ابتدا فقط صداهایی را تولید می‌کنند و سپس کم‌کم کلمات ظاهر می‌شوند. پس از آن، وقتی بچه‌ها سه‌ساله می‌شوند، اکثرشان قادرند جمله‌های کامل را تقریباً به‌طور کامل بیان کنند.

هنگامی که کودکان زبانی را یاد می‌گیرند، آن را فراموش نمی‌کنند. مغز کودک تغییر کرده و در واقع باهوش‌تر شده است. میان سلول‌های مغزی نوزاد ارتباط‌های جدیدی ایجاد می‌شوند که مغز او را قوی‌تر و باهوش‌تر می‌کند.

* رشد اتصالات عصبی مغز کودک از تولد تا شش سالگی

متن ۴. حقیقت واقعی در مورد «باهوش» و «کم‌هوش»

هیچ‌کس فکر نمی‌کند نوزادان چون نمی‌توانند صحبت کنند کم‌هوش‌اند. آن‌ها هنوز یاد نگرفته‌اند چگونه صحبت کنند. اما بعضی‌ها کسی را که نتواند مسائل ریاضی را حل کند، یا نتواند یک کلمه را درست بنویسد یا تند بخواند، کم‌هوش خطاب می‌کنند؛ حتی اگر همه این چیزها را با تمرین یاد بگیرد. هیچ‌کس در ابتدا نمی‌تواند معادلات را بخواند یا حل کند. اما با تمرین می‌تواند آن‌ها را یاد بگیرد. و هر چه بیشتر بیاموزد، یادگیری چیزهای جدید آسان‌تر می‌شود؛ زیرا «ماهیه‌های» مغز قوی‌تر شده‌اند!

* نتیجه‌گیری

کلید رشد مغز تمرین است!

بنابراین، دانش‌آموزی که چون سریع‌تر از همه می‌خواند، باهوش‌ترین به نظر می‌رسد، ممکن است با دیگران تفاوتی نداشته باشد. شاید او فقط قبل از رفتن به مدرسه تمرین خواندن را شروع کرده است و قبل از هم‌کلاسی‌هایش ساختن «عضلات

پس از مدت طولانی ورزش و تمرین، می‌تواند وزنه‌ای ۵۰ کیلویی را بلند کند. چرا که عضلات با ورزش بزرگ‌تر و قوی‌تر می‌شوند. وقتی ورزش را متوقف کنید، ماهیچه‌ها دوباره کوچک می‌شوند و فرد ضعیف‌تر می‌شود. برای همین مردم می‌گویند از ماهیچه‌ها بابت استفاده کن، وگرنه آن‌ها را از دست می‌دهی.

در درون قشر مغز میلیاردها سلول عصبی کوچک به نام نورون وجود دارد. سلول‌های عصبی شاخک‌هایی دارند که آن‌ها را در شبکه‌ای پیچیده به سلول‌های دیگر متصل می‌کنند. ارتباط بین این سلول‌های مغزی همان چیزی است که به ما امکان می‌دهد فکر و مسائلمان را حل کنیم.

تمرین: از دانش آموزان بخواهید:

۱. درباره موضوع نقاشی بکشند.
۲. بحث کنند.
۳. جمع‌بندی و یادداشت کنند.

متن ۲. از کجا می‌دانیم مغز می‌تواند قوی‌تر شود؟ دانشمندان با مطالعه مغز حیوانات به این فکر افتادند که مغز انسان می‌تواند رشد کند و تغییر یابد. آن‌ها دریافته‌اند، حیواناتی که در محیطی چالش‌برانگیز زندگی می‌کنند که می‌توانند با حیوانات دیگر و اسباب‌بازی بازی کنند، با حیواناتی که تنها در قفس‌های خالی زندگی می‌کنند، تفاوت دارند. حیوانات گروه دوم ارتباط بیشتری بین سلول‌های عصبی مغزشان داشتند. اتصالات بزرگ‌تر و قوی‌تر نیز داشتند. در واقع، کل مغز آن‌ها چیزی حدود ۱۰۰ درصد سنگین‌تر از مغز حیواناتی بود که در قفس زندگی می‌کردند.

حیواناتی که مغزشان از طریق بازی با اسباب‌بازی‌ها و دیگر حیوانات تمرین کرده بود، «باهوش‌تر» بودند. یعنی در حل مسائل و یادگیری چیزهای جدید بهتر بودند. وقتی دانشمندان حیواناتی را که در قفس زندگی می‌کردند کنار حیوانات و اسباب‌بازی‌های دیگر قرار دادند، مغز آن‌ها نیز حدود ۱۰ درصد رشد کرد!

۱. عصب‌های مغز حیوانی که در قفس زندگی می‌کند.
۲. عصب‌های مغز حیوانی که با حیوانات و اسباب‌بازی‌های دیگر زندگی می‌کند.

وقتی چیزهای جدید یاد می‌گیرید، در واقع این ارتباطات کوچک در مغز تکثیر می‌شوند و قوی‌تر می‌شوند. هر چه بیشتر ذهن خود را برای یادگیری به چالش بکشید، سلول‌های عصبی مغزتان بیشتر رشد می‌کنند. سپس کارهایی مانند یادگیری زبان خارجی یا حل مسائل ریاضی، که زمانی انجامشان بسیار سخت یا حتی

خواندن» خود را شروع کرده است. کاری که همکلاسی های او باید انجام دهند این است که «عضلات خواندن» خود را به همین روش تمرین دهند!

برای باهوش تر شدن چه کاری می توانید انجام دهید؟

درست مانند یک وزنه بردار یا بازیکن بسکتبال، برای اینکه قهرمان ورزش مغز باشید، باید ورزش و تمرین کنید. با تمرین، مغز خود را قوی تر می کنید. همچنین، مهارت هایی را یاد بگیرید که به شما امکان می دهند از مغزتان به شیوه ای هوشمندانه تر استفاده کنید؛ درست همان طور که یک بازیکن بسکتبال حرکت های جدید را یاد می گیرد.

اما بسیاری از مردم فرصت پرورش مغزی قوی تر را از دست می دهند، چرا که گمان می کنند نمی توانند این کار را انجام دهند یا اینکه این کار خیلی سخت است. رشد مغزی مستلزم تلاش است؛ درست مانند قوی تر شدن از نظر بدنی یا تبدیل شدن به بازیکنی بهتر در هر رشته ورزشی. این کار گاهی حتی درد دارد!

اما وقتی احساس کنید دارید بهتر و قوی تر می شوید، در خواهید یافت که همه این تلاش ها ارزشش را دارد!

تمرین: از دانش آموزان سؤال کنید برای تقویت هوش خود چه کارهایی می توانند انجام دهند؟

1. موارد را با کمک یکی از دانش آموزان روی تخته یادداشت کنید.
2. کمک کنید مباحث طبقه بندی شوند.
3. تمرین های پیشنهادی آنان را اجرا کنید.

* به خاطر داشته باشیم

هر دانش آموزی در انجام کارها سرعت خودش را دارد. به همین دلیل، به جای مقایسه آنان با یکدیگر، آن ها را تشویق کنیم هر کدام برای توسعه توانایی های خود سخت تلاش کنند.

سؤال هایی که می توانید از دانش آموزان خود بپرسید و جمع بندی کنید:

• کدام یک از ایده هایی که قبلاً در مورد هوش داشتید، پس از خواندن این مطالب تغییر کرده است؟
پاسخ های ممکن: حالا می دانیم هوش ظرفیتی است که می تواند رشد کند. و اینکه چیزی به نام کسی که در چیزی کند ذهن است وجود ندارد. این فرد فقط باید تمرین کند یا توانایی هایش را تمرین دهد و...

• آیا ظرفیت هایی دارید که ممکن است از آن ها غفلت کرده باشید، چون فکر می کنید نمی توانید آن ها را توسعه دهید، اما اکنون می خواهید دوباره روی آن ها کار کنید؟
• چگونه این دانش جدید می تواند بر اعتمادمان به توانایی خود برای موفقیت در موقعیت های متفاوت تأثیر بگذارد؟

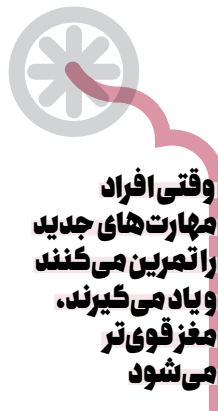
• پاسخ های احتمالی: می تواند تأثیر مثبتی داشته باشد، چون حالا می دانیم که می توانیم هر توانایی را که در ذهنمان است رشد دهیم. قطعاً باید برای این کار سخت تلاش کنیم، اما می توانیم انجامش

دهیم. این دانش جدید دنیای بی نهایتی از احتمالات را درباره اینکه «ما چه کسی هستیم و چه چیزی می توانیم در زندگی مان به دست آوریم»، به رویمان باز می کند. همین طور هم به ما امید می دهد و کمکمان می کند بفهمیم که توانایی های بالقوه زیادی داریم که منتظرند ما کشفشان کنیم و گسترشان دهیم.

* نکات مهم

1. در تمام طول درس می توانید دانش آموزان را به گروه های سه نفره و بیشتر تقسیم کنید و کار گروهی انجام دهید.
2. توجه داشته باشید دانش آموزان در مباحث مشارکت داشته باشند.
3. اجازه دهید از تجربه های خوب خود در زمینه های گوناگون بگویند. مثلاً اگر در کارهایی موفق هستند، دلایل آن را بگویند.
4. در طول مباحث آنان را برای مطالبی که می گویند تشویق کنید.
5. با توجه به زمان کلاس بعضی مباحث را کم یا زیاد کنید.

معلم عزیز: تجربه های شما از گسترش توانایی های دانش آموزان در هنگام تدریس موضوعات درسی چیست؟ طرح درس های خود را برای ما بفرستید. *



وقتی افراد مهارت های جدید را تمرین می کنند، ویاد می گیرند، مغز قوی تر می شود

پی نوشت ها

1. self-efficacy
2. intelligence

منابع

1. Bandura, Albert. (1997) Self-Efficacy. The Exercise of Control, W.H. Freeman @ Co.
2. Dweck, Carol. s. (2006; 2012). Mindset: The new psychology of success. New York, NY: Random House.

دختری بیست‌ساله بودم. تازه از تربیت معلم فارغ التحصیل شده بودم که مرا با ابلاغ مدیریت به یک مدرسه در روستای نزدیک شهر فرستادند. به این صورت آغاز مدیریت من در مدرسه‌ای کوچک باسی دانش آموز شکل گرفت. همهٔ معلمان، به‌جز خدمت‌گزار مدرسه، جوان بودند. به علت مسن بودن خدمت‌گزار، نمی‌توانستم به او کارهای زیادی بدهم. بنابراین مجبور بودم بیشتر کارها را خودم انجام بدهم.

همه چیز خوب پیش می‌رفت تا اینکه بعد از یک ماه، صدای معلمان از دست دانش آموزی به نام بهاره بلند شد. بهاره دانش آموزی بود که درس نمی‌خواند، وسایل دانش‌آموزان را جابه‌جا می‌کرد، تخته پاک‌کن کلاس را یواشکی برمی‌داشت و بعد از اینکه نظم کلاس به هم می‌ریخت، آن را به معلم تحویل می‌داد. کم‌کم کارهای بهاره در مدرسه به معضل تبدیل شده بود. از یک طرف نظم مدرسه را برهم می‌زد و از طرف دیگر باعث شاکي شدن معلم‌ها می‌شد. تصمیم قطعی گرفتم که به موضوع رسیدگی کنم. بهاره را به دفتر مدرسه خواستم. در دفتر که باز شد، دختری با جثهٔ کوچک و چشمان درشت و ظاهری مظلوم وارد شد. باورم نمی‌شد دختری به این مظلومی باعث این همه دردسر شده باشد! با قیافهٔ به‌ظاهر خشن به او گفتم: «تو بهاره هستی؟!»

تربیت‌گر و دانش‌آموز

لیلا پورآزادی

برگزیدهٔ نفر دوم ششمین
جشنوارهٔ خاطره‌های معلمی

تصویرگر: نورگس زمانی

گفت: «بله.»

- دختر جان گوش هایت را تیز کن، ببین چه می گویم.

- ببخشید، من تراش با خودم نیاورده ام. گوشم را با چه تیز کنم؟

- صدایش آن قدر مظلوم بود که فهمیدم تا حالا این ضرب المثل را نشنیده است. بنابراین با ملایمت شروع به نصیحت او کردم. سپس از او قول گرفتم دیگر در مدرسه مشکل ایجاد نکند. همچنین، از او خواستم در نماز جماعت مدرسه هم شرکت کند. و به امید اینکه همه چیز ختم به خیر شده است، او را به کلاس فرستادم.

زنگ نماز شد. طبق معمول همیشه، برای اقامه نماز در صف اول ایستادم. بچه های یک به یک به نماز خانه آمدند. ناگهان بین آن ها بهار را دیدم. راستش را بخواهید، کمی احساس غرور می کردم که توانسته بودم او را متحول کنم. نماز شروع شد. بین نماز احساس کردم قطره های آب روی صورتم پاشیده می شوند. با خودم گفتم حتماً بچه ها دارند گلاب می ریزند! چون رسم مدرسه بود که بین نماز ظهر و عصر گلاب روی نمازگزاران می پاشیدند.

در دستانان ندم. لباس هایم کمی خیس شده بودند. سلام نماز را که دادیم، صدای بچه ها بلند شد «بهاره با آب ما را خیس کرده است!» سریع لباسم را بو کردم. متوجه شدم راست می گویند. آب روی ما پاشیده شده بود. با عصبانیت بین جمعیت دنبال بهاره گشتم، اما بهاره نبود.

بعد از نماز با بلندگو او را صدا زدم. وقتی به دفتر مدرسه آمد، منکر قضا یا شد. گفت که بچه ها با او لج هستند و در هر کاری او را مقصر می دانند. چون خودم او را هنگام پاشیدن آب ندیده بودم، کارش را نادیده گرفتم و او را به کلاس فرستادم. یک هفته از این موضوع می گذشت، ولی معلممان همچنان از نمره ها و آزار و اذیت بهاره شاکی بودند. نمی دانستم باید چه تصمیمی بگیرم؟ از یک طرف دوست نداشتم او را اخراج کنم و از طرف دیگر هم نمی توانستم اعتراض های همکارانم را نادیده بگیرم.

در همین اوضاع، معلم هنر مدرسه مریض شد و من مجبور بودم به جای او به کلاس بروم. حالا علاوه بر کارهای مدیریتی مدرسه، باید درس هنر را نیز تدریس می کردم. به اجبار به کلاس درس هنر رفتم. تازه متوجه شدم معلم ها از دست بهاره چه می کشند! با اینکه بهاره در کلاس من آرام تر بود، ولی همچنان به آزار و اذیت بچه ها ادامه می داد. یکی داد می زد. «مداد رنگی من نیست!» دیگری می گفت: «پاک کن مرا بهاره برداشته.»

با خون سردی مشکل بچه ها را حل کردم. باید به این نکته اشاره کنم که بهاره مشکل مادی نداشت، بلکه قصد او آزار و اذیت بچه ها و برهم زدن نظم کلاس بود. بار دیگر با او صحبت کردم و گفتم اگر کارهایش تکرار شوند، او را از مدرسه اخراج خواهم کرد. آخر کلاس هم به عنوان تکلیف از بچه ها خواستم برای جلسه آینده یک کار دستی بیاورند.

با خستگی کلاس را ترک کردم و به دفتر مدرسه آمدم و زنگ تفریح را زدم. وقتی معلم ها برای استراحت کردن به دفتر آمدند، متوجه ناراحتی من شدند. به آن ها گفتم، امروز فهمیدم از دست بهاره چه می کشید. می دانم درس شما به تمرکز نیاز دارد. قول می دهم در صورت تکرار کارهای بهاره، او را از مدرسه اخراج کنم.

تصمیم من قطعی بود، چون مادران بچه های دیگر هم از این قضیه شاکی بودند که بهاره با ایجاد کردن مزاحمت در کلاس، مانع از یادگیری فرزندانشان می شود.

یک هفته از این موضوع گذشت. هنوز معلم هنر

مدرسه به علت بیماری نتوانسته بود به کلاس بیاید

و من مجبور بودم دوباره به کلاس او بروم. وقتی وارد

کلاس شدم، کار دستی های زیبایی روی میزهای بچه ها

بودند. هر کسی با ذوق و سلیقه خود چیزی درست کرده

بود. مثلاً یکی از بچه ها با مقوادی که درست کرده بود

و دیگری با گل هایی که چیده بود یک گردنبند زیبا ساخته

بود. دفتر نمره کلاسی را باز و شروع کردم به صدا زدن بچه ها.

برای هر کسی در دفتر نمره ای ثبت کردم تا اینکه نوبت به

بهاره رسید. او را صدا زدم. جواب داد: «خانم ما چیزی درست

نکرده ایم.» می خواستم برای او نمره صفر بگذارم که بچه ها گفتند:

«دروغ می گوید. کار دستی آورده.» با تعجب گفتم: «بچه جان کار

دستی ات را نشان بده.»

او گفت: «خوب نشده.»

اصرار از من و اگر او از او. بالاخره بعد از پنج دقیقه کلنجار رفتن،

دستش را داخل جامیز کرد و کار دستی خود را بیرون آورد. بادی

کار دستی اش، هم خوش حال شدم و هم ناراحت! حدس می زنی

بهاره چه کار دستی ای درست کرده بود؟

او یک قبر با گل درست کرده بود. خوش حال شدم که کار دستی او خیلی

قشنگ و ظریف درست شده بود ولی ناراحت بودم که اسم خودش را

روی آن قبر نوشته بود. به او نمره بیست دادم. فکر کنم این اولین بار بود که

بیست گرفته بود. چشمانش از تعجب برق می زدند. خیلی خوش حال بود.

به او گفتم که می خواهم سر صف او را به عنوان هنر مند تشویق کنم،

به شرط اینکه اسم خودش را از روی قبر پاک کند و رفتارش نشان دهنده

یک هنر مند واقعی باشد.

زنگ تفریح که خورد، بهاره را به عنوان هنر مند معرفی کردم و به او جایزه دادم.

فردای آن روز با بهاره در دفتر مدرسه صحبت کردم. به او گفتم، در این سن

نباید به مرگ فکر کند. خاطر نشان کردم که خود من هم وقتی کوچک بودم،

همیشه فکر می کردم هیچ کس مشکلات مرا ندارد. با این تفاوت که من

مشکلاتم را با مدیر یا معلم مدرسه در میان می گذاشتم. آن وقت می فهمیدم

مشکل من آن قدر هم که فکر می کنم بزرگ نیست.

وقتی حرف هایم به اینجا رسید، صدای گریه بهاره بلند شد و زبان به سخن

باز کرد. گفت: «پدر و مادر من می خواهند از هم جدا شوند و این موضوع

مدت هاست فکر مرا مشغول کرده است. از اینکه بقیه بچه ها پدر و مادر

داشته باشند ناراحتم و دوست دارم آن ها هم مثل من اذیت شوند.»

این حرف ها را می زد و گریه می کرد. به او قول دادم مشکلتش را حل کنم.

از یکی از دوستانم که مشاور مدرسه بود، خواهش کردم با والدین بهاره

صحبت کند. خودم هم زنگ های تفریح و خارج از ساعت مدرسه به او

درس می دادم. همچنین، از معلم های دیگر هم خواستم بیشتر به او توجه

کنند. کم کم وضعیت درسی او بهتر شد. مشاور می گوید که به مدرسه دعوت کرده

بودیم هم کار خودش را به درستی انجام داد و مانع طلاق والدین او شد.

بهترین لحظه عمر من وقتی بود که بهاره با شادی وصف ناپذیری به دفتر

مدرسه آمد و گفت: «خانم معلم ریاضی هفده شدم.»

از خوش حالی در پوست خود نمی گنجیدم. با خود اندیشیدم، اگر معلم

هنر مدرسه بیمار نشده بود و من به کلاس بهاره نرفته بودم و بهاره آن قبر را

درست نکرده بود و من ارزشی برای آن کار دستی قائل نشده بودم، معلوم

نشد آینده بهاره چه می شد!

تأملی بر افت

هللیا بدریان
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه

اشاره

تمام نظام‌های آموزشی، از جمله نظام آموزشی ایران، گریبان‌گیر معضلی به اسم «افت تحصیلی» هستند. شناخت علت‌ها و عوامل به وجود آورنده این معضل می‌تواند آگاهی‌های دقیق و جامعی به ما بدهد. مطالعه حاضر قصد دارد علت افت تحصیلی دانش‌آموزان در دوران نوجوانی و آموزش مجازی را بررسی کند:

تحصیلی

نباشند، در عمل آموزش بادشواری و سختی همراه خواهد شد. از طرف دیگر، درس‌هایی مثل فیزیک، ریاضی و شیمی حتماً به کلاس تقویتی، فوق برنامه و آزمون‌های آزمایشی نیاز دارند و در صورت ضعیف بودن وضعیت اقتصادی خانواده، استفاده از این امکانات برای دانش‌آموز فراهم نخواهد بود. وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده بر پیشرفت تحصیلی فرزند تأثیر منفی می‌گذارد.

* اهمیت مدرسه

دراقت تحصیلی دانش‌آموزان

بدون شک، روش آموزشی معلم، برخورد‌های نامناسب با دانش‌آموزان و محیط مدرسه در افت تحصیلی نقش زیادی دارند. بنابراین، اهمیت مدرسه را در پیدایش افت تحصیلی می‌توان به روابط با همسالان، معلمان و مربیان ارتباط داد.

الف) روابط با همسالان: روابط با همسالان در مدرسه، به خصوص در دوره نوجوانی، در لذت بخش کردن محیط مدرسه و کلاس نقش مهمی دارد. همچنین، همسالان و دوستان نامناسب می‌توانند انگیزه دانش‌آموز را برای درس خواندن از بین ببرند و او را در مدرسه دچار مشکل کنند.

ب) معلمان و مربیان: اگر معلمان شیوه سختگیرانه و خشکی داشته باشند، مهارت برخورد با دانش‌آموزان را نداشته باشند، بد اخلاق باشند، یا رفتاری نامناسب و تحقیرآمیز نسبت به دانش‌آموز داشته باشند، طبیعی است دانش‌آموز از درس و مدرسه بیزار شود و این مورد بدون شک باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان خواهد شد.

* اثرات افت تحصیلی بر دانش‌آموزان

افت تحصیلی علاوه بر اینکه موجب اتلاف منابع انسانی و مالی فراوانی می‌شود، اثرهای روحی و روانی بد و زیادی را بر دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها وارد می‌کند. بعضی از این اثرها شخصیت و رفتار فرد را تغییر می‌دهند و برخی دیگر موجب فرار از مدرسه می‌شوند. افت تحصیلی موجب ناامیدی، افسردگی، فساد اخلاقی و گاه سبب تحقیر و اهانت به دانش‌آموز می‌شود. افت تحصیلی، تصور نوجوان نسبت به خود و عقیده و رفتار دیگران را نسبت به او تغییر می‌دهد و این تغییرات بر شخصیت در حال رشد فرد در دوره نوجوانی، اثر ناخوشایندی بر جای می‌گذارد. دوران بلوغ و نوجوانی، به ویژه در دوره متوسطه اول، بر پیشرفت تحصیلی یا افت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر بسیار زیادی دارد و اغلب دانش‌آموزان در این دوران حساس دچار افت تحصیلی می‌شوند. متأسفانه، در دوران بلوغ، بین رشد جسمی و رشد عقلی دانش‌آموزان تناسبی وجود ندارد و بسیاری از آنان دچار بحران هویتی می‌شوند و این ممکن است کل زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. در این دوران، خانواده، مربی و مشاور پرورشی هدایتگری سودمند و اثربخشی ندارند. بحران بلوغ و نوجوانی، به خصوص در شرایط فعلی که فضای مجازی در اختیار دانش‌آموزان است و بحران هویتی شدیدتر می‌شود، بر عملکرد تحصیلی آنان تأثیر زیادی دارد؛ به خصوص که کتاب‌های درسی از نظر محتوا چنان تأثیری در اصلاح رویه‌ها و کج‌فهمی‌های منتقل شده از فضای مجازی به اجتماع دانش‌آموزی ندارند (بخشی پور و نورالهی، ۱۴۰۱: ۱۹۲-۱۸۱).

* عمده‌ترین دلایل افت تحصیلی

عوامل و دلایل متعددی برای افت تحصیلی وجود دارند که می‌توان آن‌ها را به سه دسته عوامل فردی، خانوادگی و آموزشی مدرسه تقسیم کرد (شفیعی و دوستی، ۱۳۹۹: ۵۲-۴۲). آموزش مجازی به وسایل الکترونیکی نظیر گوشی همراه یا رایانه نیاز دارد که تهیه آن‌ها به شرایط اقتصادی خانواده بستگی دارد. اگر شرایط برای خرید این وسایل مهیا

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تا حد زیادی به شرایط محیطی و روابط آن‌ها با معلم و همسالان بستگی دارد. فضایی که در مدرسه برای آموزش فراهم می‌شود، باید به گونه‌ای باشد که به موفقیت آن‌ها کمک کند.

* افت تحصیلی در آموزش مجازی

نتایج پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد، جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله بیشترین کاربران اینترنت هستند. جعفری و عندلیبیان (۱۳۹۷) نشان دادند، بعد از همه‌گیری کرونا و استفاده از آموزش مجازی، ۸۸ درصد دانش آموزان اظهار داشته‌اند که به اینترنت دسترسی دارند و مهم‌ترین ابزار دسترسی آن‌ها گوشی همراه و میانگین استفاده‌شان از اینترنت ۴ ساعت و ۲۳ دقیقه است.

حدود ۴۱ درصد بازی رایانه‌ای انجام می‌دهند و حدود ۵۹ درصد نیز در شبکه‌های اجتماعی سرگرم هستند (۱۳۹۷: ۲۱۳-۲۰۳).

در آموزش مجازی، تعامل بین دانش آموز - معلم، و دانش آموز - دانش آموز به حداقل می‌رسد. در نتیجه انگیزه دانش آموزان برای حضور در کلاس درس مجازی کاهش می‌یابد. پرسه زدن بیش از حد و بی‌رویه دانش آموزان در شبکه‌های اجتماعی، موجب بروز نگرانی‌های جدی در عرصه آموزش شده است. استفاده از امکانات اجتماعی فضای مجازی، اگرچه در دوران شیوع ویروس کرونا به کمک نوجوانان آمده است تا فضایی برای تعاملات اجتماعی خود داشته باشند، اما در عین حال به دلیل نوابودن این عرصه، نبود

فرهنگ‌سازی مناسب و کسب آموزش، مشکلاتی نیز به بار آورده است. افسردگی ناشی از آسیب‌های اجتماعی در فضای مجازی، نبود تعامل رودررو و نبود فعالیت بدنی مؤثر نیز از دیگر آفت‌های فضای مجازی هستند که ممکن است در افت تحصیلی نیز نقش داشته باشند (شاوردی، چیت‌ساز و حیدری، ۱۳۹۸: ۱۸۱۲-۸۰).

بدون شک افت تحصیلی و جاماندن دانش آموزان روند پیشرفت تحصیلی خسارت‌هایی ایجاد می‌کند که شامل هزینه‌های دولت در مدرسه، هزینه‌های تحمیل شده بر خانواده و خسارت‌های وارد شده به خود دانش آموز است. به نظر می‌رسد، بُعد روانی اجتماعی خسارتی که به دانش آموز و خانواده او وارد می‌شود، به مراتب جدی‌تر است و متأسفانه جبران زخم‌های شکست تحصیلی به‌کندی صورت می‌گیرد. ❁

منابع

۱. بخشی‌پور، ابوالفضل و نورالهی، شبنم (۱۴۰۱). تحلیل ادراک دانش آموزان دوره متوسطه از عوامل مؤثر بر افت تحصیلی در شرایط همه‌گیری کرونا.
۲. جعفری، علی و عندلیبیان، امیر هوشنگ (۱۳۹۷). نقش بازی‌های رایانه‌ای در افت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهر تهران. فناوری آموزشی، ۱۲، ۳.
۳. شاوردی، تهمنه؛ چیت‌ساز قمی، محمد جواد و حیدری، حسین (۱۳۹۸). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم شهر تهران. فناوری آموزش، ۱۴(۴).
۴. شفیعی، صابر و دوستی، انور (۱۳۹۹). بررسی دلایل افت تحصیلی دانش آموزان، پژوهش و مطالعات اسلامی، ۱۳.

مقاومت و شهادت، رمز فاطمه

دکتر لیلا میرزائی
دانش‌آموخته فلسفه تعلیم و تربیت

۴ دی

روز بزرگداشت رودکی و میلاد حضرت عیسی مسیح (ع)

۵ دی

روز ملی ایمنی در برابر زلزله و کاهش اثرات بلایای طبیعی

۶ دی

وفات حضرت ام البنین (س) و روز تکریم مادران و همسران شهدا

۹ دی

روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

۱۱ دی

آغاز سال ۲۰۲۴ میلادی

۱۳ دی

ولادت حضرت فاطمه (س)، تولد امام خمینی (ره)،
روز جهانی مقاومت و شهادت سردار سپهبد قاسم سلیمانی

۱۹ دی

سالگرد قیام خونین مردم قم

۲۰ دی

شهادت میرزاتقی خان امیرکبیر

۲۲ دی

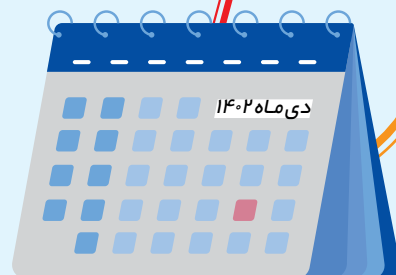
تشکیل شورای انقلاب به فرمان امام خمینی (ره)

۲۳ دی

ولادت حضرت امام محمدباقر (ع)

۲۵ دی

شهادت حضرت امام علی النقی الهادی (ع)، فرار شاه



میلاد حضرت بتول و هدیه آسمانی خدا به رسول، بانوی ملکوت و جبروت، حضرت صدیقه طاهره (س)، گرامی باد.

✳ میلاد حضرت فاطمه (س)

فاطمه (س) مشهور به فاطمه زهرا (۵ بعثت - ۱۱ ق)، دختر پیامبر اسلام (ص) و خدیجه کبری (س) و همسر امام علی (ع) است. امام دوم و امام سوم شیعیان، زینب (س) و ام کلثوم از فرزندان او هستند. برای فاطمه (س) لقب‌های متعددی (در حدود ۳۰ لقب) یاد شده‌اند. زهرا، صدیقه، مُحَدَّثَه، بتول، سیده نساء العالمین، منصوره، طاهره، مُطهره، زکیه، مبارکه، راضیه و مرضیه از مشهورترین لقب‌های فاطمه‌اند و اُمّ ابیها (مادر پدرش) کنیه مشهور اوست. سوره کوثر، آیه تطهیر، آیه مودت و آیه اطعام و احادیثی چون حدیث بضعه در شأن و فضیلت فاطمه نازل و نقل شده‌اند. در روایات آمده است، پیامبر (ص)، فاطمه (س) را برترین زن در دو عالم معرفی کرده و خشم و خشنودی او را خشم و خشنودی خداوند دانسته است.

فضیلت‌های حضرت فاطمه (س)

در منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعه و اهل سنت فضیلت‌های متعددی برای حضرت زهرا (س) گزارش شده‌اند که برخی از آن‌ها منشأ قرآنی دارند، مانند آیه تطهیر و آیه مباحله. در این گونه فضیلت‌ها شأن نزول آیات درباره اهل بیت پیامبر (ص) است و فاطمه (س) نیز یکی از اهل بیت است. شماری از فضیلت‌ها نیز در روایات نقل شده‌اند؛ نظیر حدیث بضعه و مُحَدَّثَه بودن. عصمت، عبادت، سخاوت، زهد و ساده‌زیستی. مُحَدَّثَه بودن (سخن گفتن فرشتگان با فاطمه (س)) یکی از ویژگی‌های اوست که موجب شد او را مُحَدَّثَه بنامند. علم و دانش و میراث معنوی (مصحف فاطمه، خطبه فدکیه، تسیحات و نماز حضرت زهرا (س)) بخشی از فضایل آن بانوی نمونه هستند.^۱

پایداری

* بخشی از وصیت نامه حاج قاسم سلیمانی

بسم الله الرحمن الرحيم

شهادت می‌دهم به اصول دین، اشهد أن لا اله الا الله و اشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و اولاده المعصومین اثنا عشر ائمتنا و معصومینا حجج الله. شهادت می‌دهم که قیامت حق است، قرآن حق است، بهشت و جهنم حق است، سؤال و جواب حق است، معاد، عدل، امامت و نبوت حق است. خدایا! تورا سپاس می‌گویم به خاطر نعمت هایت. خداوند! تورا سپاس که مرا صلب به صلب، قرن به قرن، از صلبی به صلبی منتقل کردی و در زمانی اجازه ظهور و وجود دادی که امکان درک یکی از برجسته‌ترین اولیایت را که قرین و قریب معصومین است، عبدصالحت خمینی کبیر، رادری کنم و سر باز رکاب او شوم. اگر توفیق صحابه رسول اعظمت، محمد مصطفی، را نداشتم و اگر بی بهره بودم از دوره مظلومیت علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم و مظلومش، مراد همان راهی قرار دادی که آن هادر همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.

خداوند! تورا شکر گزارم که پس از عبدصالحت، خمینی عزیز، مراد مسیر عبدصالح دیگری که مظلومیش اعظم است بر صالحیتش، مردی که حکیم امروز اسلام و تشیع و ایران و جهان سیاسی اسلام است، خامنه‌ای عزیز، که جانم فدای جان او باد، قرار دادی. پروردگارا! تورا سپاس که مرا با بهترین بندگان در هم آمیختی و درک بوسه بر گونه‌های بهشتی آنان و استشمام بوی عطر الهی آنان را یعنی مجاهدین و شهدای این راه - به من ارزانی داشتی.

خداوند! ای قادر عزیز و ای رحمان رزاق، پیشانی شکر شرم بر آستانت می‌سایم که مراد مسیر فاطمه اطهر و فرزندانش در مذهب تشیع، عطر حقیقی اسلام، قرار دادی و مرا از اشک بر فرزندان علی بن ابی طالب و فاطمه اطهر بهره‌مند نمودی. چه نعمت عظمایی که بالاترین و ارزشمندترین نعمت هایت است؛ نعمتی که در آن نور است. معنویت و بی‌قراری که در درون خود بالاترین قرارها را دارد. غمی که آرامش و معنویت داد.

خداوند! تورا سپاس که مرا از پدر و مادری فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاک‌ی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن هادر در بهشتت و با اولیایت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرما.^۲

* زیر چتر ساحت‌های تعلیم و تربیت،

بر مدار رسد تحول، در این ایام در مدرسه چه کنیم؟

پیشنهادها

- برگزاری یکی از باشکوه‌ترین جشن‌ها با حضور دانش آموزان، مادران و بانوان در مدرسه. گسترش فرهنگ و سیره فاطمی در جامعه اسلامی، معرفی الگوهای اسلامی و فاطمی برای زنان، تبیین شخصیت حضرت زهرا (س) و اهمیت نقش زنان از مهم‌ترین اهداف برگزاری این جشن باشند. تهیه و نصب اعلامیه (تراکت) و شعار نوشته به مناسبت گرامیداشت ولادت بانوی دو عالم، دخت نبوت، همسر ولایت و مادر امامت حضرت فاطمه زهرا (س)، تزیین و آذین بندی کلاس‌ها و نمازخانه.

- اجرای برنامه‌های متنوع و شاد به مناسبت جشن ولادت حضرت فاطمه زهرا (س) توسط اعضای شورای دانش آموزی و بسیج، مولودی خوانی و... دعوت و تجلیل و تکریم از مادران گرامی دانش آموزان، به ویژه مادران شهدا و زنان تأثیرگذار در اجتماع.

- برگزاری نمایشگاهی از آثار نویسندگان و شعرا در باره حضرت فاطمه (س).

- جمع آوری دل‌نوشته‌های مترجمان برای حاج قاسم سلیمانی.

- برگزاری مسابقه کتاب خوانی در خصوص بصیرت و میثاق با ولایت برای دانش آموزان و والدین.

- برگزاری مسابقه ورزشی مادران و دختران.

- اختصاص تابلویی مختص ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن.

- نصب روزشمار بزرگداشت هفته گرامیداشت مقام زن.

- معرفی القاب و کتیبه‌های حضرت زهرا (س) در مراسم صبحگاه.

- ایجاد فرهنگ دست‌بوسی مادران و مادر بزرگ‌ها.

- برگزاری مسابقه بهترین جمله در وصف مادر.

- برگزاری مسابقه از القاب و کتیبه‌های حضرت زهرا (س).

- برقراری ارتباط بین مدرسه و مسجد و منزل و برگزاری مراسم جشن در مسجد محله با حضور امام جماعت مسجد محل.

- اجرای نمایش دانش آموزی با مفهوم مادر.

- برگزاری اردوی تفریحی مادران و دختران.

- اهدای هدیه‌هایی به رسم یادبود.

- شرکت در تجمعات میثاق با ولایت.

- تبرییک خدمت دانش آموزان و خانواده‌های مسیحی مدرسه، در سالروز میلاد حضرت مسیح (ع) و سال نوی میلادی. *

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به:

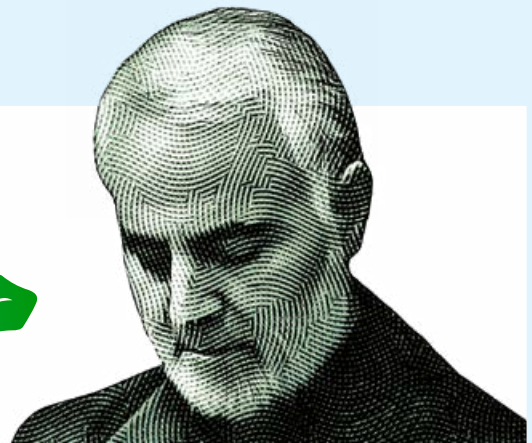
wikishia.net

۲. برای دسترسی به متن کامل وصیت نامه

حاج قاسم رجوع شود به:

www.soleimani.ir

مردمیدان



دانش روز

دکتر زهرا ابوالحسنی

عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فناوری

در طول سالیان گذشته، اهداف اصلی موردنظر در تربیت علمی و فناوریانه، تقویت و به‌روز نگه‌داشتن دانش‌های تخصصی و اطلاعات علمی بوده و توجه به ایجاد مهارت‌های عملی فنی و فناوریانه نیز به تدریج مورد توجه قرار گرفته است. با پررنگ شدن موضوع تولید علم و فناوری در کشور، در سال‌های اخیر، ایجاد شایستگی‌های لازم برای بروز خلاقیت و نوآوری (با تأکید بیشتر بر مهارت‌های کارآفرینی) نیز در سطح نظام آموزش عالی و نظام آموزش و پرورش به دغدغه تبدیل شده است. تحولات ذکر شده در نگاه به اهداف نهایی آموزش و تربیت در ساحت علمی و فناوریانه در حالی است که تمامی این رویکردها از ضعف و خلایبی جدی رنج می‌برند که آن ضعف نگاه جزء نگر به عرصه علم و فناوری و اهداف تربیتی در این ساحت است. جزئی نگر در عرصه علم و فناوری شامل دو بخش اصلی است:

۱. جزئی نگر به عرصه علم و فناوری از نظر نسبت آن با مجموع عرصه‌های پیشرفت؛ ۲. جزئی نگر به اهداف تربیت علمی و فناوریانه در نسبت با سایر اهداف تربیت در ساحت‌های شش‌گانه.

بخش اول آسیب جزئی نگر به عرصه علم و فناوری به شکلی منفک از سایر عرصه‌های پیشرفت (یعنی عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) دیده شود. یعنی به این موضوع توجه نشده است که دنبال کردن پیشرفت علم و فناوری، نه فقط به دلیل ارزش ذاتی علم، بلکه بیش از آن به این جهت است که پیشرفت علمی پایه و سکوی پیشرفت در تمامی عرصه‌های مادی و معنوی است و تربیت ساحت علمی و فناوریانه ضرورتی برای دستیابی به پیشرفت در سایر اهداف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود. توضیح آنکه پیشرفت در عرصه علم و فناوری از یک سو به دلیل تأثیری که بر شکوفایی استعدادها و انسانیت و ارتقای احساس عزت و اعتماد به نفس فردی و ملی دارد، سکویی برای رشد معنوی کشور محسوب می‌شود، و از سوی دیگر به جهت پیشران بودن در شکل‌گیری اقتصاد دانش بنیان و رفاه عمومی، پایه پیشرفت مادی نیز می‌شود.

شکل اول جزئی نگر به عرصه علم و فناوریانه در ساحت علمی و فناوریانه به افق‌های ترسیم شده در عرصه علم و ارزش‌های خاص موردنظر در آن محدود باشد

و اهداف غایی پیشرفت در تربیت موردنظر قرار نگیرند. آسیب ذکر شده را می‌توان به این صورت بسط داد که نگاه موجود از این موضوع مهم غفلت کرده است که در تربیت علمی و فناوریانه، به دنبال پرورش متخصصان، فناوران یا دانشمندانی هستیم که خود را و موضوع فعالیت خود را حلقه‌ای از زنجیره بلند فعالیت‌ها برای پیشرفت کشور می‌دانند. به جایگاه خود به عنوان جزئی مهم از جدول پیشرفت کشور باور دارند و درباره تأثیرگذار بودن کار علمی و تخصصی خود بر پیشرفت نهایی کشور دغدغه‌مندند. بر همین اساس تلاش می‌کنند برنامه‌ریزی و اولویت فعالیت‌های اجتماعی شغلی خود را نه فقط بر اساس معیارهای علمی فنی یا سود اقتصادی، بلکه بر مبنای تأثیر آن بر جلورین اهداف پیشرفت تعیین کنند.

شکل دوم جزئی نگر به عرصه علم و فناوری، که اهمیت بسیار زیادی دارد، ساحت علمی و فناوریانه را به ساحتی بریده از سایر ساحت‌های تربیتی تبدیل کرده است. در این نگاه گویا با اهداف موردنظر در عرصه علم و فناوری با اهداف کلان تربیتی پرورشی موردنظر دانش‌آموزان هیچ نسبتی ندارند؛ نه تأثیری از اهداف موردنظر در پنج ساحت دیگر می‌گیرند و نه تأثیری بر آن‌ها می‌گذارند. این ساحت خودمختار و جدا مانده از تربیت و پرورش در معنای کلی آن است. البته خلأ ذکر شده بیش از آنکه در ذهن نظریه پردازان سند تحول باشد، در اجرا و در دل کلاس‌ها و مدرسه‌ها خود را نشان می‌دهد.

به جهت خلأ ذکر شده، هدف نهایی که به صورت ضمنی در تربیت علمی و فناوریانه دنبال می‌شود، تربیت یک متخصص علمی یا فنی و در نگاه‌های جدیدتر تربیت فناور یا نوآور است. یعنی اگر تعارف‌های تربیتی را کنار بگذاریم، در اکثر موارد، اگر معلمان، مدرسه و حتی نظام آموزش و پرورش بتوانند دانش‌آموزانی با برتری‌های دانشی مهارتی رشد دهند، یا شاخص‌های نخبگی علمی را، به معنی متعارف آن، در برهه‌ای از زمان در سطح ملی ارتقا دهند، در ارزیابی خانواده‌ها، جامعه یا حتی در خود ارزیابی‌ها، موفق قلمداد می‌شوند؛ صرف نظر از اینکه و ویژگی‌های اصلی شخصیتی و هویتی این دانش‌آموزان چگونه است. یعنی:

۱. آیا علاوه بر اعتماد به نفس فردی، روحیه اعتماد به نفس ملی دینی هم دارند؟ و «ما می‌توانیم» را باور دارند؟
۲. آیا علاوه بر آنکه تلاشگری در جهت موفقیت علمی فردی را آموخته‌اند، باور دارند که پیشرفت کشور نیز نیازمند استقامت و کوشش آن‌هاست، و هیچ کشوری در جهان یا هیچ ملتی در طول تاریخ بدون تلاش خستگی‌ناپذیر نخبگان خود و ترسیدن از موانع و محدودیت‌ها به پیشرفت دست نیافته است؟

بخش اول آسیب جزئی نگر به عرصه علم و فناوری به شکلی منفک از سایر عرصه‌های پیشرفت (یعنی عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) دیده شود. یعنی به این موضوع توجه نشده است که دنبال کردن پیشرفت علم و فناوری، نه فقط به دلیل ارزش ذاتی علم، بلکه بیش از آن به این جهت است که پیشرفت علمی پایه و سکوی پیشرفت در تمامی عرصه‌های مادی و معنوی است و تربیت ساحت علمی و فناوریانه ضرورتی برای دستیابی به پیشرفت در سایر اهداف فرهنگی، اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شود.



عکاس: مریم نضی سلطانی

دارا بودن روحیه اعتماد به نفس فردی ملی برای خلق آن رؤیا، تلاش و پشتکار برای رسیدن به آینده ترسیم شده، نهراسیدن از موانع و خستگی ناپذیری در برابر دشواری‌ها. محوری بودن پرورش شخصیت علمی پیش رو از آن روست که وجود آن در دانش آموزان، کسب هر دانش یا مهارتی را، با توجه دسترسی های اطلاعاتی آموزشی امروز، برای پیگیری اهداف پیشرفت بسیار آسان می کند. از طرف دیگر، شایستگی های علمی تخصصی فرد را در خدمت منافع پیشرفت کشور قرار می دهد. در حالی که آموزش دانش ها و مهارت های گوناگون بدون پرورش چنین شخصیتی زمینه ساز تربیت نخبه ای خواهد بود که در مواجهه با مشکلات جامعه، به جای تقویت عزم و تلاش خود، دچار احساس یأس می شود یا به واسطه روحیه بی مسئولیتی نسبت به جامعه، مسیر رشد شخصی خود را دنبال می کند.

مطالب قبل مقدمه ای بود برای طرح مجموعه ای از مباحث درباره تبیین شخصیت علمی پیش رو، اهداف تفصیلی تربیت چنین شخصیتی، و معرفی رویکردها، روش های تربیت یا تجربه هایی که تاکنون برای پرورش شخصیت علمی به کار گرفته شده اند. سرفصل های ذکر شده مهم ترین مواردی هستند که ان شاء الله در شماره های بعدی به تدریج به آن ها پرداخته خواهد شد. ✨



اگر تعارف های تربیتی را کنار بگذاریم، در اکثر موارد، اگر معلمان، مدرسه و حتی نظام آموزش و پرورش بتوانند دانش آموزانی با برتری های دانشی مهارتی رشد دهند، یا شاخص های نخبگی علمی را، به معنی متعارف آن، در برهه ای از زمان در سطح ملی ارتقا دهند، در ارزشیابی خانواده ها، جامعه یا حتی در خودارزیابی ها، موفق قلمداد می شوند؛ صرف نظر از اینکه ویژگی های اصلی شخصیتی و هویتی این دانش آموزان چگونه است

۳. جایگاه احساس مسئولیت نسبت به پیشرفت کشور، علاوه بر تعهد نسبت به رشد شخصی، در نگاه این دانش آموزان چیست؟ آیا کشور و ملت خود را مانند مادری می دانند که زمینه شکوفایی او را فراهم کرده است و بنابراین آن ها هم وظایف متقابلی برای ساختن آن به عهده دارند؟

۴. تا چه اندازه عزم و همت بلند و میل به خیر فراگیر را در دانش آموزان خود گسترش داده ایم؟ آیا بلندترین رؤیای دانش آموزانمان نشستن در کرسی استادی دانشگاهی برتر در سطح دنیا، یا تبدیل شدن به دانشمندی برتر در شرکتی چندملیتی است؟ دانش آموزان ما چه مأموریت ملی ای برای خود قائل هستند و کمک به پیشرفت و بهتر شدن زندگی توده های مردم در رؤیای آینده آن ها چه جایگاهی دارد؟

۵. آیا نهال امید به رؤیای آینده پیشرفت کشور در ذهن و قلب این دانش آموزان غرس شده است؟ امیدی که ریشه در باور به قطعی بودن ثمردهی تلاش های خود و اتکای به نصرت خداوند دارد.

۶. روحیه تفکر مستقل و آزاداندیشی در او تربیت شده است تا بتواند به دور از تحجر یا ساختارشکنی، از ایده ها و اندیشه های ناب و نو استقبال کند؟ خلاهای ذکر شده در تربیت ساحت علمی و فناورانه را می توان به صورت چکیده با عبارت «ضعف توجه به پرورش شخصیت علمی پیش رو» توصیف کرد. این در حالی است که پرورش شخصیت علمی پیش رو، مهم ترین و پایه ای ترین هدف در مجموعه اهداف تربیتی ساحت علمی و فناورانه است و به معنی رشد و تقویت شخصیت پایه دانش آموزان، به گونه ای است که در به کارگیری و خلق دانش، فناوری و نوآوری در جهت پیشرفت کشور خود پیش گام باشند. مهم ترین ویژگی های شخصیت علمی شامل این موارد هستند: توانایی ترسیم افق های بسیار بلند برای پیشرفت فردی و ملی، درهم تنیده دیدن رشد خود با پیشرفت کشور، امیدواری به رؤیای ایران آینده،

در قسمت‌های قبل هوش مصنوعی را از ابعاد گوناگون شرح دادیم. همچنین اشاره شد، اگر فرایند آموزش و یادگیری را دارای ابعاد یا مراحل و گام‌هایی در نظر بگیریم که در کلاس درس صورت می‌گیرند، هوش مصنوعی در هریک از آنها می‌تواند تأثیر خاص خود را داشته باشد. طرح درس، تولید محتوای الکترونیکی و سنجش و ارزشیابی مواردی بودند که در دو شماره قبل تشریح شدند. در قسمت آخر کاربرد هوش مصنوعی در سایر فرایندهای آموزشی را شرح می‌دهیم.



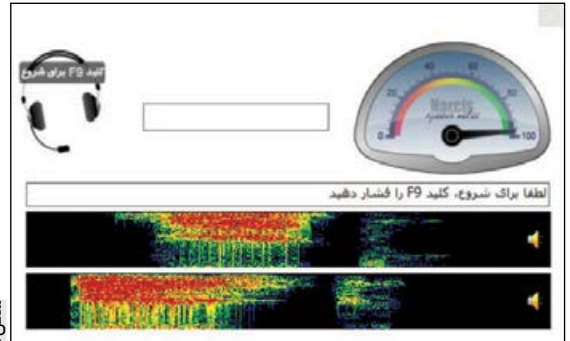
آینده آموزش

به افق

(قسمت آخر)

هوش مصنوعی

از کارهای دیگری که هوش مصنوعی می‌تواند در کلاس درس انجام دهد، می‌توان فهرست‌وار به چند مورد اشاره کرد که برخی را توضیح می‌دهیم: سامانه‌های آموزشی هوشمند پرسشگرهای خودکار؛ تدریس خصوصی مبتنی بر گفت‌وگو؛ برنامه‌های کاربردی یادگیری زبان از جمله تشخیص تلفظ که نمونه آن را در شکل ۱ مربوط به برنامه نارسیس مشاهده می‌کنید. این برنامه هوشمند میزان تلفظ صحیح کلمه Book را حدود ۹۷ درصد تشخیص داده است.



شکل ۱

همچنین، ایجاد محیط‌های یادگیری اکتشافی و مشارکتی، پشتیبانی از یادگیرنده، یادگیری از طریق ربات‌های گفت‌وگو، حمایت از معلم، حمایت از دانش‌آموز، حمایت از سامانه؛ تشخیص مشکلات یادگیری مانند نارساخوانی؛ ابزار تحقیق یادگیری؛ تولید آزمون‌های خودکار و نمره‌گذاری خودکار؛ ارائه منابع آموزشی؛ تشخیص سرعت ادبی در پژوهش‌ها؛ توجه و تشخیص احساسات دانش‌آموز. در این مورد می‌توان به سامانه‌های حساس به عاطفه اشاره کرد. این سامانه‌ها با بهره‌گیری از هوش مصنوعی به شناسایی چهره و متعاقب آن تشخیص حالت عاطفی یادگیرنده اقدام می‌کنند و با این عمل بر تعامل و کارایی می‌افزایند. در توضیح مختصر این سامانه‌ها باید اشاره کرد، سه گام روش‌های شناسایی حالت چهره وجود دارد: گام اول تعیین حالت‌هایی از چهره که باید شناسایی شوند، مثل شادی، ناراحتی، هیجان، ترس، عصبانیت یا حالت طبیعی؛ گام دوم استخراج خصیصه برای شناسایی هر حالت. برای نمونه، در حالت شادی وضعیت ابروها و لب‌ها که از طریق فرمول‌های پیچیده ریاضی تعیین می‌شود؛ گام سوم طراحی شیوه‌دسته‌بندی خصیصه که مجموعه‌ای از فرمول نقاط و خطوط مربوط به هر حالت چهره را تعیین می‌کند.

برای شناسایی حالت چهره از میزان باز شدن دهان در حالت‌های گوناگون، میزان انحنای ابروها و لب‌ها در زمان غم و شادی، خستگی یا هیجان استفاده می‌شود. در این سامانه، نخست از حالت‌های متفاوت فرد تصویرهای متعدد گرفته و در سامانه رایانه‌ای ضبط و تحلیل می‌شود. به عبارت دیگر، تمام حالت‌ها به مختصات ریاضی نقطه و خط تبدیل

می‌شوند. زمانی که یادگیرنده با سامانه رایانه‌ای خود در حال تعامل و یادگیری است، دوربین از حالت‌های گوناگون چهره‌وی تصویربرداری می‌کند و آن‌ها را با حالت‌های قبلی ضبط‌شده انطباق می‌دهد. برای مثال، زمانی که یادگیرنده از یادگیری یک مطلب خوش حال می‌شود، تصویر در یافت‌شده از دوربین با تصویرهای موجود ضبط‌شده قبلی انطباق داده می‌شود و سامانه تشخیص می‌دهد که وی خوش حال بوده است. یعنی مطلب را یادگرفته است. سپس به صورت هوشمند، در ادامه، محتوایی در سطح بالاتر ارائه می‌دهد. یا اگر سامانه تشخیص دهد که یادگیرنده از حل یک تمرین ناراحت شده و نگران است، مطالب را تکرار یا سطح تمرین‌ها را آسان‌تر انتخاب می‌کند.

همچنین، هوش مصنوعی به‌طور بالقوه می‌تواند بر آموزش با نیازهای ویژه تأثیر قابل توجهی داشته باشد. برای مثال، در یکی از این سامانه‌های تولیدشده، حرکت‌های چشم کودک در حین خواندن اسکن می‌شود و مدل هوش مصنوعی سامانه می‌تواند با دقت بالا تشخیص دهد که آیا کودک از نارساخوانی رنج می‌برد یا خیر؟ با بررسی پژوهش‌ها و توانایی‌های هوش مصنوعی، در مجموع تعداد کاربردهای آن را در آموزش و یادگیری می‌توان در چهار بخش بیان کرد:

۱. سامانه‌های تطبیقی و شخصی‌سازی (تدریس متناسب با پیشرفت یادگیرنده، توصیه محتوای شخصی‌شده، حمایت از معلمان و طراحی یادگیری، نظارت و راهنمایی دانش‌آموزان، نمایش دانش در نقشه‌های مفهومی). به دلیل پیشرفت‌های سریع در توسعه فناوری‌های آموزشی جدید، دانش‌آموزانی که از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند، قادر خواهند بود یادگیری خود را مطابق نیازهای خود سفارشی کنند. هوش مصنوعی با تمرکز بر سبک یادگیری فردی هر دانش‌آموز، برنامه آن‌ها را تنظیم و از آن پشتیبانی می‌کند. این برنامه آنچه را دانش‌آموز آموخته است شناسایی و موضوعاتی را که بر آن‌ها مسلط نشده است، دوباره ارائه می‌دهد تا در پیشرفت تحصیلی به یادگیرنده کمک کند. در اصل این برنامه روشی را ایجاد می‌کند که با نیازهای جدید دانش‌آموز قابل انطباق باشد.

۲. سنجش و ارزشیابی (نمره‌گذاری خودکار، بازخورد، ارزیابی درک دانش‌آموزان، مشارکت و یکپارچگی تحصیلی، ارزیابی تدریس).

سامانه‌های حساس به عاطفه با بهره‌گیری از هوش مصنوعی به شناسایی چهره و متعاقب آن تشخیص حالت عاطفی یادگیرنده اقدام می‌کنند و با این عمل بر تعامل و کارایی می‌افزایند

دکتر حامد عباسی
مدرس کاربرد فناوری در آموزش و تولید محتوای الکترونیکی

حمیده عباسی
دبیر و کارشناس ارشد فیزیک



۳. نمایه‌سازی و پیش‌بینی (تصمیمات مربوط به پذیرش و برنامه‌ریزی دوره، ترک تحصیل و حفظ تحصیل، ارائه مدل‌های پیشرفت تحصیلی).
۴. سامانه‌های آموزشی هوشمند (تدریس محتوای دوره، تشخیص نقاط قوت یا شکاف در دانش دانش‌آموزان و بازخورد خودکار، نظارت بر مواد آموزشی و تسهیل همکاری بین دانش‌آموزان).

اگر راه‌حل‌های آموزشی مبتنی بر هوش مصنوعی به‌طور گسترده در دسترس قرار گیرند، استفاده از آن‌ها برای کمک به مربیان در کلاس زمان می‌برد. در حال حاضر، آنچه می‌توانیم بگوییم این است که در عملیات آموزشی، هوش مصنوعی یک اصلاح‌کننده، تسهیل‌کننده و همچنین یک نظام پشتیبان است. یکی از دلایل اینکه هوش مصنوعی تا امروز نتوانسته است خواسته‌های آرمانی را تحقق بخشد، کندتر بودن گسترش آن در زمینه‌های کاربردی جدید مانند آموزش است.

برخی معتقدند، هوش مصنوعی و پیشرفت‌های فناوری مرتبط با آن جایگزین برخی از حرفه‌ها خواهد شد، برخی از حرفه‌ها را به طرز چشمگیری تغییر خواهد داد و تعداد قابل توجهی حرفه جدید ایجاد خواهد کرد. نمونه‌هایی از ربات‌های معلم در جهان به تدریس مشغول هستند. در حال حاضر بحث‌هایی وجود دارند که می‌پرسند آیا هوش مصنوعی واقعاً می‌تواند جایگزین معلمان شود یا خیر (Gocen & Aydemir, 2021).

صحبت در مورد استخدام معلمان در آینده و تحولات آموزش و پرورش، بر خلاف تصور عمومی، قابل توجه خواهد بود، زیرا مربیان به تدریج کنار گذاشته می‌شوند و با مدل‌های رایانه‌ای جایگزین خواهند شد (Alam, 2021). پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۵ حدود ۵۰ درصد از تمام سامانه‌های مدیریت یادگیری (LMS)، قابلیت‌های هوش مصنوعی را در خود جای دهند. همان‌طور که اشاره شد، ربات‌های معلم مبتنی بر هوش مصنوعی ممکن است در نهایت جایگزین معلمان واقعی شوند (Mertala, Fagerlund & Calderon, 2022).

اما در مورد حذف نقش معلم در تدریس نمی‌توان دقیق و قطعی صحبت کرد. با مراجعه به تعریف‌ها و مفهومی هوش مصنوعی در مقابل هوش انسانی باید اذعان کرد، غایت و آرمان هوش مصنوعی برابری با هوش انسانی و حتی تفوق آن بر هوش انسانی است. موازی‌سازی هوش مصنوعی با مغز انسان این نکته را در مورد مفاهیم نحوه عملکرد هوش مصنوعی تداعی می‌کند که هوش مصنوعی مشابه مغز عمل می‌کند. از آنجا که معلم با فکر و اندیشه خود، افکار، گفتار و کردار دانش‌آموزان را در موقعیت‌های گوناگون می‌سنجد و بر اساس آن‌ها پاسخ لازم را می‌دهد و تدریس خود را آغاز می‌کند و سرمنشأ این رفتار طراحی آموزشی و پایان آن بازخورد لازم برای هر جلسه آموزشی است، کار متناسب با شرایط پیش می‌رود.

اگر روزی هوش مصنوعی توانست همچون انسان رفتار کند، روان‌شناسی یادگیری بدانند، طراحی آموزشی انجام دهد، تولید محتوا کند، فنون و راهبردهای تدریس و

همچنین، هوش مصنوعی دانش‌آموزان را قادر می‌سازد استعداد‌های خود را کشف کنند، خلاقیت خود را بهبود بخشند و از بار کاری معلمان بکاهند. تولید نرم‌افزارهای فناوری پیشرفته، ساخت ربات دستیار و ربات معلم، ایجاد کلاس‌های هوشمند واقعی در مدرسه، ایجاد شبیه‌سازی برای آموزش و درس، ایجاد سامانه‌های تولید ماجرا (سناریو) و مطالعه موردی، ایجاد سامانه‌های تحلیل علاقه، توانایی و نیاز، ایجاد سامانه تشخیص نتیجه یادگیری برای تعیین سطوح دانش‌آموزان، ایجاد سامانه تجزیه و تحلیل توجه و حواس پرتی، تشخیص موفقیت تحصیلی و سامانه پیشنهاد بهبود، ایجاد سامانه‌های یادگیری در محیط‌های ابری و محیط‌های یادگیری مجازی، ایجاد سامانه و پرورش برنامه‌دروسی و تولید برنامه‌هایی که الگوهای یادگیری دانش‌آموزان را درک و گزارش می‌کنند، از جمله کاربردهای هوش مصنوعی در مدرسه خواهند بود.

بحث دیگر در رابطه با هوش مصنوعی این است که نتایج یادگیری به فناوری بستگی ندارند، بلکه به این بستگی دارند که معلمان چگونه می‌توانند از فناوری به روش‌های معنادار آموزشی استفاده کنند. بنابراین، رویکرد مناسب در این زمینه، طراحی مشترک کاربردهای فناوری با معلمان است. در این طرح، معلمان آگاه از هوش مصنوعی و توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی آگاه به تدریس و مهارت‌های معلمی، به‌طور مشترک به کاربرد فناوری هوش مصنوعی در آموزش اقدام می‌کنند. مدل اولیه این طرح در سطح اتحادیه اروپا اجرا شد؛ به این ترتیب که یک کتابچه راهنمای هوش مصنوعی را تولید کرد و به معلمان و توسعه‌دهندگان آموزش کمک کرد هوش مصنوعی را به روش‌های مناسب در کلاس مستقر و استفاده کنند.

هوش مصنوعی در آینده قادر است بسیاری از کارهای مدیریتی و اداری مربوط به آموزش را انجام دهد؛ از حضور و غیاب دانش‌آموزان از طریق تشخیص چهره و ارسال پیام به والدین، تا کارهای مربوط به ثبت نام، صدور انواع گواهی نامه، تشکیل پرونده‌های الکترونیکی، ثبت نمرات، صدور کارنامه، تحلیل نتایج آزمون و بسیاری از کارهای روزمره که در مدرسه صورت می‌گیرند. البته برخی از این امور امروزه در حال انجام هستند و در آینده کامل‌تر خواهند شد.

سامانه‌های آموزش با هوش مصنوعی حداقل از دو طریق فرایند آموزشی (کمک و اصلاحات در آموزش و عملکرد معمول مربی) و دامنه و محتوای آموزشی به ما کمک می‌کنند. امروزه سامانه‌های هوش مصنوعی با جمع‌آوری دیدگاه‌های دانش‌آموزان و مربیان در مورد فرایند یادگیری در طول یک برنامه آموزشی طولانی، قادرند به دانش‌آموزان و معلمان بازخورد ارزشمند بدهند. علاوه بر این، از داده‌ها برای بهبود تجربه کاربری استفاده می‌شود و مقدار زمانی که افراد صرف درگیر شدن با آن می‌کنند، سنجیده می‌شود. اما در وضعیت کنونی، حتی

* مدیریت امور اداری

* تدریس

**ممکن است
چند سال طول
بکشد تا هوش
ماشین‌ها از
هوش انسان‌ها
پیشی بگیرد،
اما در اثر این
پیشرفت،
ماشین‌های
هوشمند
می‌توانند مانند
انسان‌ها یاد
بگیرند، مانند
انسان‌ها عمل
کنند و مانند
انسان‌ها فکر
کنند**

ارزشیابی را به کار گیرد و در یک کلام شبیه معلم باشد، بعید نیست به صورت یک ربات معلم جایگزین معلم واقعی در کلاس شود. این به شرطی است که به طور واقعی از لحاظ عملکرد، گفتار، ظاهر و سایر ابعاد انسانی همانند انسان رفتار کند. شاید بتوان گفت، با پیشرفتی که هوش مصنوعی و ربات‌ها در سال‌های اخیر داشتند، تحقق این ایده دور از انتظار نیست. اما ممکن است خطرات و مشکلاتی نیز به همراه داشته باشد. تصور اینکه روزی ربات‌ها روی زمین جای معلمان، پزشکان، رانندگان و کارگران را بگیرند، بعید نیست. اما نقش انسان‌ها چه خواهد شد؟ آیا هوش مصنوعی در آینده رفیق انسان می‌شود یا رقیب او؟ آیا انسان به دست خود، خود را به سمت نابودی می‌برد یا به سمت بهبودی؟ شاید الان این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال مشابه دیگر بری پاسخ بمانند، اما زمان برای آن‌ها پاسخ تعیین خواهد کرد.

اما اگر ربات‌ها در تدریس به کار گرفته شوند، می‌توانیم برای برجسته‌بودن آن‌ها چهار نکته را در نظر بگیریم. اولین مورد این است که یک ربات به مفهوم انتزاعی هوش مصنوعی شکل مشخصی می‌دهد و مضمون‌های بسیاری از جمله خودمختاری، انسان‌گرایی و ارائه کمک را شامل می‌شود که می‌تواند به جایگزینی انسان منجر شوند. دوم، ربات‌ها و هوش مصنوعی هر دو چیزی هستند که برنامه‌ریزی شده‌اند. به عبارت دیگر، ربات‌ها مثالی عملی از فناوری برنامهریزی شده ارائه می‌دهند که هوش مصنوعی را به کار می‌گیرد. برنامه‌های درسی نمونه‌ای از فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده‌اند که پیش‌بینی می‌شود ربات‌ها تا حدی از عهده اجرای آن‌ها برآیند. نکته سوم این است که تصورات یادگیرندگان در مورد هوش مصنوعی و ربات‌ها شباهت‌های زیادی دارد، زیرا تصورات شبیه‌سازی انسان به هر دو مربوط می‌شود و اگر این دو فناوری بتوانند انسان را شبیه‌سازی کنند، معلم را نیز شبیه‌سازی خواهند کرد. در نهایت، هم ربات‌ها و هم هوش مصنوعی به طور معمول به عنوان جایگزین نیروی انسانی و ارائه‌دهنده کمک معرفی می‌شوند (پیشین). اما تصور اینکه تعلیم و تربیت فرزندان خود را به یک ربات هوشمند برنامه‌ریزی شده بسپاریم، از یک سو مسرت‌بخش و از سوی دیگر اندوهناک است. مسرت به خاطر پیشرفت بشر و توسعه تعلیم و تربیت، و اندوه از ماشینی شدن زندگی بشری که نگرانی‌های خاص خود را دارد. با وجود این، ربات معلم چیزی است که تحقق یافته است. در شکل ۲ یک ربات معلم را در حال تدریس فیزیک حرارتی در مدرسه بین‌المللی ایندوس بنگلور واقع در جنوب هند مشاهده می‌کنید.



شکل ۲

اخلاق در هوش مصنوعی آموزشی: در وضعیت کنونی هوش مصنوعی تهدیدی برای بشریت نیست. یکی از چالش‌های اخلاقی که غالباً در هوش مصنوعی مورد بحث قرار می‌گیرد، سوگیری است. لازم به ذکر است، سامانه‌های هوش مصنوعی مبتنی بر داده‌ها، نظام‌هایی هستند که سوگیری‌هایی دارند که در داده‌ها استفاده شده‌اند. بنابراین، سؤال این است که سوگیری‌های اجتماعی و فرهنگی قابل قبول چه هستند؟ و چگونه باید در توسعه، استقرار و استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی در نظر گرفته شوند؟ هر چند امروزه تلاش شده است این مباحث بین سازندگان کم‌رنگ شوند و بسیاری از مسائل اخلاقی را حل کنند، اما هنوز جای اصول و منشورهای اخلاقی برای بهره‌برداران خالی است. منابع سوگیری غیر قابل قبول در سامانه‌های هوش مصنوعی مبتنی بر داده، شامل تعصب روی مدل، داده‌های آموزشی نامتعادل، تعصب جنسیتی، تعصب سیستم، خطای اندازه‌گیری، امتیازدهی به افراد در زمینه‌های نامناسب، برای مثال کنترل عقیده و تعامل اجتماعی، طبقه‌بندی ضمنی در تبدیل دانش، تعصب فرهنگی، شکاف هوش مصنوعی (همانند شکاف دیجیتال) و دسترسی نابرابر به دانش و فناوری، استفاده نادرست، سرقت ادبی و سوء استفاده از قابلیت‌های این فناوری هستند.

* خلاصه و نتیجه‌گیری

بررسی پژوهش‌های مربوط به هوش مصنوعی آموزشی نشان می‌دهد، کاربردهای متحول‌کننده واقعی آن هنوز در مراحل ابتدایی خود هستند. با وجود اینکه مشخص شد دانش‌آموزانی که از فناوری در فضاهای آموزشی خود استفاده می‌کنند، به لحاظ تحصیلی از هم‌سالان خود فراتر می‌روند، اما مزایای این فناوری در آموزش غالباً دست کم گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد، معلمان بیش از کمبود مواد آموزشی و تجهیزات آموزشی، نگران حمایت نشدن از ابزارهای آموزشی و یادگیری دانش‌آموزان خود هستند. این گونه نگرانی‌ها باید رفع شوند تا هوش مصنوعی بتواند به طور کامل و مؤثر در کلاس درس به کار گرفته شود.

کلام آخر اینکه، ممکن است چند سال طول بکشد تا هوش ماشین‌ها از هوش انسان‌ها پیشی بگیرد، اما در اثر این پیشرفت، ماشین‌های هوشمند می‌توانند مانند انسان‌ها یاد بگیرند، مانند انسان‌ها عمل کنند و مانند انسان‌ها فکر کنند. آن‌ها می‌توانند ما را از کارهای روزمره و خسته‌کننده رها کنند و به ما امکان بدهند روی کارهای خلاقانه‌تری تمرکز کنیم که برای زندگی ما ارزش بیشتری دارند. بنابراین، تغییرات قابل توجهی در افق پیش‌روی ما قرار دارند. اما آنچه ما می‌بینیم، فقط نوک یک کوه یخی است. *

منابع

1. Alam, A. (2021, November). Possibilities and apprehensions in the landscape of artificial intelligence in education. In 2021 International Conference on Computational Intelligence and Computing Applications (ICCICA) (pp. 1-8). IEEE. DOI: 10.1109/ICCICA52458.2021.9697272
2. Gocen, A., & Aydemir, F. (2021). Artificial intelligence in education and schools. Research on Education and Media, 12(1), 13-21.
3. Koski, O., & Husso, K. (eds.). (2018). Work in the age of artificial intelligence: Four perspectives on the economy, employment, skills and ethics. Helsinki: Ministry of Economic Affairs and Employment.
4. Mertala, P., Fagerlund, J., & Calderon, O. (2022). Finnish 5th and 6th grade students' pre-instructional conceptions of artificial intelligence (AI) and their implications for AI literacy education. Computers and Education: Artificial Intelligence, 3, 100095. <https://doi.org/10.1016/j.caeai.2022.100095>
5. Neha, K. (2020). Role of Artificial Intelligence in Education. Alochana Chakra Journal, 9(9): 305-309.
6. Vartiainen, H., & Tedre, M. (2023). Using artificial intelligence in craft education: crafting with text-to-image generative models. Digital Creativity, 34(1), 1-21.

هنگامی که سخن از تربیت اقتصادی به میان می‌آید، مفاهیمی چون آموزش سواد اقتصادی و کسب شایستگی‌های اقتصادی به ذهن می‌رسند. این مفاهیم با انتخاب رویکرد مناسب برای تدریس هویت می‌یابند. پرسش اینجاست که رویکرد مناسب برای آموزش اثر بخش سواد اقتصادی و نیل به شایستگی‌های تربیت اقتصادی چیست؟ این نوشتار در صدد است آموزش کل نگر (هولستیک^۱) را به عنوان پاسخی برای این پرسش معرفی کند.

آموزش کل نگر رویکردی است که به تمام جنبه‌های تربیت فردی شامل اجتماعی، زیستی، اخلاقی، علمی، هنری و اقتصادی توجه می‌کند. این رویکرد معتقد است، هر فرد یک کل منحصر به فرد است و مهارت‌ها نباید منفک یا مجزا به او آموزش داده شوند. فرد از طریق ارتباط با جامعه، دنیای طبیعی و ارزش‌های معنوی مانند شفقت و صلح، هویت، معنا و هدف زندگی را درمی‌یابد.

با تاسی به جمله «هنر باید واقعیت را شگفت زده کند!» از فرانسواز ساگان^۲، نماینده‌نامه نویس فرانسوی، هر نوع تدریسی که باعث ایجاد حس شگفتی شود، به واقع عملی هنر مندانه است. مونتسوری در تشریح اصطلاح «آموزش کیهانی^۳» خود می‌گوید: به دانش آموز کمک کنید احساس کند بخشی از تمامیت جهان است و یادگیری به‌طور طبیعی مسحورکننده است. کسانی مانند پستالوزی، رالف امرسون^۴ (بنیان‌گذار مکتب تعالی‌گرایی^۵)، جان دیویی^۶ (از پیشگامان عمل‌گرایی^۷)، ژان ژاک روسو^۸، فردریک فروبل^۹ (پایه‌گذار نخستین مهدکودک جهان)، رودولف اشتاینر^{۱۰} (بنیان‌گذار آموزش والدورف)، آبراهام مازلو^{۱۱} و کارل راجرز^{۱۲} (روان‌شناس انسان‌گرا)، معتقد بودند آموزش و پرورش هنر پروراندن کل وجودی یعنی همه ابعاد جسمی، روان‌شناختی، عاطفی، اخلاقی و معنوی یادگیرندگان است؛ آنچه در سند تحول بنیادین و برنامه‌درسی ملی تربیت تمام‌ساحتی نامیده می‌شود. در نگاه کل نگر، معلمان با ترویج فرهنگ همکاری به جای رقابت، استفاده از تجربه‌های واقعی زندگی، هنرهای نمایشی، تشویق به تأمل و پرسشگری به جای حفظ کردن واقعیت‌های علمی، در واقع تلاش می‌کنند چنین رویکردی را پیش گیرند و لذت کاویدن و یادگیری زندگی مادام‌العمر را نهادینه کنند. این مداخلات^{۱۳} آموزشی تربیتی به حق، معلمی تمام‌ساحتی و کل نگرانه را یک کنش هنری می‌سازد.

هدف آموزش کل نگر برانگیختن شور و احترام به زندگی و عشق به یادگیری است. این کار نه از طریق یک «برنامه‌درسی» بلکه چسبانی شده (کولاژگونه) که جهان را در بسته‌های آموزشی مفید می‌کند، بلکه از طریق تعامل مستقیم با محیط تحققی می‌یابد. روش تدریس کل نگر، به جای توجه انفکاک‌ی به توانایی‌ها و استعدادها، به دنبال یکپارچه‌سازی و ادغام لایه‌های متعدد شناخت و تجربه (دانش و مهارت) در فرد است. در این نگاه، هر دانش‌آموز فراتر از یک شاغل بالقوه در آینده است و غایت او بدل شدن به یکی از چرخ‌دنده‌های ماشین اقتصاد جامعه نیست. هوش و توانایی‌های افراد بسیار پیچیده‌تر از آن تلقی می‌شود که در قالب نمره‌های آزمون‌های استاندارد به دست آید و بتوان با معدل‌گیری آن‌ها درباره‌ی توانایی افراد قضاوت کرد.

محسن کیالاشکی
دانشجوی دکترای
مطالعات برنامه‌درسی

سواد اقتصادی آموزش راهی برای تربیت کل نظر.

راهی برای

تربیت کل نظر.

هنر آموزش کل نگر در پاسخ‌گویی به سبک‌های متنوع یادگیری و نیازهای انسان‌های در حال تکامل نهفته است. در این عمل هنرمندانه، روشی به‌عنوان بهترین راه برای دستیابی به هدف وجود ندارد؛ مسیرهای یادگیری بسیارند و مربی کل نگر برای همه آن‌ها ارزش قائل است. آنچه برای برخی از دانش‌آموزان، با توجه به موقعیت‌ها و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مناسب است، ممکن است برای برخی دیگر مناسب نباشد.

همان‌طور که اشاره شد، این نوشتار نه در صدد معرفی یکتا، بلکه به دنبال معرفی چارچوب و اقتضانات کل نگر برای آموزش تربیت اقتصادی است. از این رو، در پایان به برخی بایستگی‌های این روش اشاره می‌شود:

۱. کل‌نگری باید در معلم تجلی یابد و برای یادگیرنده نیز محرز شود. یعنی معلم به واسطه تجربه‌های پیشین، زمینه تخصصی و گسترش دامنه‌علاقه‌ها، نگاهی وسیع‌تر از موضوع درسی داشته و به تجربه‌هایی حاکی از مواجهه عملی و کار بست موضوع در ابعاد گوناگون دست یافته

باشد. به بیان ساده، یادگیرندگان معلم را به‌عنوان خبیره کل نگر قبول داشته باشند.

۲. فرایند تدریس، اعم از موضوع، روش و مشوق‌های آموزشی، جزء نگر نباشد. یعنی یادگیرندگان به صرف کسب مهارت‌های خاص تشویق نشوند و اجرای برنامه درسی تنها غربالگر شایستگی‌های خاص در یادگیرندگان نباشد. به بیان دیگر، اگرچه در فرایند تدریس ارزشیابی هر موضوعی، اصلی‌ترین بخشش به احراز شایستگی‌های مرتبط اختصاص دارد، اما باید به دیگر توانایی‌ها و شایستگی‌ها سهمی اختصاص داد.

۳. موضوعات درسی تا حد اکثر ممکن تلفیق شوند. چرا که چالش‌های زندگی دسته‌بندی شده و تفکیکی بر انسان عارض نمی‌شوند و مهارت زندگی، مهارت اتخاذ تصمیم‌های درست در موقعیت‌های پیچیده است و کل‌نگری از ضروریات اتخاذ تصمیم‌های درست است؛ حتی در موضوعاتی که به نظر تک‌بعدی هستند، مانند موضوعات اقتصادی. ❁

پی‌نوشت‌ها

1. Holistic Education
2. Françoise Sagan
3. cosmic education
4. Ralph Waldo Emerson
5. Transcendentalism
6. John Dewey
7. Pragmatism
8. Jean-Jacques Rousseau
9. Friedrich Fr bel
10. Rudolf Steiner
11. Abraham (Harold) Maslow
12. Carl Rogers
13. Interventions



* مقدمه

هرچه زمان می‌گذرد، برداشته شدن تهدید استفاده خصمانه از عوامل زیستی یا محصولات آنها، چه به شکل جنگ زیستی و چه به شکل بوم وحشت افکنی (بیوتروریسم)، افزوده می‌شود. وحشتی که پخش و انتشار یک بیماری عفونی در جامعه ایجاد می‌کند، به مراتب بیشتر از انفجار ناشی از جنگ افزارهای دیگر است. از آنجا که نمای همه‌گیری شناختی در این موارد تقریباً از الگوی خاصی پیروی می‌کند، توجه به ابعاد همه‌گیرشناسی (اپیدمیولوژیک) در تشخیص سریع و دقیق عامل با عوامل به کار گرفته شده بسیار اساسی است. آموزش اصول و مبانی همه‌گیرشناسی عوامل و بیماری‌های حاصله به دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت باید در اولویت قرار گیرد.

* بررسی‌های همه‌گیرشناسی

به‌طور کلی، اصول برخورد و مقابله با همه‌گیری‌های عمدی، با همه‌گیری‌های طبیعی تفاوتی ندارد. این دو مشترکات زیادی با هم دارند. اصل اولیه هرگونه نظام دفاعی بوم‌وحشت افکن (بیوتروریسم)، آمادگی است. مهم‌ترین عنصر آمادگی حفظ هوشیاری و برقراری سازوکار هشداردهنده است. اولین قدم در ایجاد چنین نظامی، جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل حوادث حیاتی است که به‌طور روزمره در میان ساکنان یک شهر یا منطقه اتفاق می‌افتند. استفاده صحیح از یافته‌ها می‌تواند همه‌گیری را تأیید یا رد کند.

* تشخیص افتراقی

هر همه‌گیری از یک بیماری، اعم از بزرگ یا کوچک، باید از نظر حمله بالقوه با عوامل زیستی مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. یک نگاه به وقایع اطراف همه‌گیری و بررسی هر پدیده غیرعادی مرتبط با همه‌گیری بیماری، برای تعیین غیر معمول بودن پدیده کفایت می‌کند. از آنجا که بروز همه‌گیری از بیماری می‌تواند از آلودگی عمدی ناشی شود، در ابتدا باید تشخیص‌های افتراقی همه‌گیری مدنظر قرار گیرند. احتمالات ممکن در پی هر همه‌گیری شامل موارد زیرند:

۱. همه‌گیری معمول از یک بیماری بومی (آندمی) شایع؛
۲. همه‌گیری خودبه‌خودی از یک بیماری نوظهور یا دوباره ظهور یافته؛
۳. واقعه آزمایشگاهی (مشابه حادثه‌ای که در یکی از شهرهای شوروی سابق، از رهاشدن هاگ‌های (اسپورهای) میلیزه (باسیلوس) از یک مرکز تحقیقاتی رخ داد)؛
۴. حمله عمدی با عامل زیستی.

در این شرایط، به‌منظور افتراق این احتمالات، ابزارهای همه‌گیرشناسی بسیار کمک‌کننده خواهند بود. اولین قدم، استفاده از نتایج آزمایشگاهی و یافته‌های بالینی، به‌منظور تأیید رخداد همه‌گیری بیماری است. برای تعیین شمار موارد و میزان حمله باید «تعریف مورد» صورت گیرد. تعریف مورد بر اساس معیارهای عینی صورت می‌گیرد.

* راه‌های انتشار عوامل زیستی

• هوا: برخی از عوامل زیستی مانند ویروس‌ها و باکتری‌ها می‌توانند از طریق انتشار دهنده‌های هوایی (نظیر آلودگی پستی و بسته‌بندی، افشانه‌های

مدرسه

و

تهدیدهای

زیستی

دکتر اعظم گودرزی
دکترای تخصصی آموزش
بهداشت و ارتقای سلامت



زیستی، دستگاه‌های تهویه هوا، دودسازها، استوانک (کپسول)‌های اطفای حریق و دستگاه‌های هواساز) به بیرون منتشر شوند.

• آب و غذا: برخی از عوامل زیستی مانند باکتری‌های شیگلا و ویروس‌های هیپاتیت A و E می‌توانند از طریق آب و غذا به افراد برسند (نظیر آلودگی وسایل غذاخوری انفرادی و آلوده‌سازی زنجیره‌آبی غذایی).

• حیوان: برخی از عوامل زیستی مانند ویروس‌های آنفلوآنزا و کرونا می‌توانند از طریق حیوانات به انسان‌ها منتقل شوند.

• انسان: برخی از عوامل زیستی مانند ویروس «اچ‌آی‌وی» می‌توانند از طریق رفتارهای خاص انسانی به افراد دیگر منتقل شوند.

• فورورفتن جسم خارجی در بدن: نظیر (آلودگی با سوزن‌های آلوده)، (آلودگی با پرتابه‌ها، گلوله و ترکش).

* کلیدهای همه‌گیری شناسایی

در اینجا کلیدهایی از همه‌گیری شناختی هر رویداد بوم‌وحشت افکن ارائه می‌شوند، اما هیچ‌کدام از این موارد به تنهایی مدرک اثبات استفاده عمده از عوامل زیستی نیستند. اما اگر با بررسی‌های تکمیلی توأم شوند، در تعیین علت همه‌گیری بسیار مؤثرند.

* کلیدهای بالینی و همه‌گیرشناسی

• بروز همه‌گیری بزرگ با وسعت بیش از حد انتظار، به ویژه اگر در جمعیتی معجزا رخ دهد.

• شدت بیشتر بیماری نسبت به حالت معمولی.

• وجود بیماری‌ای که برای آن ناحیه جغرافیایی در دست بررسی غیر معمول است (نبود ناقل و مخزن مربوطه در منطقه جغرافیایی خاص و تطابق نداشتن آن با شرایط اقلیمی منطقه).

• فصل غیر معمول ابتلا به بیماری خاص.

* کلیدهای جغرافیایی

میزان بالاتر حمله در افرادی که در محیط بسته (مانند ساختمان‌های مسکونی) حضور داشته‌اند، نسبت به افرادی که در فضای باز قرار داشته‌اند و در آنجا عامل از طریق اسپری منتشر شده است. و برعکس، میزان پایین‌تر بیماری در افرادی که در محیط‌های سرپوشیده قرار داشته‌اند، نسبت به محیط باز و مواجهه با عامل، می‌تواند یک کلید باشد.

کلیدهای راهنمایی‌کننده حاصل از اخبار و اطلاعات معتبر

- اطلاعات و آگاهی از اینکه دشمن به عامل یا عوامل خاصی دست پیدا کرده است.

- وجود شواهدی مبنی بر استفاده از عوامل زیستی مثل یافتن تجهیزات، جنگ افزارها یا استفاده پنهانی از آن‌ها.

با این حال، حتی با وجود بیش از یکی از موارد بالا نمی‌توان به آسانی در مورد وقوع یک حمله بوم‌وحشت افکن تصمیم قطعی گرفت. برای مثال، ماه‌ها طول کشید تا مشخص شود همه‌گیری سالمونلوز در سال ۱۹۸۴ در ایالت آرگون، از آلودگی عمده سال‌ها در رستوران‌ها بوده است.

* آمادگی‌های بهداشتی مدرسه در تهدیدهای زیستی

• فهرست‌بندی همه‌گیری‌های گذشته: در دست داشتن اطلاعات مربوط به همه‌گیری‌های گذشته به منظور تشخیص و افتراق حوادث عمده زیستی از همه‌گیری‌های طبیعی.

• تعیین فهرست عوامل زیستی تهدیدکننده: با توجه به مختصات زیست‌محیطی منطقه و نحوه انتقال و بیماری‌زایی آن‌ها در انسان، فهرست عوامل زیستی تهدیدکننده را مشخص کنید.

• آموزش و آمادگی کارکنان: آموزش و آمادگی کارکنان به منظور شناسایی، پیشگیری و درمان بیماری‌های واگیر بسیار مهم است. این آموزش‌ها شامل شناسایی نشانه‌های بیماری‌های واگیر، تشخیص و درمان آن‌ها، استفاده از وسایل پوششی و بهداشتی، دستورالعمل‌های بهداشتی و شیوه‌نامه‌های پیشگیری و پایش عفونت، همچنین تقسیم کار و تشکیل تیم مدیریت بحران، با مشخص کردن شرح وظایف فردی می‌شوند.

• شناسایی و نظارت: افزایش تلاش در جهت شناسایی، نظارت و پایش فعالیت‌های داخل و اطراف مدرسه (معلم‌ان عزیز بر فعالیت داخل و اطراف کلاس نظارت بیشتری داشته باشند).

• تهیه تجهیزات و تأسیسات بهداشتی: در حد امکان شامل وسایل پوششی، پوشانه (ماسک)‌ها، دستکش‌ها و دستگاه‌های تهویه مطبوع.

• تمرین و آموزش: انجام تمرین‌ها و آموزش‌های شبیه‌سازی حملات زیستی برای تقویت آمادگی کارکنان و دانش‌آموزان و نیز برای بهبود سامانه‌های پاسخ به بوم‌وحشت افکنی.

• دستیابی به روش‌های سریع و دقیق اطلاع‌رسانی، مطابق با قوانین آموزش و پرورش، به منظور گزارش بیماری و دسترسی به افراد خبره از سطح مراقبان بهداشت و مشاوران مدرسه تا نظارت و کنترل‌های تخصصی تر.

همه این آمادگی‌ها برای پیشگیری از بوم‌وحشت افکنی بسیار مهم هستند و به منظور حفظ سلامت جامعه باید به صورت مداوم به روزرسانی شوند. *

منابع

1. Anderson PD. Bioterrorism: toxins as weapons. J Pharm Pract. 2012;25(2):121-9
2. Anvarinejad M, Farshad S, Alborzi A, Ranjbar R, Hoseini M. (2011). Pulsed field gel electrophoresis protocol for typing of uropathogenic Escherichia coli. Journal of Jahrom University of Medical Sciences; 9 (2):1-6.
3. Balali-Mood M, Moshiri M, Etemad L. Medical aspects of bioterrorism. Toxicon. 2013 Jan 20. pii: S0041-0101(13)00023-8.

معلم در کلاس درس با دانش آموزانی در سطح‌های متفاوت استعداد، توانمندی و یادگیری در ارتباط است. این دانش آموزان همچنین شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی را هم تجربه می‌کنند. گاهی دانش آموزان در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که یکی از والدین یا حتی هر دو را به دلایل فوت، طلاق و جدایی از دست داده‌اند. همچنین، شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی دانش آموزان یکسان نیست و این نبود تطابق، شرایط متفاوت و متمایزی را در کلاس درس ایجاد می‌کند. حتی در متجانس‌ترین کلاس‌های درس، خرده‌فرهنگ‌های گوناگون دیده می‌شوند و بدیهی است احتمال موفقیت و یادگیری برای همه یکسان نیست. از دانش آموزان عادی که بگذریم، برخی از دانش آموزان دارای نیازهای ویژه هم گاهی پیشینه اضطراب، فشار روانی، کمبود توجه و تمرکز، بیش‌فعالی، اختلالات یادگیری و شرایط خاص دارند. در چنین شرایطی ممکن است انتقاد، سرزنش خویش، طرد، اضطراب و افسردگی، کاهش عزت‌نفس و اعتماد به نفس را تجربه کنند.

کلاس درس در دست

تفاوت



دکتر مرزنی فاضل

دکترای مشاوره و مدرس استعداد و خلاقیت



یکی از راهکارهای کمک به بهبود فضای آموزشی و فرهنگی کلاس، توجه به شفقت به خویشتن و دیگران است. در مان مبتنی بر شفقت در نظریه‌های درمانی مشاوره و روان‌شناسی جایگاه خاصی دارد، اما در بخش آموزش، به ویژه کلاس درس، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. هدف از شفقت درمانی، کنار گذاشتن تفکرات مخرب و منفی مانند خودانتقادی، سرزنشگری و قضاوت است. علاوه بر آن، این روش، هدف اصلی انسان را که همان مهربانی نسبت به خود و دیگران و در نهایت رسیدن به آرامش ذهنی است، محقق می‌کند. شفقت سه جریان متفاوت دارد:

* شفقت به دیگران

معلم فرهنگ درک و همدلی نسبت به دیگران را در دستور کار کلاس خویش قرار می‌دهد و به دانش‌آموزان یاد می‌دهد که نسبت به آلام و رنج‌های دیگران حساسیت نشان دهند و آن‌ها را به خوبی درک کنند و در حذف و کاهش چنین سختی‌هایی بکوشند.

* دریافت شفقت از دیگران

برخی از دانش‌آموزان در دریافت کمک و پذیرش همدلی دیگران مشکل دارند و به برقراری ارتباط تمایل نشان نمی‌دهند. معلم با دریافت شفقت از دانش‌آموزان کلاسش، خودش را الگو قرار می‌دهد.

* شفقت به خود

شاید دلیل اصلی نداشتن شفقت نسبت به دیگران و دریافت نکردن شفقت از دیگران، نداشتن شفقت نسبت به خویشتن است. معلم در کلاس درس بستری فراهم می‌کند که دانش‌آموزان در ابتدا برای خویشتن ارزش قائل شوند و رنج و آلام خود را درک کنند و بپذیرند.

نظریه پردازان شفقت درمانی، شفقت را شامل سه مؤلفه می‌دانند که عبارت‌اند از:

- مهربانی به خود، در مقابل قضاوت و انتقاد از خود: به جای آنکه مدام خویشتن را به علت کاستی‌ها و خطاها و اشتباه‌هایمان قضاوت و نقد کنیم، با حمایت و مهربانی خود را تسکین دهیم و درک کنیم.
- داشتن احساسات مشترک بشری، در مقابل به‌انزوارفتن: بپذیریم که هیچ انسان معمولی از خطا و اشتباه‌عاری نیست و همه نواقصی دارند.
- ذهن آگاهی، در مقابل تسلیم: آگاهی از تجربه‌های زمان حال. به این صورت که هم از جوانب منفی مسئله چشم‌پوشی نکنیم و هم ذهنمان به‌صورت مداوم درگیر آن جوانب منفی نباشد.

چند فن کاربردی برای رشد و پرورش شفقت نسبت به خویشتن و دیگران در کلاس درس

۱. استدلال مهربانانه، در برابر استدلال منطقی

یکی از نمادهای استدلال منطقی این است که آنکه دیرتر عصبی و ناراحت می‌شود، قوی‌تر است. اما این طرز تفکر اشتباه است. ذهن تحلیلگر و منطقی تحلیل و اضطراب بیشتری دارد و در استدلال مهربانانه، به این اضطراب حق داده می‌شود. انسان‌ها به هر میزان که به رنج خود و دیگران حق بدهند، انسانی‌تر رفتار می‌کنند. استدلال مهربانانه باعث می‌شود فرد مضطرب یا ناراحت به رنج خود حق دهد. مثلاً اگر دانش‌آموزی در جلسه امتحان یا کلاس درس گرفتار ناامیدی، ترس و اضطراب شود، این اضطراب را طبیعی بدانند. یاد صورتی که دانش‌آموزی عملکرد خوبی

نداشته باشد، معلم در برخورد با این عملکرد ضعیف، صرفاً تحلیل منطقی نداشته باشد، بلکه از جنبه‌های دیگر نیز به موضوع فکر کند.

۲. تصویرسازی نامهربانانه برای خود و دیگران، در برابر تصویرسازی امن برای خود و دیگران

اینکه ما خود و دیگران را چگونه ترسیم و تصور می‌کنیم، در روابط ما و آرامشمان تأثیر بسزایی دارد. وقتی شما خود یا دیگران را عصبی، لجباز و پرخاشگر تصور کنید، دستگاه «هم‌حس» (سمپاتیک) فعال می‌شود. در مقابل، وقتی خود یا دیگران را مهربان، قدر دان و دوست‌داشتنی تصور کنید، دستگاه «پادهم‌حس» (پاراسمپاتیک) فعال می‌شود. اگر چه ذهن بیشتر به اولی گرایش دارد، اما دستگاه پادهم‌حس موجب آرامش و ارتباط مناسب‌تر با خود و دیگران می‌شود. تجسم و تصویرسازی معلم نسبت به خود و دانش‌آموزانش، سطح انتظار متفاوتی نسبت به خودش و دانش‌آموزانش ایجاد می‌کند. وقتی معلم نسبت به خود و برخی از دانش‌آموزان در کلاس درس تصویرسازی و ذهنیت مثبت و رشدیابنده‌ای داشته باشد، بدیهی است خود و دانش‌آموزانش نسبت به سایرین رشد بیشتری خواهند داشت.

۳. توجه مهربانانه به خود و دیگران، در برابر توجه خشک

توجه خشک یعنی گرفتار ویژگی‌های مثبت و منفی دیگران یا خودمان شدن؛ یعنی به دیگران و خود سیاه یا سفید نگاه کنیم. در چنین حالتی، انعطاف کم می‌شود و غم و ناامیدی افزایش می‌یابد. توجه مهربانانه یعنی آنکه ما خود را دارای ویژگی‌های خاصی ندانیم، بلکه خود را دارای مجموعه‌ای از ویژگی‌ها بدانیم. غرق شدن در ویژگی‌های دیگران، موجب ناامیدی، دلخوری و تنفر می‌شود و گرفتار شدن در ویژگی‌های مثبت خود، به کمال‌گرایی خودشیفتگی و توقعات بالا از خویشتن می‌انجامد. لازم است معلم در کلاس درس این نکته را به دانش‌آموزان یاد دهد که همان لحظه که روی ویژگی‌های مثبت یا منفی خود یا دیگران تمرکز می‌کنیم، به عمد توجه خود را از روی آن ویژگی‌ها برداریم و به سمت دیگر ویژگی‌ها ببریم. انسان‌ها را به‌طور کامل مشاهده کنیم و مورد توجه قرار دهیم.

۴. رفتار نامهربانانه با خود و دیگران، در مقابل عشق به خود و دیگران

سه شیوه رفتاری نامهربانی با خود و دیگران، «شرم از خود و دیگران، کمال‌گرایی و حمله به خویشتن و دیگران» است. در شیوه شرم از دیگران، رفتار کسانی که به ما تعلق دارند، در ما شرم ایجاد می‌کند. مثل وقتی که معلمی به خاطر رفتار زشت دانش‌آموزانش، در برابر مدیران یا دیگران دچار شرم شود. در حالت بیرونی این شرم، مادر مورد قضاوت دیگران و احساسی که نسبت به مادر دارند، نگران می‌شویم. حالت درونی این شرم شامل نحوه فکر کردن مادر مورد خودمان و قضاوت بد در مورد خودمان است.

در کمال‌گرایی، ما برای خود و دیگران استانداردهای بالایی تعریف می‌کنیم و ارزشمندی خود و دیگران را به رسیدن به این ارزش‌ها وابسته می‌دانیم.

در حمله به خود و دیگران، با سرزنشگری و انتقاد شدید رفتار می‌کنیم.

در مقابل، در رفتار مهربانانه با خود و دیگران، به جای شرم از خود و دیگران، احترام به خود و دیگران را مورد توجه قرار می‌دهیم. به جای کمال‌گرایی، به مراقبت از خود و ارزش‌ها و ملاحظت با دیگران می‌پردازیم و به جای حمله به خود و دیگران، عشق به خود و اشتیاق به دیگران را سرلوحه کار قرار می‌دهیم. *

به سوی

مدرسه فردا



نویسنده (بخش داستانی): مصطفی خرامان

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۰

ناشر: شرکت سهامی افست

مهم‌ترین سؤال ما این است که اساساً مدرسه قرار است چه کاری انجام بدهد؟ ما مدرسه را برای چه نیاز داریم؟ چه مقدار از بار آموزش و تربیت را قرار است بر دوش مدرسه بگذاریم؟ این مدرسه چه مقدار زمان از عمر بچه‌ها را باید به خودش اختصاص بدهد؟ و از این سؤال‌ها، بدیهی است، پاسخ اولیه در باره ضرورت مدرسه این است که دو اتفاق را باید رقم بزند: اول رشد دانش آموز را به عنوان یک فرد و دوم توسعه کل کشور را.

ما از این نقطه می‌توانیم شروع کنیم و بپرسیم که امروز کارکردهای مدرسه و کارآمدی مدرسه برای تک‌تک بچه‌ها، خانواده‌ها، جامعه و جهان چیست؟ من راجع به مدرسه نگاه خیلی روشنی دارم. معتقدم، در هر جامعه «مدرسه» ارزان‌ترین راه برای بهبود تمام شاخص‌های مطلوب آن جامعه است. روی این کلمه «ارزان‌ترین» هم تأکید می‌کنم. البته کم‌آسیب‌ترین، پایدارترین، عقلایی‌ترین، انسانی‌ترین، سازنده‌ترین، قابل محاسبه‌ترین، مؤثرترین، سازگارترین با فطرت آدم‌ها و... هم هست. یعنی اگر کشوری و مردمی یا جامعه‌ای می‌خواهند به این نقطه برسند که اوضاعشان را خوب کنند، خیلی راه‌ها و گزینه‌ها مقابل روی آن‌هاست؛ مثل تقویت رسانه‌ها، دادن اختیارات به جوامع محلی، توسعه صنعت، توجه به تولید و... بدیهی است هر یک از این کارها به ارتقای پاره‌ای از شاخص‌ها می‌انجامد، اما من به شدت معتقدم، اگر تمام شاخص‌های مثبت مورد توجه یک کشور را می‌خواهیم به طور بنیادی بهبود

بدهیم، ارزان‌ترین نقطه دستیابی به آن، مدرسه است. با این جمله در عمل ما داریم مدرسه‌ای با یک کارکرد ویژه تعریف می‌کنیم. بسط این موضوع در این گفت‌وگوها برای خودم خیلی مهم است. از این نقطه است که ما به این نتیجه می‌رسیم که آموزش و پرورش مهم است. آموزش و پرورش اولویت اول کشور است. از طریق آموزش و پرورش است که «اصلاح‌ها» و از ناحیه فقدان «فسادها» در کشور رخ می‌دهند. ترسیم این مسئله که مدرسه ارزان‌ترین راه برای ارتقای تمام شاخص‌های یک جامعه است، ابعاد متعددی را در بر می‌گیرد. مثلاً یک محله را در نظر بگیرید. این محله به دنبال این است که مردمش آدم‌های خوش اخلاقی باشند. فضای محله فضای پاک و تمیزی باشد. تفکیک زباله در آن انجام بشود. ازدواج‌هایی که در این محله شکل می‌گیرند، خانواده‌های پردوامی را به وجود آورد، بچه‌هایی که در این محله به دنیا می‌آیند خوب تغذیه بشوند و خوب رشد کنند. بزرگان، پدران، مادران، پدر بزرگ‌ها، مادر بزرگ‌ها در این محله تکریم بشوند. کسبه محل امین و با مردم محل صادق، امانت‌دار مال مردم، حافظ ناموس مردم، پایبند به عقاید و اخلاق باشند. تمام این ویژگی‌ها نقطه اولیه، محوری و شاکله تشکیل مدرسه است. *

قلمرو علمی

و فناوری

(مبانی نظری سند تحول، ص ۳۱۱)

۱
فهم و درک
دانش‌های
پایه و عمومی

۲
کسب
مهارت
دانش‌افزایی

۳
به‌کارگیری شیوه
تفکر منطقی،
نقاد و خلاق

۴
کسب بینش و تفکر
فناورانه برای بهبود
کیفیت زندگی





طوفان اقصا

Storm
Al-Aqsa

بار دیگر نیز می‌گویم
این ستاره‌های شش پر
در مسیر ماه، چون مین‌اند
ای دریغا نام داوود
ای دریغاتر ستاره
ای دریغا ماه
قدس، خون یحیی در دل تشت است
قصه یوسف درون چاه
سنگ‌ها بگذار چون باد فرود آیند
سنگ‌ها آبتن ابرند
باران کم نخواهد شد
هر شهید ابری است
جمعه‌ها در سجده خون
از شهیدان کم نخواهد شد

بار دیگر نیز می‌گویم
سیدی زخمی‌ست اینک قدس
و خبرها همچنان خون
دردها سنگین
سنگ‌ها برآتر از تیغ صلاح‌الدین
علیرضا قزو



قلمرو علمی

و فناوری

(مبانی نظری سند تحول، ص ۳۱۱)

۱
فهم و درک
دانش‌های
پایه و عمومی

۲
کسب
مهارت
دانش‌افزایی

۳
به‌کارگیری شیوه
تفکر منطقی،
نقاد و خلاق

۴
کسب بینش و تفکر
فناورانه برای بهبود
کیفیت زندگی





طوفان اقصا

Storm
Al.Aqsa

بار دیگر نیز می‌گویم
این ستاره‌های شش پر
در مسیر ماه، چون مین‌اند
ای دریغا نام داوود
ای دریغاتر ستاره
ای دریغا ماه
قدس، خون یحیی در دل تشت است
قصه یوسف درون چاه
سنگ‌ها بگذار چون باد فرود آیند
سنگ‌ها آبتن ابرند
باران کم نخواهد شد
هر شهید ابری است
جمعه‌ها در سجده خون
از شهیدان کم نخواهد شد

بار دیگر نیز می‌گویم
سیدی زخمی ست اینک قدس
و خبرها همچنان خون
دردها سنگین
سنگ‌ها برآتر از تیغ صلاح الدین
علیرضا قزوه

